ژوندون

پنجشنبه ۳ میزان ۱۳۹۵
۲۰ـ رمضان ۱۳۹۵
۲۵ سپتمبر ۱۹۷۵
قیمت یك شماره ـ۱۳ـ افغا نی

شماره ۲۷
سال۲۷



اختصار وقایع مهم هفته

قرارداد امور مشورتی حفظ ومراقبت و اصلاحات سرکهای حوزه شرقی، جنوبی وغربی کشوردروز ۳۰ سنبله بین وزارت فواید عامه وتیم مشاورین کمپنی ساوتی ایتالوی درکابل عقد گردید .

* * *

بمنظور بلند رفتن سطح محصولات زراعتی توزیع کودکیمیاوی وگندم اصلاح شده بذری دیروز درحوزه های معینه ولایت کندهار آغاز گردید .

* * *

اتحاد شوروی معادل هشتصدو چار هزارو نهصدو هشتادو چار دالر سامان ومواد مورد ضرورت رابرای بهره برداری‌انتقال واستخراج گاز درچوکات موافقتنامه کریدت ۱۹۷۲ به افغانستان میرساند .

قرارداد مربوط باین همکاری روز ۲۷سنبله دروزارت معادن وصنایع عقد شد .

در خارج

درلبنان حکومت رشید کرامی به اقدام‌جدیدی دست زده است تاجریان جنگ بین گروه های رقیب وجوامع متضاد آنکشوررااز میان بردارد.

• • •

کمشنر عالی‌هند درلندن ببیان‌نهرروزپنجشنبه اشارتا به خبر نگاران گفت: که تغییراتی عمده درقانون اساسی هند بخاطر آوردن یك نوع دیموکراسی مطابق مقتضیات هندوستان آورده خواهد شد .

• • •

درموسسه ملل متحد گروپ کشور های سوسیالستی بادیگر برای شمول‌دوجمهوریت ویتنام دراین سازمان جهانی اقدام وپافشاری نموده‌اند . ماه‌گذشته ایالات متحده درشورای امنیت عضویت دوویتنام درملل متحد رابخاطر آنکه عضویت کوریای جنوبی رد شده بود ویتو کرد وراه شامل شدن ازطریق شورای امنیت مسدود گردید .

• • •

حکومت اردن به ایالات‌متحده خبر داده‌است تمام چهارده دستگاه پرتاب راکت ها ی عصری طیاره شکن نوع (هاك) رااز آنکشور بخرد ولی قبلا گفته بود شرایطی راکه حکومت فورد برای خرید این راکت هاگذاشته است قبول ندارد .

• • •

دفتر هوانوردی پا ن امریکن در بیروت طعمه آتش شد .

* * *

شوهر خواهرکنیدی کاندید ریاست‌جمهوری امریکا گشت .

• • •

درپی یك هفته زدوخوردخونین در لبنان که‌همراه باتلفات سنگینی بودشام‌شنبه‌دراین شهر اوربند برقرار شد .

در داخل کشور

پوهاند دوکتور نوین وزیر اطلاعات وکلتور صبح‌روز چارشنبه ازحفریات‌دوره‌نهم‌تپه‌سردار موزیم قصر مسعود سوم ومینار های غزنی دیدن نمود .

• • •

سنگ تهداب عمارت مکتب ابتدائیه قریه کورچقوولسوالی منگجك روز ۲۶ سنبله توسط بناغلی محمدگل نجیب والی جوزجان گذاشته شد .

* * *

شفاخانه چهل وچار بسترلوی ولسوالی خوست ولایت پکتیا بعداز ظهر شنبه‌توسط پوهاند دکتور محمدابراهیم عظیم معین وزارت صحیه افتتاح گردید .

* *

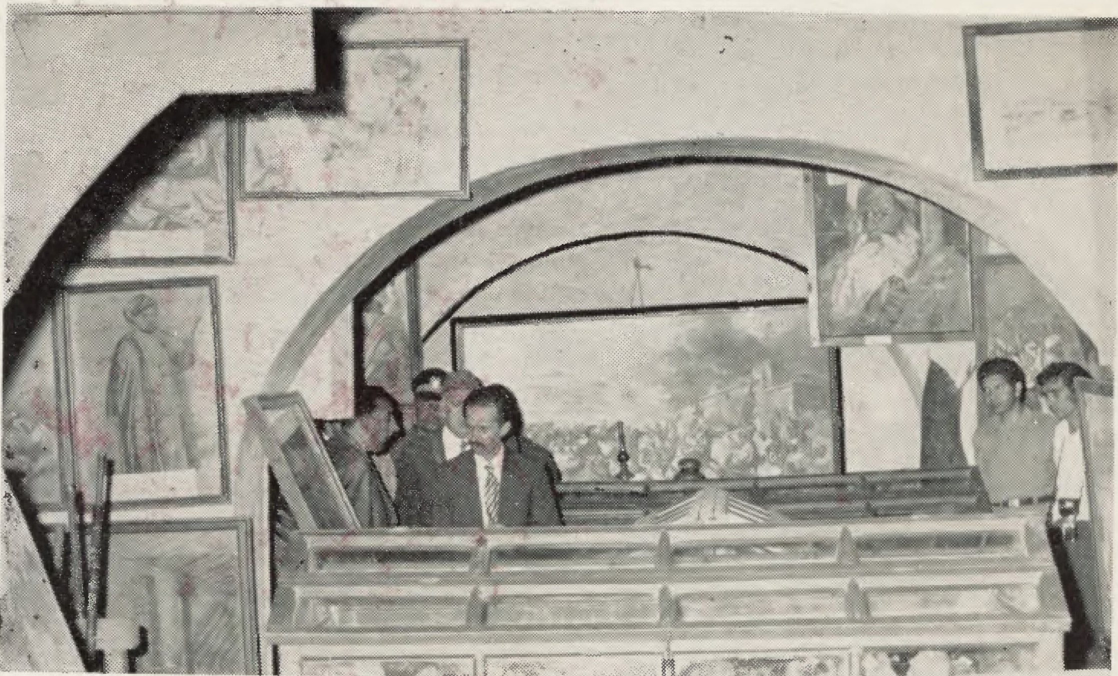
پروگرام توزیع وتحصیل کریدت کود کیمیاوی وتخم اصلاح شده درولایت هرات موضوع مجلسی بودکه روزشنبه درسالون‌آن ولایت دایر گردید .

*

شبکهٔ آب‌مشروب مرکزلوی ولسوالی‌خوست ولایت پکتیاکه به همکاری تخنیکی واقتصادی جمهوریت اتحادی آلمان تکمیل گردیده است شب‌شنبه طی مراسمی‌توسط سفیرکبیرآنکشور مقیم کابل به بناروالی خوست تسلیم داده‌شد.



بناغلی رئیس دولت وصدراعظم هنگامیکه سفیر کبیر لیبیا مقیم‌کابل را برای‌تقدیم اعتماد نامه‌اش درقصر ریاست جمهوری پذیرفتند.



پوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات‌وکلتور هنگام بازدید از موزیم کندهار.

پیک ژوندون

ترقی عمومی :

دولت جمهوری افغانستان به پروگرام های معارف تجدید نظر نموده و آنها را اصلاح خواهد کرد، برای امحای بیسوادی عمومی وایجاد تحول فرهنگی درمملکت بر اساس فر هنگی ملی و مترقی مبارزه خواهدنمود ونسل جوان را باتقوی وباروحیه وطن پرستی وخدمت به مردم پرورش خواهد داد.

فرهنگ در خدمت اجتماع

پنجشنبه ۳ میزان ۱۳۵٤ ـ ۱۹ رمضان ۱۳۹۵ ـ ۲۵ سپتمبر ۱۹۷۵

فرهنگ با اجتماع وسا ختما ن اقتصادی آن منا سبت بسیارنزدیك دارد.

فرهنگ دوره های خاص، از محیط اجتماعی آن تاثیر می پذیرد وبهمین ترتیب بالای اجتماع وانکشاف وترقی اجتماعی نقشی موثر بازی میکندوچه بساکه این تاثیر گاهی نقش قا طعی میابدودر مسیر عمده قرار میگیرد درین میان کسانیکه وظا یف ومسئو لیت های فرهنگی را عهده دارهستند مسولیت بس سنگین دارند.

ما راهی دیگری نداریم غیر ازاینکه درمیسر زندگی بسر بر یم وایـــن نیز بر واضح است کـــه در دو را ن که بسر می بریم از آن ماست وبا ید تا حد توا ن در هر کار ووظیفه کـه هستیم کوشا باشیم بخصوص کسانیکه سرو کار شان با کار های فرهنگی است میتوا نند روشنگر راه دیگرآن باشند. امروز این حقیقت در جا معه ماکاملا مصدق است زیرا ماامروزنسبت به هر وقت دیگر نیاز مندی بسیار به پیشرفت ترقی ورفاه کشورمان داریم واگر بتوانیم طوری فر هنگ را در خد مت اجتماع ویك آینده روشن ومسعود قرار بدهیم وظیفه خودرا بحسن صورت انجام داده ایم درغیر آن این موقعیت را جا ودانه وبرای همیشس در اختیار نخوا ییم داشت و در برابر دیگران مسئول خوا هیم بود.

کشور ماافغانستان دارای فرهنگ غنی وکلتور معتبر وبا ستانی است که بایست از آن استفا ده شا یا نـی برد وآنرا همانطور غنی نگهداشت و درخدمت تر قی قرار داد ازینـــرو برما ست که این فرهنگ را تا حد ممکن معرفی بداریم تا مردم مادر ك بیشتری از محیط وجا معه خـــو د داشته با شندباین ترتیب وبا شناخت که مرد م ازز ندگی اجتما عی وفرهنگی بدست می آورند بهتر می توانند عمل کنند وبایك دید وسیع ودرك درست درکار های اجتماعی سهیم گردند.

عمل کردن بدون شناخت بی گمـا ن فاصله بین جامعه وافراد آن ایجا د میکند.

وایجاد این فاصله باعث میشود که مردم یااز کاروان ترقی وتمدن عقـب بمانند ویا اینکه تند وعجو لانه بـه پیش روند که در هر دو صـــو رت عدم تناسب منطقی رادر کارحرکت وتحول اجتماعی بار خواهد آور د.

بر قرار کرد ن این تنا سب درست وعلمی از وظیفه آنانی است که ذهن شانرا بازیور دانش آراسته ا ند. اینها وظیفه دارند تانبض اجتـــماع رادر دست داشته ورو شنگر راه دیگران باشند وفر هنگ اجتما عی را که ارتباط ناگسستنی بااقتصـــاد و اجتماع دارد طوری بکار اندازند که در خدمت جامعه قرار گیرد،

آگاه ساختن مردم از تمام موضوعات ومسایل که باعث پسما نی جامعه میشود، توضیح علل آن وجستجوی راه های درست ودریافتن وسایل که در تسریع یك حر کت مثبت مو ثر واقع شود کمك بسزای برای آبا دانی وپیشرفت میکند. خوشبختا نــــه امروز تمام روشنفکران، اهل دانش وجوانان مترقی بایـــن نکته خـــو ب ملتفت هستند ووظیفه شا نرا بـــا کمال امانت داری وحس مسئو لیت انجام میدهند، درین میانه وظیفـه مجله ژوندون نیز است که به همکاری هنرمندا ن نویسنده ها و علمامصدر خدمتی برای اجتماع شده و نقشی موثری در انتشار یك سلسله مضا ـ مین اجتماعی آموزند ه داشته باشد تا بتوا ند در روشن نمودن ذهـــن مردم وسهم گرفتن آنها در کا رهای اجتماعی نقشی داشته وو ظیفه خود را همانطور یکه مطلوب ترقی ورفاه مردم این سرزمین است ایفانمود ه باشد. سعی مابر آن خواهد بود تـــا این مطلـــوب را تا حد تـــــوا ن برآورده سازیم.

خبر هفته

ښاغلی رئیس دولت وصدر اعظم دیروز سفرای کبار جمهوریت مـردم پولند وجمهوریت مردم بلغاریا راکه دوره ماموریت شان در افغانستان به پـایـان رسیده است بـــرای وداع پـذیر فتند.

ریاست دفتر جمهوری اطـلاع دادکه ښاغلی محـــمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم ساعت یازده قبل از ظهـر دیروز ښاغلی تودوز مارتینو ویـچ سفیر کبیر پولند وبه ساعت دوازده ظهر ښاغلی کراتزانوف سفیر کبیـر بلغاریا رابرای مـلا قات تودیعی در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

***

درحدود دوازده هزار و پنجصدتن کود کیمیاوی برای دهقا نان وزارعان ولایت هلمند طـــو ر قر ضه داده داده میشود.

بمنظور ار تقا سطح حا صلا ت زراعتی توزیع کود کیمیاوی دیروزدر حوزه های معینه ولایت هلمند توسط نمایند گی بانك انکشاف زراعتـــی شروع گردید تادر مزار عی که گندم بـذر مـــــی شود از آن استفا ده بعمل آید.

یك منبع مدیریت زراعت آنو لایت گفت شاید در حدود دو صدو هشتاد وهشت هزار جریب زمین در ولا یت هلمند گندم زرع گردد.

***

اضافه از چارهزار لیتر شیـر در تولیدات پنج ماه اول امسال فار م حیوانی ولایت هلمند بمقابسه همین مـدت سال گذشته آن ازد یـــــاد بعمل آمده است.

یك منبع ریاست وادی هلمندگفت ازشروع امسال تااخیر اسدیکصدو چهل وهشت هزار ودوصدو شصت و سه لیتر شیر از فارم حیوانـــی آنریاست بدست آمده و توسط مراکز مربوط به مردم عرضه گردیده است.

شا غلی رئیس دولت وصد راعظم گفتند :

مردم ما آرزویی جز صلح در سراسر جهان ندارند

هیچ دسیسه یی مردم پشتون و بلوچ را از آرزو وارمان شان منصرف ومنحرف کرده نمیتوانند

ماخواهان حل مسالمت آمیز هستیم

دفتر ریاست جمهوری مصاحبهٔ بناغلی رئیس دولت وصدر اعظم راکه بتاریخ ۲٦ سنبله با بنا غلی کنزابورو سیکائی روزنامه‌نگارروزنامهٔ یو میوری شیمبون جاپانی در قصر ریاست جمهوری صورت گرفته به نشر سپرد که ذیلا متن آن به اطلاع هموطنان رسانیده میشود.

سوال- افغانستان درآسیای مرکزی موقف خاص ستراتیژیك دارد . نظر شما درباره صلح وامنیت این قسمت جهان چه‌میباشد ؟

جواب- ملتهای درحال رشد بیشتر ازدیگران به‌صلح وامنیت ضرورت دارند بهمین مناسبت افغانستان نیز یکی از هوا خواهان جدی صلح در این منطقه آسیا می‌باشد . اما تطبیق چنین آرزویی منفردا میسر نیست امیدوارم که‌دنیا به‌این نظر رسیده باشد که‌صلح وامنیت بهترین راه بر ای بشریت است.

سوال -مادرایت دیپلوماسی شمارا درحفظ مناسبات حسنه باسه قدرت بزرگ به‌خصوص ایالات متحدهٔامریکا، اتحاد شوروی وچین تمجید میکنیم اینکار چگونه ممکن شده . وافق‌های سیاست عدم انسلاك چه‌میباشد ؟

جواب- طوریکه پیشتر گفتم مردم‌ما آرزویی جزصلح درسراسردنیا ندارند بهمین دلیل روابط مابا دو لتهای که‌از آنها نام بردید دوستانه بوده ومیباشد وباطبیعت سیاست خارجی ما مطابقت دارد.

معنی عدم انسلاك روشن است. ما به‌هیچ گروه ودسته بندی نظامی تعلقی نداریم ولی همیشه باکلو نیالیزم و امپریالیزم مخالف هستیم .

سوال - افغانستان بامشکل داعیهٔ پشتونستان روبروست که پاکستان درآن دخیل می‌باشد وچنین گفته شده که افغانها سرحدکنونی رابا پاکستان به‌رسمیت نمی شناسد زیرا ازطرف بریتانیا تحمیل شده .نظرشما پیرامون حل‌مسالمت آمیز این مسئله چه می‌باشد ؟

جواب- مساله پشتونستان وسرحد نام‌نهاد مساله یی‌نیست که‌باتشکیل پاکستان بمیان آمده باشداین قضیه یادگار کلو نیالیسم انگلیس که‌همیشه باآن‌مخالفت نموده ایم درمنطقه‌میباشد که‌توسط پاکستان تعقیب‌می‌شود . آرزوی مااینست که بمردم پشتون و بلوچ موقع داده شود که مطابق آرزوی خود ورهبران شان در تعیین سرنوشت آینده شان سهیم گردند. ماخواهان حل مسالمت آمیز این معضله هستیم‌ولی‌پاکستان‌ازطریق‌پرو پاگند ها وتبلیغات مبالغه آمیز به‌این موضوع شکل دیگری داده است . اما امیدوارم که هیچ دسیسه یی مردم پشتو نو بلوچ را ازآرزو وارمان شان منصرف ومنحرف کرده نمیتواند.

تاجاییکه مربوط بماست همواره حاضریم که‌با پاکستان برای حل مسالمت آمیز این اختلاف سیاسی راه حل معقول وشرافتمندانه جستجو نمائیم ازاینکه نیت پاکستان چیست مربوط بخوداوست .

سوال- آیادر آینده‌قریب در مورد حل مسالمت آمیز اختلافات‌افغانستان باپاکستان امیدی هست یا خیر ؟

جواب - نظربه وضع موجوده فعلا چنین امیدی وجودندارد .

سوال- نقشهٔ شما برای حفظ آرامش وتضمین امنیت در آسیابعداز جدال ویتنام چه‌میباشد -

جواب- ما ازویتنام خیلی‌دور هستیم ویتنام بیشتر نزدیك‌بشماست فکر میکنم بهتر ازما شما وضع‌جنوب شرق آسیارا بعداز پایان جنگ‌ویتنام بررسی کرده می توانید. لیکن ازاینکه بعداز مدتها جنگ وخو نریزی به پایان‌رسیدصلح برقرار شدوملتی پس ازقربانی وفداکاری بی نظیر به‌حق مسلمش که‌آزادی است‌رسیدخوشحال هستیم . امیدوارم صلح درتمام‌مناطق جهان پایدار گردد.

سوال - اتحاد شوروی طرحهایی برای امنیت دسته‌جمعی در آسیادارد درحالیکه چین باچنین پالیسی مخالف است ومیخواهد کیفیت و شاخص سیاست کشور های آسیایی مبتنی برهدایت وابتکار خودشان باشد. آیا نظر شما دراین باره چیست ؟

جواب - به‌عقیده من موقف ممالك آسیایی باتو جه به‌موقعیت و منافع خاص شان در اتخاذ روش های شان فرق میکند .بهر صورت صلح بهر شکلیکه تامین شده بتواند طبعا ما یهٔ خوشی ماخواهد بود.

سوال- شما ازوقتیکه عهده دار زعامت کشور شده اید از نتایج اصلاحات سیاسی وانکشافات‌اجتماعی واقتصادی که تاکنون نصیب کشور شماگردیده‌است راضی‌میباشید ؟

جواب - به‌عقیده من دوسال برای آبادی یك مملکت مدت بسیار کمی است ولی طی این زمان کو تاه کار هایی درزمینه های مختلف مخصو صا درزمینه اقتصادی انجام شده است امیدوارم تحولات اقتصادی و اجتماعی درافغانستان که‌فعلا رو بدست داریم به نتیجه منجر گردد که‌به منفعت‌ملت افغانستان تمام شود .

سوال - آیا مسأله رفورم ارضی درافغانستان چگونه‌میباشد؟خواهشمندم دراین‌باره ابراز نظر فرمائید.

جواب- از اعلام قانون اصلاحات ارضی درافغانستان فقط چند ماه‌میگذرد ویکسال بعدمابه تطبیق ارزشهای این قانون اقدام خواهیم کرد. ولی‌تکمیل این هدف بزرگ چند سال رادر بر خواهد گرفت.

سوال- رویداد ها ی جنوب‌شرق‌آسیا معیار های نظام دیمو کراسی را دگرگون کرده‌است. نظر شمادر باره معیار های‌نوین چه‌میباشد ؟

جواب- هرکشوری در انتخاب معیار های‌نوین دیمو کراسی بر حسب‌شرایط ومناسبات اجتماعی خودش عمل‌میکند. من‌برای تمام ممالك دنیا دستور العمل یکسانی سراغ‌ندارم.

سوال- افغانستان مانند دیگر ممالك دنیا از انفلاسیون جهانی‌صدمه دیده است نظر شما در این باره چه می‌باشد ؟

جواب- شك نیست که‌از انفلاسیون جهانی صدمه برداشته ایم . مادراین باره باممالك جهان سوم موقف مشابهی داریم .

نظرکامل دولت افغانستان در باره بحران اقتصادی جهانی در کنفرانس لیما که چندی پیش دایر شدتوضیح شده‌است.

سوال - نظرشما دربارهٔ همکاری های اقتصادی جاپان رافغانستان چه می‌باشد ؟

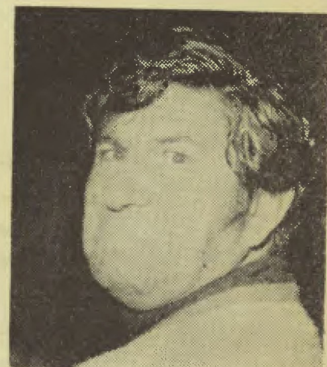
جواب- چون جاپان تاحال چنانکه باید دوانکشافات اقتصادی افغانستان سهم قابل ملاحظه‌یی نگرفته‌است. لذا راجع به‌همکاری اقتصادی که تاحال اصلا وجود ندارد نمیتوانم چیزی بگویم .

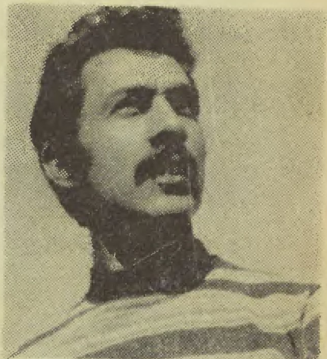
سوال- آیا تقاضای مشخصی در مورد دریافت کمك های اقتصادی‌از جاپان بعمل آمده است ؟

جواب- بلی پیشنهادات مشخصی دراین مورد بدولت جاپان سپرده ایم که‌امیدواریم علی الرغم سابق دران مورد دلچسپی بیشتر نشان دهند.

(ب)

درین شماره







پیام‌بخوانندگـــان

یك مملکت وقتی نیك بخت وموفق اســت که کار های مهم حیاتی آن بدوش‌جوانان‌با دردباحساس ووطن پرست انجام می پذیر .

سرنوشت یك ملت رابدون چون وچرابیکی سپردن کاری معقولی نیست . وحالاکه نظـام جمهوری در افغانستان مستقر است باید در پرتو آن همه ماباهم وبایك دل درراه تحقـق بخشیدن آرمانهای اکثریت مردم از همیـــن اکنون بکوشیم چه دراین جانام کفایت‌نمیکند بلکه چیزیکه قیمت دارد کار وعمل اســت . روش کورکورانه درمسایل ملی یك حرکـت نادرست بوده واولتر ازهمه شناخت یك ملت، کرکتر وخصوصیات ملی آن میباشد وبعد در پی تحقق بخشیدن منافع، خیر وسعادت مردم، پیشرفت‌وتعالی کشور بادرایت‌کامل‌وباواقعبینی مطابق به‌ضروریات عصرو محیط میتوان‌گامهای عملی موثرومثبت برداشت تجارب به کـرات ثابت نموده وتاریخ گواه است که متحدومتفق بودن برای سعادت یك جامعه ویك مملکـت مفید وموثر بوده وبرخلاف نفاق‌وبدبینی‌هـا باعث تباهی وپسمانی میگردد. پس ازآنجاکه این خاك ازهمهٔ ماوشماواین کشور از تمـــام ماست هرکدام حق خواهیم داشت که درجهت ارتقاء وانکشاف آن سعی کنیم واز ابرازتفکر سالم ومفید بخاطر اعتلای وطن خود دریـــــغ نه ورزیم .

مامسلمان هستیم وباقبول تمام قربانی هـا که بخاطر اکثریت مردم خوداین انقلاب رادر جامعه آوردیم به همین قربانی تاآخر خواهیم رفت ودرراه خود ثابت قدم خواهیم ماند .

راه سعادت برای وطن وقتی خواهد بودکه قسمت بزرگ ملت درخدمت وطن سهم‌فعال گرفته منافع عامه ومنافع طبقه بزرگ بالاتراز طبقه محدود قرار داده شود .

فشردهٔ ازیك كتاب
خلاصه ازیك بحث

نوشته : گریتیك

خوابهای ارضایی

یکی‌ازامراض‌روانی را علماواطبای‌روانشناسی تحت عنوان (گریزروانی) معرفی می نمایند واز انواع بیماری هاییکه درچوکات این بحث بـه مطالعه آن پرداخته اند خیال پرستی وررویابافی رابر شمرده اند ومیگویند عامل عمده‌ای کــه موجب این بیماری میگردد از فرار از واقعیت منشاء میگیرد، بنابرین با چنـین استـــدلال (هنگامی که روبرو شدن باواقعیت دشواراست گاه افرادبدامن خیال وررویا پناهنده میشوند) به ارزیابی آن می پردازند وبدینگونه تحلیـل می نمایند :

اصولاقسمت مهمی ازرویا های بشر، جنبه‌ی کامجویی وارضایی دارد، بگفتهٔ شاعر،شتر گرسنه درصحرا، پنبه دانه درخواب می بیند که به طیب خاطرومشتاقانه آنرا گاه، انباشته انباشته وگاه دانه، دانه میخورد .

همچنین است گرفتاری های برخی ازکودکان نوبالغان وجوانانیکه بنابرروشهای نادرســت تربیتی والدین دربرابر آنان وبنابریك سلسله عوامل محیطی واقتصادی وامثال آن به‌بیماری (خیال پروری) و (گریزروانی) مصاب گـردیده واین ناراحتی طوری درروح آنان نیش وجوانه میزند که‌درمواجه‌شدن باواقعیت‌هاوحقایق‌قبول شده دراجتماع ازآن فرار میکنند و هـمواره برای ارضای عقده های مولد ازپهـلوی ایــن معذرت وتکلیف بدنبال (سراب) آشفته حـال

می‌شوند وبدامن خیا لات ورؤیاهای رنگین‌و فریبندهٔ مبهم وموهوم پناه می برند تالحظاتی تسکین رنجهای پنهانی رافراهم ساخته ودور ازواقعیت هادرهالهٔ اوهام برای خودخواستنی ها ونیازهای واقعی راآماده سازند وبه‌تماشای این تابلوی فریبا سرگرم گردند . واین‌حالت درست ممثل همان تعبیر وتفسیر یست که‌به

عنوان (خوابهای ارضایی)واحلام (جبران‌کننده) روانشناسان وعلم روانشناسی به آن اشـــاره میکند .

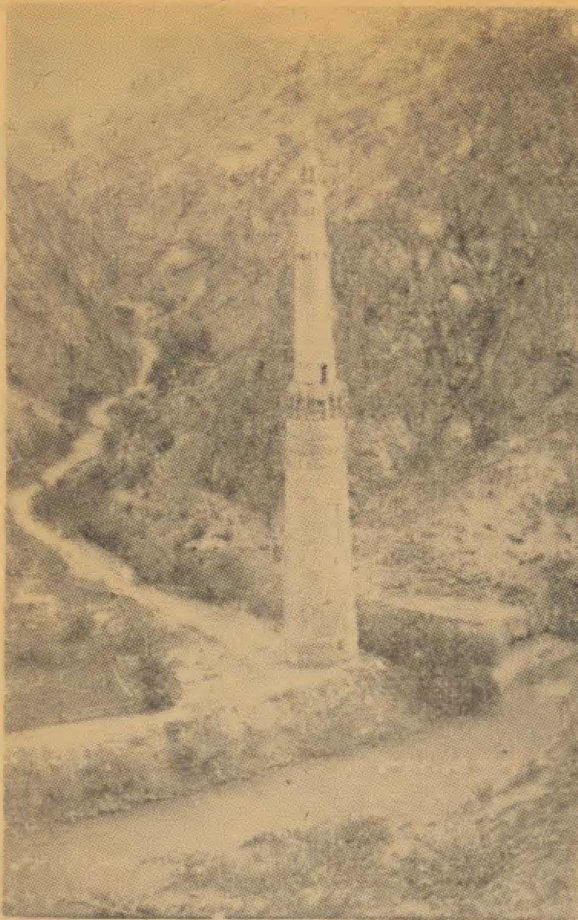
برای روشنی مطلب وبیان سادهٔ موضو ع کافیست حالت طفل یتیمی رادر نظر آورد که ازمهرومحبت پدر بهرهٔ نبرده وازلطف وگرمی آغوش ونگاه شفقت آلود او نصیبی نداشتــه است ، چنین طفلی‌که همسالان دیگر را، طفل هم سایه واطفال هم‌کوچه وقریب خودرا غرق درنازونعمت پدر داربودن مشاهده میکند لابد وقتی بااحساس این خالیگاه عمیق در زندگی خودوبافقدان این موهبت گرانمایه ودرد روح بی پناه خود، سر ببالین می‌گذارد، مـردی راخواب می بیندکه باعطوفت پدرانه وسیمای روشن وکریمانه برایش شیـــر ینی ولباس می آورد، اورادر آغوش می‌کشد وسکهٔ چنـــد به‌کف اومی گذارد تامخارج تحصیلی وجیـــب خرچ روزانه اش راازآن تامین کند، با ایـــن ترتیب این خواب ارضایی چون سرابی کـــه دربیابانهای تفتیده وسوزان به یاری گم کرده راه بی سامانی برسد به دستگیری ودلـداری اومیرسد وبرای غمهای بی شمارش تیمارموفتی فراهم میسازد وقادر خواب است سایه‌آرام وپردهٔ مبهم وکـم دوام آرزوهـــایش رابر او می‌گسترد، خوابیکه پایان‌آن بابیداری دردناکتر ازگذشته وواقعیت تلختر ازحقیقتی که‌براو مکشوف بوده همراهست .

گذشته ازاین خیالبافی ورؤیا تنهامخصوص هنگام خواب نیست هستند بسیاری ازافرادکه دربیداری نیز وقتی دیده برهم می نهند بـــه گفتهٔ معروف خوابهای رنگین وخوش می بینند، برای آینده نقشه‌های مطلوب ودلخواه میکشند، تصویر آرزوها زیباتر دربرابر شـــان نقش می بندد وسهلتر به‌کام دل میرسند وساده تر بدنبال هر تنهایی نابرآورده وسرکوفته ذوق می زنند ووجدوحالی سراسر وجود شان رافرا میگیرد بطوریکه خودرا ازهیچ نگاهی واز هیچ تمنایی معذور ومجبورنمی یابند مثال اینگونه خواب هاوخیال ها، رؤیاها وهوسهای کاذب را دراشعار غالب شعرا ودرادبیات بسیاری ازملل دنیا فراوان می یابیم گاه به خال هندویـــی سمرقند وبخارا بخشیده میشود وزمانی‌بدینگونه درپناه زیبایی وکرم معشوق احساس بی‌نیازی وکامروایی می نمایند .

... چشم فروبستم وخموش وسبکروح
تن به علف های نرم وتازه فشردم
همچو زنی کاو غنوده دربر معشوق
یکسره خودرا بدست چشمه سپردم
روی دوساقم لبان مرتعش آب
بوسه زن وبیقرار وتشنه وتبدار
ناکه درهم خزید، راضی و سرمست
جسم من وروح چشمه سارگنه‌کار
آسمان همچو صفحه ی دل من
روشن از جلوه های مهتابست
امشب از خواب خوش گریزانم
که «خیال تو» خوشتر از خوابست
بر لبم شعله های بوسه ی تو
می شگوفد چو لاله گرم نیاز
در خیالم ستاره ای پر نور
می درخشد میان هاله ی راز
ناشناسی درون سینه ی من
پنجه برچنگ ورود می ساید
همره نغمه های موزونش
گویا بوی عود می آید ...

راپور از: محمد سعید

انکشاف امورزراعتی، مواصلاتی، عمرانی درغورباستان



منار جام که از جمله آثار عالی تاریخی کشور محسوب میشود در۱۱کیلو متری غرب چغچران موقعیت دارد

ولایت غورکه یکی‌ازمناطق‌تاریخی وباستانی کشور عزیزما محسوب میشود در قلـــب افغانستان عزیز درلابلاوپیچ وخم سلسله‌جبال های مرکزی مملکت ماموقعیت داشته و دارای دره ووادی های زیباودیدنی میباشدبالخصوص درموسم تابستان مناطق مذکور باداشتن آ ب سرد ونقره‌گون وهوای گوارا کیفیت خاصـی رابخود اختیار میکند، دریای هریرود کـه از ارتفاعات ودره های بلند سرزمین (لعل وسر جنگل) سرچشمه میگیرد به زیبایی وشادابی دره‌های‌غورافزوده‌است، دریای مذکوردرحدود سه‌صد کیلو مترطول ازانتهای‌شرقی ولایت غور «اصغران» درمربوطات غوربه‌جریان‌خود بطرف غرب ادامه‌داده درناحیه «چشت‌شریف» وارد ولایت هرات شده وباعث سر سبـــزی وشادابی مناطق آن ولایت میگردد .

ساختمان طبیعی ولایت غور طوری است که احداث خطوط مواصلاتی درآن مشکل بوده واز طرفی زمستان آن طولانی میباشد وهمین امر سبب تجرید آن ولایت شده ودرنتیجه باعث عقب ماندگی آن‌گردیده بودمگر درین اواخردر پرتونظام مردمی وخجسته جمهوریت توجـــه زیادی برای انکشاف جوانب مختلف آنولایت صورت گرفته است‌که متضمن رفاه وآسایش باشندگان آن منطقه بوده وخواهد بود .

بناغلی حضرت میر «حکیم» والی‌غوردریك مصاحبه ضمن ابراز مطالب فوق گفت :

بوصف مشکلات مالی وطبیعی باآن هم، از بدوتاسیس نظام جمهوریت ، امور زراعتی ، مواصلاتی،عمرانی، فلاحتی‌وغیره غورتااندازه‌یی انکشاف نموده وهنوزهم‌درحال‌انکشاف میباشد.

چنانچه‌بابکاربردن میتودهای جدید، حاصلات زراعتی ازدیاد قابل ملاحظه‌ای نموده که نه‌تنها احتیاجات تمام مردم ولایت غوررا تکافوخواهد کردبلکه به ولایات ومناطق دیگرهم فرستاده خواهدشد به‌همین ترتیب به احداث سرکهای موترروهم باوصف‌شرایط مشکل ودشوارطبیعی وعدم تخصیص‌مالی درنقاط مختلف غوراقداماتی صورت گرفته وهنوزهم جریان دارد، ضمنایك عده پروژه عمرانی بدون کدام تخصیص مالی امورساختمانی آن تکمیل‌وقسمادرحال ساختمان میباشند .

به همین صورت درسایر امور مربوط ازآغاز نظام مترقی جمهوریت ازنگاه کیفیت وکمیت تحول ارزنده وارد شده است که متضمـــن آسایش و آسوده حالی تمام طبـقات‌مـردم میباشد .

بناغلی «حکیم» درجواب سوالی گفت که ساختمان طبیعی ولایت غورطوری میباشد که اراضی زراعتی آبی وللمی آن تقریباکم‌میباشد باوصف آن هم نسبت بکاربردن طرق جدید زراعتی ومساعدت شرایط جوی وموجودیت آب وافر امسال حاصلات انواع زراعت منجملـــه حاصلات‌گندم فوق العاده خوب‌میباشد که‌نه‌تنها

لطفا ورق بزنید



نمای پل تخته ای‌که بالای دریای هریرود درچغچران اعمار شده است.



بند کاسی که اخیرا باگذاشتن سنگ‌تهداب کارقسمت دوم آن در شمال چغچران آغاز گردیده است .

احتیاجات ارتزاقی تمام مردم غور جبران خواهد شدبلکه یکمقدار آن توسط ریاست ارزاق به منظور استقرار نرخ مواد ارتزاقی خریداری خواهد شد ضمنا یك مقدار به سایر مناطق کشوربه فروش خواهد رسید .

بایدگفت‌که درتمام ولایت غور (۵۵٦٦۷) هکتار زمین زراعتی آبی وللمی که معادل (۲۷۸۳۳۵) جریب زمین میشود موجود است که امسال در (۳۳۲) هکتارآن انواع گندم‌های اصلاح شده بذرشده بودکه ازفی جریب زمین آن بصورت اعظمی (۱۸۰) سیر حاصل بدست آمده است درحالیکه ازهمین یك جریب در سابق بابذر گندم محلی (٤۷) سیر حاصل بدست می آمد .

والی غورعلاوه نمودکه به اساس پروگرام مطروحه کوشش به عمل می آیدتاساحه بذر گندم های اصلاح شده یی‌که درولایت غور از آن نتایج قناعت بخش بدست آمده‌است توسعه یابد تاباشد حاصلات زراعتی‌این‌ولایت ازین هم بالاتررود، گندم های اصلاح شده‌که درغور ازآن نتایج فوق‌العاده خوب بدست آمده عبارت ازگندم اصلاح شده نوع قفقازی ومکسیپک میباشد .

ښاغلی (حکیم) افزودکه از جمله اقدامات نافع ومثمر دیگری که درقسمت بهتر شدن امورزراعتی ولایت غورصورت گرفته است عبارت ازاحداث وایجاد فارم های تجربوی، نمایشی وتکثیری ، زراعتی در گوشه وکنار ولایت غور میباشد که‌ازجمله فارم های مذکور فارم جمهوریت، فارم آهنگران، فارم گل دره فارم ساغرباغ وفارم تیوره قابل یاد آوری میباشد .

فارم جمهوریت که سابق بنام (فارم جام) مسمی وتقریبا ازبین رفته بودبعداز انقلاب جمهوریت دوباره احیاشده ودرآن انواع مختلف حبوبات وسبزیجات بمنظور ترویج وتکثیر در ساحه (۷۰) جریب زمین آن بذرگردیده‌است.

بنابرعلاقمندی که به سر سبزی وعمران مناطق‌پسمانده کشورموجوداست‌یك تعدادقابل ملاحظه نهال های مثمرسال گذشته به منظور ترویج وتکثیرجهت سرسبزی ولایت غورذریعه طیاره به چغچران آورده شده درقوریه های مربوط(فارم جمهوریت)که درنزدیکی‌شرق‌شهر چغچران درکنار دریای خروشان عقیق مانند هریرود واقع است غرس گردید که نتایج آن باوصف‌گذشت وقت‌کم‌قناعت بخش میباشد.

به‌همین ترتیب درحدود یك‌ملیون‌و دوهزار نهال قلمه چنار درساحه جنوب فارم غرس شده‌که نتیجه آن فوق العاده قناعت بخش میباشد، باید خاطرنشان کردکه یك عمارت عصری ومجهز بصورت پخته در ناحیه شمال شرقی فارم مذکور به شکل یك‌کلوپ بدون صرف کدام تخصیص پولی معین ساخته شده است که به منظور پذیرایی ازمهمانان رسمی درایام تابستان ازآن استفاده به عمل می‌آید، مصارف ساختمانی کلوپ (فارم‌جمهوریت)در حدود ششصد هزار تخمین میگردد.

فارم متذکره‌که در ۲کیلومتری شهرچغچران واقع است تفرجگاه خوبی درموسم تابستان برای باشندگان آن جامحسوب میشود در این فارم گل خانه‌ای هم موجود میباشدکه در آن یکعده ازگل هاجهت ترویج ونمایش مردم گذاشته شده است چه درسابق درغور کس گل رانمی شناخت ، اصلاگل درآن منطقه‌هیچ نبود. باید تذکرداد که فارم جمهوریت ساحه (۲۰۰) جریب زمین رااحتوا میکند .

همچنان باید گفت‌که درفارم های آهنگران ، گل دره وساغرهم یك مقدارحبوبات، سبزیجات ویکتعداد اشجار مثمر وزینتی به منظور ترویج وتکثیر بذر وغرس شده است که نتائج ان بسیار خوب میباشد، فارم آهنگران در (۲۰) کیلومتری جنوب غرب چغچران وفارم گل دره در (۵۰) کیلومتری شمال مرکز غور واقع‌است.

باید گفت‌که هوای منطقه فارم‌گل دره‌نسبت به چغچران وسایر نقاط غورتقریبا گرم‌است بناءآنعده حبوبات واشجاری‌که‌درهوای چغچران مطابقت ندارند درفارم (گل دره) بذر وغرس میشوند .

در (فارم ساغر)که درعلاقه داری ساغر مربوط ولسوالی شهرك واقع است هم علاوه ازبذر مقدار زیاد حبوبات وسبزیجات یکتعداد زیاد اشجار مثمر وزینتی غرس شده که‌نتائج آن قابل اطمینان میباشد .

ښاغلی (حکیم) به گفتار خویش ادامه داده افزودکه‌علاوه ازفارم های‌فوق «باغ‌تیوره»قابل یادآوری میباشدکه درآن درحدود یك ملیون اصلحه نهال مثمر وزینتی غرس شده است .

علاوه برآن به سلسله پروگرام نهال شانی درطی امسال دو هزار نهال ناجو، چار هزار نهال بنفش، دو هزار نهال توت، دوهزارقلمه



کسانیکه به ولایت غور سفر میکنندآنکشرا به‌دیدن سیاه موی میروند

مجنون بید و(۱۵۰۰) عدد قلمه گل گلاب به ولایت غور آورده شده‌که تمام آن در مواضع وزمین دولتی بمنظور سرسبزی آن ولایت غرس شده است همچنان یکتعداد تقریبا زیاد اشجار زینتی ومثمر به اهالی آن جا داده شده است‌که تادر مزارع خویش آنرا غرس نمایند.

ښاغلی (حکیم) والی ولایت غوردر جواب سوالی در قسمت امور مواصلاتی آن ولایت چنین گفت :

چون ولایت غور نظربه عدم مساعد بودن وضع طبیعی وجغرافیاوی به احداث و داشتن خطوط مواصلاتی وسرك ها،که قبلا درین‌قسمت بلکی توجه به‌عمل نیا مده از همه پیشتر نیازمندی داردلذابعداز انقلاب‌جمهوریت سعی ومجاهدت زیادی به عمل آمد تابه هر نحوی‌که باشد چغچران مرکزولایت غورباولایات همجوار وشهر های بزرگ تجارتی ومراکز و مراجع تولیداتی وارزاقی ازطریق احداث و تمدید خطوط مواصلاتی وسرك های موتر رو ارتباط پیداکند،چون احداث وتمدید سرك های موتررو درگوشه وکنار ولایت غو ر نسبت شرایط دشوار طبیعت ازتوان مدیریت فواید عامه وقوه بشری ولایت خارج بود از طرف دولت جهت تدویر یك یونت مجهز حفظ مراقبت درولایت غوربه وزارت فواید عامه هدایت داده شد. بابه میان آمدن یونت حفظ ومراقبت درولایت غور مشکلاتی که درقسمت احداث سرك های موتررو موجود بوداز میان برداشته شده وفعالیت جهت احداث خطوط مواصلاتی جدید وترمیم سرك های سابقه به مساعدت رضاکارانه بی شائبه مردم ولایت‌غور تسریع یافت، چنانچه به تاسی از فعالیت ها وجنبش فوق سرك (چغچران ، هرات) سر ك (چغچران - فاریاب) سرك (چغچران-بادغیس) سرك (چغچران -کابل) سرك (ساغر- فرسی هرات) سرك (تنگی چارولسوالی تیوره)سرك (معدن تولك) وغیره قسما جدیدااحداث وقسما ترمیم واصلاح شده است که طول مجمو عی آن درحدود بیش ازیك هزارو چهل کیلو متر میرسد .

سرك جدید چغچران - هرات ازطریق منطقه تاریخی وزیبای منارجام‌درکنار دریای هریرود بطول ۱٦٤ کیلو متر جدیدا احداث شده که عرض آن به پنج متر میرسد .

سرك مذکور که ازمناطق آفتاب گیر وجلگه های نسبتا گرم میگذردفاصله (چغچران-هرات) رانسبت به راه سابق (۲۵۵) کیلو متر کوتاه ساخته است .

بایدگفت‌که درسابق یگانه راهیکه از هرات الی چغچران وجود داشت سرکی است که از طریق ولسوالی های شیندند- ادرسکن- تولك شهرك وغیره مناطق بعدازطی مسافه ۳۸۰کیلو متر باشرایط ناهموار که پس از عبور کوتل های متعدد پرازنشیب وفراز طولانی به چغچران امتداد دارد چون سرك مذکور باوجود مسافت زیاد دراواخربرج عقرب مسدود میشود ورفت وآمد ترافیك كاملا قطع میگردد بناء به‌احداث سرك جدید از طریق مناطق تاریخی ودره سرسبز اقدام شد ومشکلاتی که ازین رهگذر موجود بود مرفوع گردیده است .

والی غور درقسمت (سرك چغچران -کابل) درجواب سوالی گفت: سرك مذکورکه ازطریق ولسوالی های لعل، پنجاب، بهسود وبامیان باکابل ارتباط دارد درزمستان وبهار بروی ترافیك نسبت بارندگی مسدود میگردد بناء برای مرفوع ساختن مشکلات ترافیکی بطول (۱۲۰) کیلومتر سرك جدیدی از طریق قریه های آب‌گرم وآفتاب‌گیر- سر جنگل به‌ولسوالی یکاولنگ وبامیان احداث وقسما سرك متروکه سابقه ترمیم واصلاح شده که نسبت به راه اسبق (٤۰) کیلومتر فاصله (چغچران -کابل) راتقلیل بخشیده است ضمنا ازمسدود شدن سرك درایام زمستان وبهار جلوگیری به‌عمل آمده است .

نامبرده به‌گفتار خویش ادامه داده درقسمت سرك جدیدالاحداث (چغچران - بادغیس) علاوه نمود: که این سرك نیز بمنظو ر اتصال چغچران بامرکزولایت بادغیس‌ازطریق ولسوالی جوندکه منطقه همجوار ولایت غو ر میباشد احداث گردیده است ، ازطرفی ولسوالی جوند ولایت بادغیس که دردوصد کیلو متری شمال غرب چغچران وحدبخشی ولایتین واقع است یکی ازولسوالی هایی است‌که از حیث مواد ارتزاقی ، میوجات وحبوبات خیلی غنی بوده وبااحداث سرك مذکور میتوان درمواقع لازم به

بقیه درصفحه ۱۷



دوتارودنبوره ازساز های محلی‌ولایت‌غور محسوب میشود.



سطرنجی‌بافی در ولایت غور یکی‌ازمشغولیت های عمده مردم است .

راپور از ضیا روشن

قتل بخاطر هیچ

فقط پولیس بود که سه تن دیگر را از مرگ نجات داد



مجروحین هر کدام اضافه از ده ضربه کارد برداشته اند

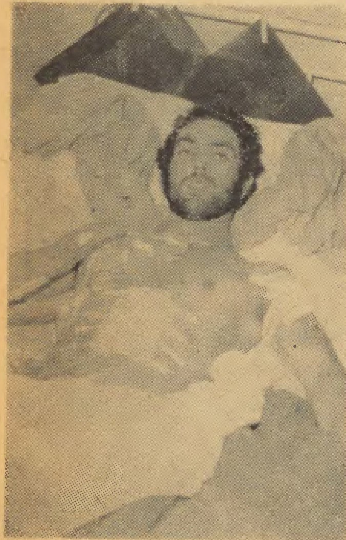
دریك زدو خورد که اوایل ساعت‌ده شب چهارشنبه گذشته بین چهار جــوان در سا حه پو هنتون رخدادسه تــن شد یدا زخمی و یکــی شان در محل وا قعه هلاك گر دید.ضربات وارده بین چارتن مذ کــور ناشی‌از کارد های بود که پو لیــس‌قوماندانی امنیه ولا یت کابل ازمحل واقعــه دستیا ب کرده است .زخــم‌دیدگان‌فعلا درابن سیناروغتون‌تحت تداوی ومعالجه قرار دارند .

شب بود ودرپرتو کمرنگ‌ماه‌نمیشد به‌آسانی همه چیز را تشخیص داد پولیس‌درساحه منطقه‌خویش مشغول گزمه‌بود دروظیفه که‌به‌او سپرده‌شده بودلحظه درنگ‌راگناه می دانست، اوامانتداربود امانتدار حفظجان ومال منطقه‌خویش در همین افکار خودقدم می زد ومتو جه شد سایه چار نفر در صد متری‌درحال مستی‌اند اوفکر کرد جوانانی اندکه در جهت انجام کدام تفریحی دارند باهم مشغو ل وسر گرم اند، اما بانهم او فا صله راکه‌بین‌او وجوانان بوددر چند گام بریده نزدیك وباز هم نزدیکتر شــد وناگهان شنید که‌ناله های خفیــف نیز به فضا ازاین جوانان بلند می گردد ناگزیر فریاد بر آورد که چه گپ است وانها چه می کنند درهمین فر صت پو لیس بهره که لحظــه قبل به‌همین منظور باگامهای فرا غ تری آمده‌بود متو جه شد دو تــن ازمیان شان دارند فرار می کنندو دو دیگر ش به‌زمین افتاده اســت بزودی خودش رابالای سر دو جوان که بالای سبزه افتاده بودند قــرار گر فت ودریافت که‌یکی ازبین رفته ودیگر ش باحال خرابتر در خــون خودغوطه وراست بی آنکه تو جــ به‌حال آیند وکند بایك حر کت‌خیلی سریع وتند دنبال آن‌دو فراری دوید بسیار دوید تاآنکه‌یکی ازآن دو را گرفتار کرده وبدستیار دیگر ش که درهمان نزدیکی‌پهر میکردسپردواز او خواهش کرد وهرچه زود تر اورابه ماموریت جمال مینه انتقال بد هــد وخودش باهمان سرعت اولی درمحل واقعه رفته نعش هلاك شده وزخمی رابدوش گر فته و مقابل ســر ك اسفلت بالای‌تکسی‌قرارداد به‌تنهایی انها راکه هردو برادر بودند ودریك واقعه به‌چنین حالی افتاده بودند به نادرشا روغتون انتقا ل داد وبرای باز گو کردن واقعه که‌خود شا هد آن‌بود به‌ماموریت رفته جریا ن‌را به ماموریت پو لیس خو یش درجما ل مینه اطلاع داد،

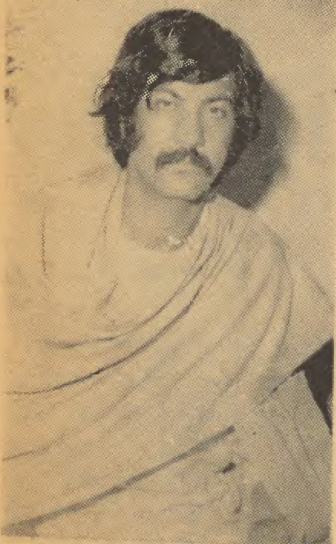
یك منبع قوماندانی امنیه ولا یت کابل ضمن اظهار مطا لب فوق با قی جریان رابه‌خبرنگارژوندون معلومات داده علاوه نمود که:

باوصف انکه درهمــان لحظــات اول مو ظفین پولیس جمال مینه به محل واقعه ونادر شاه روغتون‌رفتند یك هیئت جنایی از طرف قوماندانی امنیه ولایت‌کابل بدان سوب‌رهسپار گردیدند،

احمد ضیا بعد واقعه از یك جوی درحال بیهو شی پیدا شد



محمد معروف برادر مقتول که‌در حادثه جرح بیشتر بر دا شته است



شهاب الدین که بعد از تدا وی زندانی شده است

یك احساس رقیق و یك غرور بیجا حادثه دلخراش را بار آورد، حادثه ایکه منجر بقتل یك جوان و زخم برداشتن سه نفر دیگر شد

پولیس پهره که علی عمر پسر عبدالله بود بعداز آنکه راپور ش را به ماموریت داد ومو ظفین ماموریت جهت تحقیق بیشتر بدانصوب حرکت کردند خودش دوباره راه محل وظیفه اش رادرپیش گر فت وبخا طر آنکه ببیند از جوانانی که در آن جا باهم جنگ کرده اند کدام آله نیفتا ده باشد دوباره راه زمین های سبــز رادرپیش گر فت ودر همین فر صت راه پیمایی دفعتا متو جه میگردد که ازجوی چند متر دورتر صدای نفس زدن شخصی به گوش می خورد با عجله بالای جوی قرار گر فت ودید جوانی غرقه به خون دربین جوی افتاده است پرسید ش چه می کند ولــی از اوکدام جوابی نگر فت ودا نست از جمله همان دو نفر که متواری شده بودند یکی آن دستگیر ودیگر شــ جون ضربات کارد ویا چاقو با عث خونریزی بیشتر بدنس شده بوداو رادر آنجا ازپیش روی بازمانده است لذا اورا هم فورا به شانه خودانداخته به همکاری دونفر رهگذر به شفاخانه انتقال داد،

منبع قوماندانی امنیه علا وه می کند که:

برای آنکه زخمی ها هر چه زود تر تحت تداوی ومعاینه قرار گرفتــه باشند به ابن سینا روغتون انتقا ل داده شدند ویکی دوروز اول بــه استثنا یکی شان که ضربات کاردویا چاقو کمتر دربدنش بود، ازدونفــر دیگر شان امید بهبود تصور نمی رفت ولی توجه دکتوران ابن سینا۔ روغتون درتداوی آندو نیز موثــر واقع شده واز خطر مرگ نجات پیدا کردند ولی تمام اعضای بدن شا ن که هر کدام ازده الی ۱۲ ضربه کارد خورده اند بنداژ وتحت تــداوی و مراقبت شدید دوکتوران مو ظــف قرار دارند که از جمله فعلا شهاب الدین پسر محراب الدین باشنده۔ میرویس میدان از شفا خانه رخصت گردیده وتحت نظارت وتحقیق قرار دارد واحمد ضیاء پسر محمد رحیم مامور پوهنځی طب کابل که چندین کارد درعقب بدن وبازوی های خود برداشته است فعلا تحت بستر قرار دارد ومحمد معروف پسر غلام قادر محصل صنف دوم پوهنځی ساینس نیز که ضربات کارد وچا قو حصص پیشروی بدن اوراچون غربال سوراخ کرده است در بستر قرار دارد،

وازجمله چار نفری که در جنگ باهم شر کت داشتند تنها محمد۔ حضرت پسرغلام قادر مامورانحصارات دولتی برادر محمد معروف مجرو ح در محل واقعه هلاك گردید که او نسبت بدیگر متهمین ضربــا ت چاقو وکارد تمام اعضای بدنش را سوراخ سوراخ کرده بود که جسدش بعداز معاینات طب عدلی به اقاربش سپرده شد،

منبع متذکر شد که:

در تحقیقات ابتدایی که از شهاب۔ الدی، به عمل آمد او متعر ف شد که روی کشید گی که بین او واحمدضیا ازیك طرف ومحمد معروف ومحمد۔ حضرت (مقتول) ازجانب مقابل از۔ مدتی به میان آمده بوددر همان شب **بعداز آنکه تااوایل ساعت ۹ شــب** دریکی ازکافه های میر ویس میدان چای نو شیدند دوباره بطرف ساحه پوهنتون رهسپار ودر محل وا قعه با دو نفر مقابل شان مواجه میگردندو زدوخوردبین شان در میگرد اودر۔ اعترافات خود که بعدا درج وثیقــه شرعی نیز گریده است اظهارنموده که اوبا محمد معروف کلاویز شده و احمد ضیا بامحمد حضرت (مقتول) در آویخته است،

منبع درباره علت این زدو خورد معلومات داده گفت:

شهاب الدین علت منازعه وکشیدگی راشرح می دهد پو لیس گمان نمــی برد که این منازعه وزدو خورد روی یك مو ضوع جزیی وبخا طر هیــچ بود باشد ازاین رو حتما در پهلوی خود کدام انگیزه مهمی دارد که هر چار نفر شان با کارد وچاقو دریــك وقت معین زدوخورد می کنند روی این لحاظ تابه وقتیکه دو نفر دیگــر شاملین واقعه بهبود حاصل نکنندو وتحت تحقق قرار نگیرند علــــت و انگیزه این قتل وزد وخورد افشانه خواهد شد ،زیرا شا ملیــن جنگ هر کدام از وجوددیگر خودغر با ل ساخته اند چون شا ملین حادثــه جوانان تنو مند بودند ودربرابرخو۔ نریزی که از آنها درساحه واقعــه دیده شده است مقاومت جسمــــی داشته اند در غیر آن مکان بهبــود هیچ کدام شان نمی رفت.

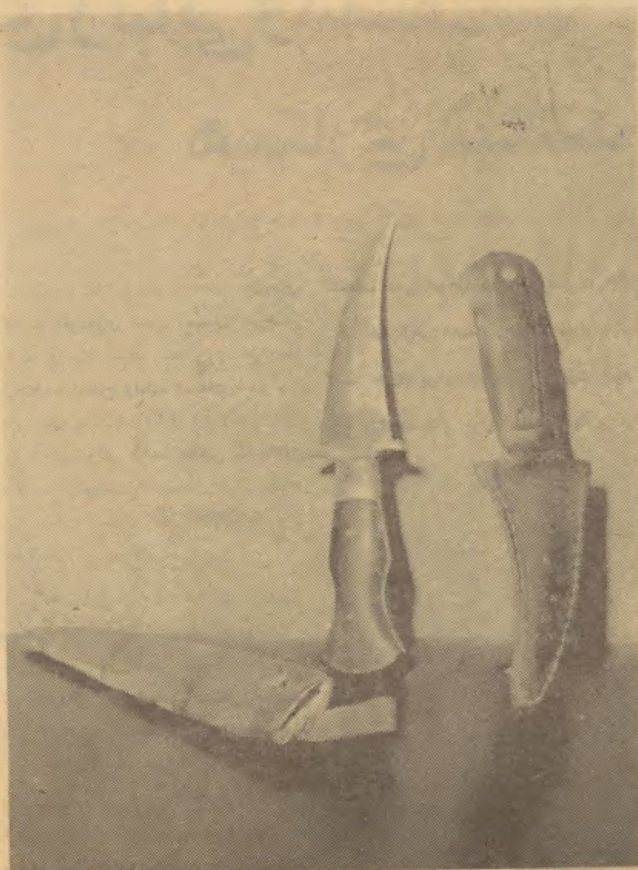
خبر نگار ژوندون از وضع مجرو۔ حین درابن سینا رو غتون می نگارد که: محمد معروف محصل پو هنځی ساینس که دراتاق ۱۳۵ بستر بود تماحصص پیشروی بدنش در بنداژ بودواکسیجن وسیروم توسط موظفین ابن سینا روغتون به او داده می شد خودش سخن گفته نمی توانست ولی چشمانش میدید واشیاو اجسام رامی توانست تشخیص بدهد.

هم چنان احمد ضیا که ضر با ت کارد وچاقو شش های اورا زخمــی سا خته است ازنگاه تنفس بــــه مشکل می توانست سخن بگو ید ولی دکتور مو ظف وضع اورا نسبت بدو روز گذشته اطمینان بخشــــ خواند،

منبع قو ماندانی امینه درپایــان علاوه نمود که هر گاه پو لیس پهره درهمان وقت سر نرسیده بود امید زندگی سه نفردیگرش ناممکن بوده میشد .

رسیدن پو لیس وانتقال آنها به روغتون باعث نجات شان گردیــده

از محل واقعه یك قبضه کاردو چند پوش کاردبدست پولیس قرار گر فته است،



آلات جارحه که در محل حادثــه بدست پولیس افتاد



مندوی خربوزه درشهر کندز

مردم کندز برای زیبایی وتنظیف شهر همکاری میکنند

ـ ازښاروال کندزښاغلی فیض محمدمیپرسم ازچه وقت به‌اینطرف وظیفه‌ښاروالی رادرکندز بعهده دارید وچه اصلاحاتی رادرمورد ښاروالی بوجود آورده اید ؟

اخیرابرای فراهم آوری تسهیلات‌مزید برای‌مردم اصلا حات آتی بعمل‌آمده: وتعدیل اوزان سابقه به اوزان متریك که تخمین درحدود هشتاد فیصد در شهر رایج شد ه . عنقر یب اصلات دیگری نیز به میان خواهد آمد . پیا د ه روهای شهرکه همه خامه‌کاری بود ودرزمستان وتابستان باعث تکلیف عابرین وانتشارامراض ساری میشدبه مصرف وهمکاری مردم شهر تخمین نودفیصد کانکریت وپخته کاری شده است .

ـ دراصلا حات امور اداری ښاروالی‌هم کوتاهی بعمل نیامده، چنانچه به‌منظور سرعت درانجام‌کار ورفاه عامه‌به شعبات ذیعلاقه توجیه ومراقبت درتحصیل باقیات ښاروالی به‌عمل آورده شده‌است .

ـ جویچه ها وپیاده رو های جاده‌های شهرکه به اثرسپری شدن زمستان مدوجذر پیداکرده وضمنا کثیف شده بود ،هم‌توسط عملیه تنظیف اصلاح وآماده استفاده شده .

ـ تمام دکانها، منازل واپارتمان های شهربه توجه‌ښاروالی توسط مالکین سفیدکاری شده است وهمچنان کتاره های‌اطراف‌جاده‌ها وصحنه بهاری سفید کاری ورنگ آمیزی گردیده است .

ـ به‌همکاری ولایت، مراقبت جدی‌تر درقسمت نرخ وامتعه اشیابعمل آمده است .

ـ بررسی امور صحی مربوط تنظیفات بااینکه ښاروالی فاقد اعضای مسلکی صحی میباشد، به همکاری صحت عامه، درتمام حوزه های شهرفعال ترشده است .

محترم ښاروالی کندز لطفا بگوییدکه‌باچه وسایل به تنظیف شهروکوچه‌ها مشغول‌بوده وچه‌تعداد عمله‌وفعله دراختیار داریدوسیستم کارشان درامور محوله چطوراست؟

درامورمحوله چطور است ؟

ـ تشکیل عمله تنظیفات ٦٢ نفراست، اما تنظیفات شهرباموجودیت ٤٥نفرصورت میگیرد. ښاغلی فیض محمد درجواب سوال دیگری گفت: مدارك عواید ښاروالی بصورت عموم دو نوع میباشد، یکی عواید عادی ودیگری عواید غیرعادی . عواید عادی محصول صفایی، کرایه اماکن، اجاره هاوغیره میاشد وغیرعادی آن عبارت ازجرایم متخلفین که عواید غیرثابت نیزگفته میشود، میباشد. در سال ١٣٥٤ این عواید تخمین هشت ونیم ملیون افغانی‌پیشبینی شده است.

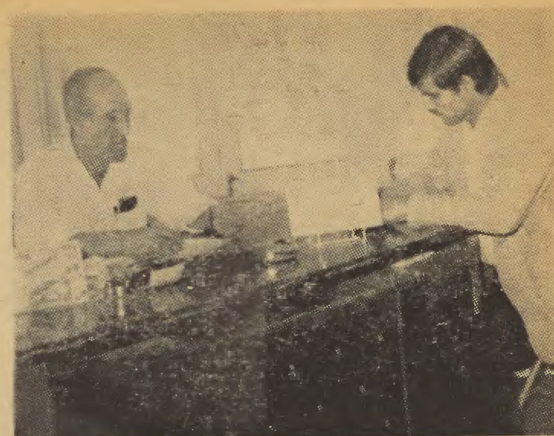
ـ می پرسم تمام ساحه ښاروالی کندز به چندناحیه تقسیم شده وتشکیل اداری آن ازچه قرار ست ؟

ـ شهرکندز دارای چار ناحیه میباشد منازل رهایش شهر کندزقرار احصائیه ١٣٥١ مجموعا ٣٠٥٠ دربند حویلی میباشد . تشکیلات آن به حالت اولی است . باید متذکر شدکه مردم کندزبرای پاك نگهداشتن شهر و کنترول نرخ مواد باما همکاری می‌کنند.

ـ سوال دیگرراابنطور طرح میکنم، درکندز معمولادرهفته‌دوروز، روزبازاربوده وهرپنجشنبه ودوشنبه هامردم ازدور ونزدیك شهر کندز، اشیاواموال رابرای فروش می آورند. درین روزهاکه ازامام مردم شهروقریه هابرای خرید وفروش زیادمیباشد، آیاکنترول نرخها که فوق العادگی داود برای شما مشکلاتی در بر ندارد ویابرای فروشندگان غیر مقیم روی‌بازار هم قیدوقیودی، کنترول ومراقبتی درنظر گرفته شده یاخیر، درینباره اگرتوضیح بدهید ؟



نمای ،ز جوك کندز





درروز های بازار ازدحام مراجعین زیادبوده طبعا تقاضا وعرضه زیاد میباشد . البته درین روز هامراقبت‌جدی‌تر را ایجاب‌میکند.صاحبان پیشه غیرمقیم شامل این مراقبت هابوده وجدی مراقبت نرخهای شهرهستیم.

– چون درشهرکندز گادی هاسیر و گردش دارد، آیابرای کرایه گادی هالایحهٔ هم‌ترتیب داده شده است یاخیر؟

– ترتیب لایحه کرایه عراده هامربوط بـــه آمریت ترافیك است .

بدون باغ کلوپ ښاروالی‌که آنهم‌وضعش چندان‌قابل رضایت نیست وباغ قهوه‌خانه که اثری ازآب وجایی برای تفریح به چشم نمیخورد، آیاکدام تفرجگاه دیگری هم موجود است یاچطور ؟

– باغ کلوپ که اصلا بنام پارك کلتـــو ر مشهور است طرف استفاده عامه قراردادوهم درجناح شرقی آن تعمیروگل خانه مکمل نیـز موجود است‌که باوجود نیازمندییکه ښاروالی به آن دارد، مدیریت اطلاعات وکلتورکندز از دیریست‌که بدون کرایه ازهردوتعمیر استفاده مینماید ودرتعمیرگل خانه، کتابخانه ام‌عیسی عسقلانی قراردادکه بادرنظرداشت اهمیت و مفیدیت کتابخانه درین منطقه باید متذکرشد که اولاتعمیر گلخانه نسبت اینکه درتابستا ن گرم ودرزمستان سردمیباشد، برای کتابخانـه مساعد نبوده وازطرف دیگر اشغال آن ازطرف کتابخانه سبب گردیده تاگل دانهای پارك از تربیه اساسی بازماند که‌گل دانها به‌هرطرف پراگنده شده ودرزمستان شاید کاملا اثـــری ازگل وگلدان نماند . بهتر است تاکتابخـانه تعمیرگلخانه مارا واپس برای ماواگذارد تـــا بتوانیم گل هارا بصورت اساسی تربیه نماییم وتفریح کنندگان ازدیدن آن حظ ببرند.

– چه پلان های برای بهبود شهرروی دست گرفته اید ؟

– انجنیران ومهندسین درین اواخربه کـار مطالعات شهرکندز شروع نموده اندکه بعداز مراحل قانونی روی دست گرفته خواهد شد که قرار ذیل است :

آب آشامیدنی که مسئله حیاتی مردم است کافی نبوده، درنظراست ، چاه دوم عمیق کـه به نسبت نبودن واترپمپ بدون فعالیت مانده، به فعالیت خود آغاز کند .

که امیدواریم بابکار انداختن این چاه عمیق شکایت مردم ازنگاه نداشتن آب‌کافی مرفـوع گردد .

تهیه جای رهایش ومنازل به کسانیکه‌خانه وسرپناه ندارند .

۳– قیرریزی وپخته‌کاری جاده ها وحـوزه های شهر .

٤– ساختمان تعمیر سینمای عصری، بعد از وصول ومنظوری بودجه انکشافی تحت تطبیـق قرار خواهد گرفت .

– درتادیه باقیات محصول صفایی وغیـره همکاری اهالی باښاروالی چطور است وتاحال درحدود چه مبلغی ښاروالی باشهریان باقـی مانده است ؟

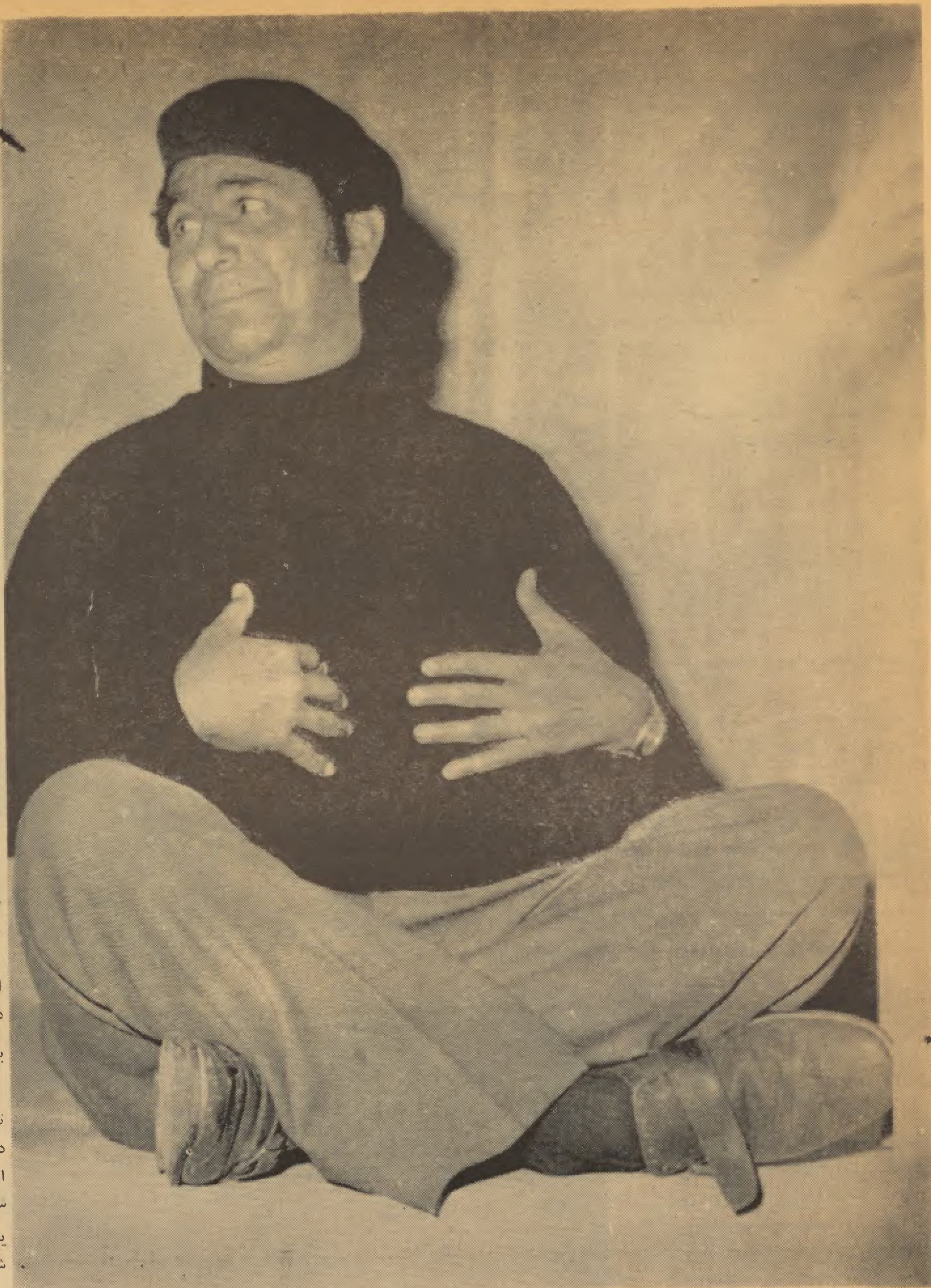
– ازسالهای بسیارقبل تا حال در حـــدود دونیم ملیون پول ښاروالی بالای مردم مانده که ازین جمله تخمین مبلغ شش صد هـزار افغانی توسط قوماندانی امنیه ولایت وښاروالی درطول چارماه تحصیل شده ویك ملیون چنـد صد هزار افغانی ذمت ښاروالی بالای اهالـی باقیمانده . که این خودنشان میدهد که‌حصول باقیات به سهولت میسر نیست ، برعـــلاوه بملاحظه دفترها ښاروالی پول هنگفتی بـالای سپین زرشرکت‌ازدرك محصول صفایی عمرانات شان ومالیات یك فیصدی وغیره دارد امیـد است به‌توجه ریاست سپین زرکه تقاضـــای مکرر ښاروالی جاری است تصفیه گردد .

– ازښاروال کندز سوال میکنم‌که : یکی‌از صادرات مهم فعلی کندزخربوزه بوده‌که هـم به‌کابل وهم به خارج صادر میشود، آیاشما درتعیین نرخ وفروش عمده آن مداخله دارید یابطور آزاد معامله آن صورت میگیرد ؟

– میگوید: نرخ خربوزه‌که دربازار وحوزه های شهری تعین شده نزدښاروالی رسمیـت دارد اگر صادر کننده ازنواحی مربوط ولایـت کندز خارج ازحوزه های شهری به موافقـه همدیگر خریداری میکند، درخریدو فروش آن ښاروالی مداخله ندارد وهم فروش عمده بـــه تعداد بیشترصـ ورت میگیرد .



مردم کندز درکار های عام المنفعه سهم بارزی دارند.



از، یونس پشتاز

مشعل هنریار

ممثل بااستعدادوخوش آواز

داستانهای رادیو

مشعل هنر یار هنرمند با استعداد وبا ذوق کشور که سرو صدا ی هنر تمثیلش وتاثیر آواز پرشورو مردانه اش از طریق امواج رادیو افغانستان روز بروز در میان ذو قمندان وهوا- خوا هان جایی برای خودباز میکند امسال بیست و هفتمین سال فعا- لیتهای هنریش را پشت سرمیگذ- ارد.

مشعل هنریار ستاره در خشا ن وتا بناك تیاتر و ممثل با استعداد خوش آواز داستانهای رادیویی رادیو افغا نستان که از آواز پرشورش با آهنگ آشنایی بگوشها طنین مـی افگند مردیست خوش صحبت وبذله گودر صورت بشاش او همیشه اثر از یك سرور باطنی احساس میشود خیلی به هنر وتیاتر علاقه داشته و استعداد خوب هنری را می ستا ید.

اوکسی است که از آغاز نمایشات هنریش که درست بیست وهفت سال قبل از امروز نخستین نمایشنامه اش بنام شب هو لناك در پوهنی تیاتر بنمایش گذاشته شده بود تا نمایشنا مه خنده بها رش که دربهار امسال روی ستیژ کابل ننـدا ر بعلا قمندا ن هنر و تیاتر تقد یم شد خیلی خوب درخشیده وبر تعداد علاقمندا نش افزوده شده است.

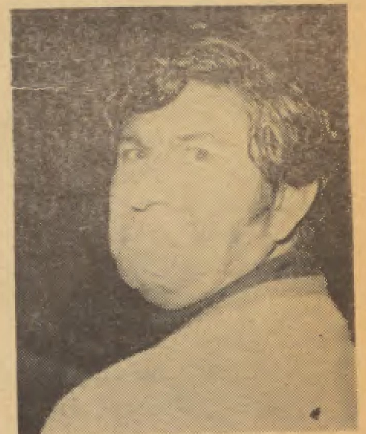
مشعل هما نطور یکه صمیما نـه صحبت میکند واز چهره بشا ش او خوشحالی باطنی او ظا هر میشود گا هی حزن واندوه او باآهـــی از دلش بیرون می جهد وچشمای درشت وسیا هش را صا مـت و بی حرکت میسازد .

درست مثل اینکه بخود و به سر نوشت خود می اندیشد وبروز گا ر دقیق با حسابگری می نگرد اویادی از فعالیتهای هنری بیست و هفـت ساله اش واز زندگی ناچیز امروزش یادی از بیدار خوابی های تیا تر - ش که چون مادری بخاطر طفلش بخوداو روادارد ویادی از رنج ها و زحمت های طاقت فرسای این دوره طولانی تا کنون همسفر زند گیش بوده لحظاتی خا موش میما ند .

مشعل دوستانه صحبت میکند اثری از غرور در سیمایش پیدا نمی شود خاطره ها یش را دنبال کرده وآنها رایکی پی دیگر در ددل میکند وازیاد آوری آنها گا هی میخند دوگا هی آرام میگیرد وتاسف میـکند اما بـا اینهمه مشعل هنر یار هنر مند بـا



مشعل هنر یار و محبو بـهرسول در نمایشنا مه تا بستان ودود .



مشعل هنر یار

ذوق مردم هنردوست نمی توا ند از علاقمندا ن هنرش دل بکند او معتقد است که هنر مند بیا نگـــر آرزوهای امیال ، یاس ها ودردهای مرد مش بوده وچون آیینه بصورت آنها می نماید وعـیوب و نوا قـص آنا نرا برایشان می نما یا ند واز خوبی ها واعمال نیکوی شان‌فضای خلق‌میکند اواز خدمتی که درین راه بمردمش میکند خیلی خوشحال‌است

مشعل میگوید دیگر محال است از مردم هنر دوست خود دل بکنم زیرا حالامن مال مردم شد م وی معتقـد است هنر مند یکه یکبار متعلـــق بمردم‌شـــــد و مرد م از او حسن ا ستقبال کر د نـــد و بـــا اوخو گرفتند دیگر مشکل است ا ز مردم جدایی اختیارنماید بدلیل‌اینکه اگر خودش بخوا هد مردم نمـی خوا هند او هنرش را از دست‌بدهد.

مشعل از محبتها وتـشو یقها ی هموطنان عزیز که تنها رهنماومشوق وی در راه ادامه این‌کار بوده خیلی سپا سگذار میبا شد .

مشعل میگوید با وجود اینهمـه محبتها وتشویقهای هنر دوستا ن کشور نتوا نستیم درین راه در ا ز بیش ازیك قدم کـوتاه بـر دارم و خدمت من اگر بتوان بان نام خد مت گذاشت بسی ناچیز وکوچك بود ه است .

وقتی از مشعل پرسیدم از شنید آواز ت ازورای امـوا ج را دیـــو آفغانستا ن ویا از دیدن تصاویر ت در روزنا مه ها ومجلات که در آنها از شما بخوبی یاد میکنند ویا ا ز نصب پو ستر های خورد وبزر گت در دیوار تیا تر ها بشما چه‌احساس دست مید هد .

بیدرنگ جواب داد .

هیچ کا مـلا بی تفـاوت ا ست دیدن این چیزها و شنید ن آواز م از رادیو کدام احساس خا صی بمن خلق نمیکند فقط وقتی احسا س در من بیدار شود .

که از انجام وظیفه ام موفق بدرشده ومردم قضاوت خوبی بانجام‌وظیفـه ام نمایند .

شما راز مو قعیت یك هنر مند را مید انید ؟

رازموفقیت یك هنرمند بسته بمردم واجتماع اوست در تیاتر سینما و رادیو مو قعیت نصیب کسی است و کسی میتوا ند که راه نفوذ شخصیت خود را دردلهای عـده زیادی بـا ز کند که از قوانین‌درست‌ا جتما عـی استفاده کرده وبا اعمال ،افکار ، احسا سات ذوق‌وروحیه‌مرد م‌همنوا باشد هنرمند وقتی میتوا ند موفـق باشد واز کام خودرا شیر ین کنـد که انجام وظیفه او به‌تعداد زیا د مردم موثر وا قع شود .

شما سخنی ازسینما بمیان آورد ید ومرا بیاد دو فلمی که شـما نقشی در آنها عهده دار بوید اندا خـت میتوا نم بپرسم که از آندو کدامش را خوبتر می پسندی ؟

من شخصا نقشی را که درفلم روز گاران آیفا کردیم خوبتر وبهتر میدانم .

اگرچه فلم رابعه بلخی یك فلـم تاریخی بود ونسبت بفلم روز گاران سوژ ه‌عمیق داشت ولی متاسفا نه نقشی را که‌من درآن بازی کـر د م کاملا ناکام است .

قسمیکه همه میدا نند شما کا ر رسمی یی در دافغا نستان با نگ هم‌دارید اگر بازارسینمادرافغانستان رونق پیدا کند و ساحه فعالیتها هنری توسعه یا بد آیا باز هم این کار را دردافغانستان بانك خوا هی داشت مشعل قـهقه خندیده گفت .

آرزو ندارم کار رسمی ام را از دست بدهم اما دیگر نمی توانم بـا سینما همکاری نمایم.

شاید فلم را بعه بلخی اخر یـن فعالیتهای هنری ام درجهان سینما باشد اگر چه امروز درسرا ســر جهان مخصوصا در ممالکی روپـا نکشاف سینما ارزش وبهای وصف ناپذیر دارد وسیله خو بی برا ی تنویر افکار افراد هرجامعه محسوب میشود ولی متا سفانه با وجود این ارزش و اهمیت آن دیگر نمی توانم باسینما کاری داشته باشم .

وقتی دلیلش را از مشعل جویا شدم پاسخ داد .

هیچ فقط نمی خوا هم دیگر بـا سینما همکا ری نمایم البته عـد م همکاری من باسینما عدم همکاری‌با تیاتر نیست من تیاتر را خیلی دوست دارم درست بیست هفت سال پیش از امروز زندگی من با تیاتر شروع شده وخوشبختانه من با تیا تر و تیا تر بامن مدت رفیق خوب بود ه ویکی دریی آزار دیگر نیستم و لـی متاسفا نه با اندا وختن تجربه‌های تلخ ازجهان سینما نمی توانم بـا سینما توافق نمایم.

ازآخرین فلمی تا ن رابعـه بلخـی

لطفا ورق بزنید



عبدالله هنر یار پسر مشعل‌آرزودارد مانندپدرش در راه تیاترخدمتی را انجام بد هد .

جوان انجام گرفته کمك شايا نی بتوسعه تياتر نموده است .

واميد است همچنا نکه بنظر ميرسد اين کار روز بروز توسعه پيداکند و زمانی برسد که سا حه تيا تر در کشور ما انقدر وسيع شود تا همه بتوانند ازنعمت پربها ی آن که يگانه راه برای تنوير سا ختن افکار بر ادران بی سواد ما ووسيله خوبی برای چيدن رسم ورواج بيهوده در وطن ماست برخور دار گردند .

امیداست با کوشش وفعاليتها ی خستگی نا پذير جوانان هنر مند مخصو صا تحصيل کرده که در راه انتشار هنرو تياتر وبسط اين را ه بامنتهای صميمت وفدا کاری مشغو ل خدمت هستند باز روز گاری بر سد که هنر وتياتر ارزش وا قعی خودرا درين محيط بد ست آورد .

درقسمت با زار يابی تيا تر در کشور ما بايد گفت که يگا نه راهی گرم شدن بازار تياتر در ين کشور هما نا تخفيف در قيمت تکتها وآماده سا ختن وسايل حمل ونقل برای تماشا چيان است چه اکثريت هموطنا ن باوجود علا قه وعشق فراوان به تياتر متا سفا نه نمی توا نند نسبت ضعف اقتصا د ازين نعمت برخور دار شوند زيرا يکطرف اکثريت بمسا فه ها ی بعيد زندگانی ميکنند واز جا نب د يگر قادر نيستند تکت يك نما يشنا مه را در حاليکه هيچ پيدا گر نيستند به آن قيمت گزاف خريداری نمايند وبدين ترتيب عطش که نسبت با ين راه دارند خود را سير سازند .

بايد موسسات هنری در جر يان نما يشات هنر ی شان امتيا زا ت

بقيه در صفحه ٤٠

مشعل می خواست از فلم روزگاران تجربه بياموزد که چه سان ميتوان فلم گرفت ، که نا گهان عکاس وی را ناچاپ گير کرده و تجربه ديگری باو آ مو خت .

چه مبلغی بدست آورد يد .

از علاقه تان به تياتر چنين نتيجه بر ميايد که واقعا خيلی به تياتر عشق داريد .

طبعا خد ماتی را که درين را ه انجام داده ايد تو صيفش و صف ناپذير است ميتوا نيد بگو يد که امروز تياتر در افغانستان نسبت بگذشته چه فرقی کرده و کدا م راه برای بازار يابی اين ساحه هنردروطن ما موثر می افتد . ؟

در گذشته تيا تر با وجود ا ينکه نما يشنا مه های زيادی بذوقمندان تياتر تقديم ميکرد ولی سا حه بسيار محدود داشت اما امروز با تا سيس رياست افغان ننداری در چو کات وزارت اطلاعات وکلتوراين محدويت رفع شده عرصه وسيعی برای فعا ليتهای هنری بدو ستداران هنرو ادبيات وتياتر هموار گرديده است.

با تاسيس اين موسسه هنر ی وبه تاسی از پروگرام های هنر ی دولت جمهوری نميتوان انکار کردکه وضع تياتر چند سال اخر درکشور ما پيشرفت فوق العاده يی کرده و وتقديم نمايشنا مه ها ی مفيد ومثمر از طرف هنر مندا ن وهنر دوستان



مشعل هنر يار در صحنه از فيلم رابعه بلخی

انکشاف امور زراعتی



سیاه موی زن افسانوی که باداستان‌های شور انگیز خود درسراسر کشور مشهور ومعروف است.

وجه‌احسن موادلازم ضروری ارتزاقی راازمرکز بادغیس باالخصوص ازولسوالی جوند بــــه جغچران وسایر نقاط ولایت غور انتقال داد .
سرك جدید (چغچران - بادغیس) که به فاصله بنجاه متر جدیدا احداث ومتباقی تــرمیم و اصلاح وآماده ترددترافیك شده به ابتکارولایت وهمکاری رضاکارانه مردم بدون صرف کـدام تخصیص پولی امور ساختمانی‌آن به پایه‌اکمال رسیده است وامید زیاد است‌که احداث سرك مذکور درتقویه بنیه اقتصادی وبهتر شــد ن وضع زندگی مردمان غور وبادغیس مثمر ومفید ثابت شود .

والی غوربعدا درقسمت سرك جدید چغچران فاریاب) ضمن شرح یك سلسله مطالب چنین گفت: که به سلسله فعالیت های مواصلاتی عربی کشور ارتباط پیدا کندبه احداث سرك مذکورمبادرت ورزیده شده است .

- احداث سرك (چغچران - فاریاب) که از طریق مناطق چهار سده - غلمین ، نگاب ماغ وغیره جاها ساخته شده است نه تنهامشکلات رفت وآمد بین دوولایت راازبین برده اســت بلکه رول بارزی دربلند بردن سطح حیا ت مناطق مذکور خواهد داشت، همچنا ن جهــت اتصال سرك جدیدالاحداث مذکور ازحد بخشی ولایتین تامیمنه مرکز فاریاب قبلا با ولایــت فاریاب تماس گرفته شده که خوشبختانه قبل ازفرارسیدن ایام سرما امور ساختمانی سرك موصوف ازطرف فواید عامه فاریاب بهمکاری مردم مناطق مربوط باوصف شرایط دشــوار طبیعت اختتام یافته وآماده استفاده ترافیـــك میباشد .

باید گفت‌که شهر میمنه در (۲٦۲) کیلـو متری شمال چغچران واقع بوده وسرك جدیدی که چغچران رابه میمنه‌ارتباط میدهد به‌همکاری مشترك مردم ومقام ولایت غور بدون کــدام تخصیص پولی احداث وساخته شده است

بناغلی (حکیم) والی ولایت غور در جــواب سوالی درقسمت سرك جدید الاحداث ایکــه علاقداری سر سبز وشاداب (ساغر) ولایــت غورارابه ولایت هرات ارتباط میدهد وبه کمك مشترك مردم وولایت غور ساخته شده است گفت: که باا‌کمال ساختمان سرك متذکره بطول (۷٤) کیلومتر وعرض (٥) متر نه تنها (٤١) کیلومتت فاصله بین هرات وعلاقه داری ساغر نسبت به راه اسبق کوتاه شده است بلکــه نقش بارزی درانکشاف توریزم وتقویه اقتصاد دهاقین وباغداران دره های مربوط خواهدداشت علاقه داری ساغر در (۱۹۰) کیلو متری‌جنوب جغچران ودر (۱۱۱) کیلومتری جنوب شر ق شیندند ولایت فراه واقع بوده درتابستان‌دارای آب وهوای نهایت گــــوارا بوده میوجات و محصولات حیوانی آن قابل هرگونه یادآوری میباشد .

والی غوربه سخنان خو یش ادامــــه داده افزوده که همچنان به‌مساعدت رضاکارانه مردم وولایت سرکی بطول (٥٠) کیلومتر جدیدا از ولسوالی تولك تامعدن ذغال سنگ در قریــه (مرغزار) به صورت اساسی احداث شــــده است .

معدن زغال سنگ قریه مرغزار که درپنجاه کیلومتری مرکز ولسوالی تولك واقع اســـت اخیراکشف ومتعاقبا سروی‌آن ازطرف‌انجنیران مربوط وزارت معادن وصنایع آغاز گــــردیده مگر نتائج کارآن تاحال معلوم نشده است ، به‌همین ترتیب باید گفت‌که اخیرا سرك‌دیگری بطول پانزده کیلومتر جدیدا در ولسوالـــی تیوره احداث شده است، بااحداث ســـر ك متذکره نه تنهافاصله بین (تنگی چهار دره) ولسوالی تیوره‌کوتاه شده بلکه‌مشکلات‌ترافیکی که درراه سابقه موجودبود بکلی ازبین رفته است .

بناغلی (حکیم) درقسمت اموعمرانی ولایت غورگفت : که امور عمرانی‌آن ولایت بدوقسمت تقسیم میشود، قسمت اول، آن عده عمراناتی میباشندکه مصارف ساختمانی آن از بودجـــه دولت ازطریق وزارت خانه های مربوط تمویل میشود. درمورد قسمت دوم عمرانات آن خاطر نشان میگردد که عمرانات مذکور بدون کـدام تخصیص معین پولی امور ساختمانی آن اکمال وقسما امور ساختمانی آن جریان دارد چنانچه امور ساختمانی مهمان خانه دولتی (فــــارم جمهوریت) - (هوتل پوزالیچ) وساختـــمان (هوتل منارجام) تکمیل واز (مهمان خانه‌کمنج) تعمیر علاقه داری ساغر بافارم ملحقه آنجریان دارددودرآینده نزدیك قبل ازموسم سرما امور ساختمان زیادترآن به پایه اکمل خواهــــد رسید .

والی غور درجواب سوالی درقسمت هوتــل (منارجام) گفت: که (هوتل جدید منارجام) در منطقه تاریخی منارجام که در (۱۱۰)کیلومتری غرب چغچران واقع است بدون صرف کــــدام تخصیص معین پولی امور ساختمانی آن اخیرا به پایه اکمال رسیده وآماده پذیرایی مهمانان داخلی وخارجی میباشد .

هوتل جدید منارجام که درساحه سه جریب زمین درکنار دریای نقره‌گون هریرود در دره زیبای جام ساخته شده است دارای ۹- اتاق خواب، سلون، تشناب، آشپزخانه وگاراج‌بوده ودرتمام قسمت های آن لین های برق بطــور اساسی تمدید گردیده واز جانبی جهت تهیه وتدارك موبل وفرنیچر وتهیه متباقی لــــوازم ووسایل که مستلزم یك هوتل آبرومنداست هم ازطریق منظوری یك مشت پولی از مراجع مربوط اقدام شده است . باید گفت‌که بااعمار هوتل مذکور بهترین مدرك عایداتی ښاروالی چغچران ایجاد شده ودرآینده نزدیك بنیه‌مالی ښاروالی غورکه روبه انحطاط بودتقویه شده ودرظرف یکسال مصارف ساختمانی هو تـــل مزبورکه بدون تخصیص معین ساخته‌شده‌است جبران خواهد شد .

بااعمار هوتل منارجام ازیك طـــرف ارزش واهمیت آثارتاریخی دره (جام) اضافه گردیده وازجانب دیگرمشکلاتی که ازناحیه عدم‌رهایش موجود بود بکلی ازبین رفته وباعث سرازیر شدن جهانگردان زیاد به‌آن منطقه شده‌است. چه درسابق‌کسانیکه میخواستند ازآثارباستانی دره زیباجام دیدن نمایند مجبور بودند شب‌را درقشلاقی که درسه کیلو متری منطقه واقع بودسپری نمایند وازین رهگذربه مشکــلا ت زیدی مواجه میشدند .

همچنان باید خاطرنشان ساخت که دریـــن اواخر پلی بطول بیست متر، عرض ٥٠ر٢متر وبه ارتفاع چهارونیم مترازسطح‌آب بروی‌دریای هریرود درناحیه منارجام جهت عبور و مــرور عرادجات ، ترددااهالی قراء وسایر مردمی که بدیدن منارجام می آیند بدون صرف پول‌دولت به‌کمك متقابله ورضاکارانه اهالی اعمار شده است .

والی غور درباره مدارك مصارف ساختمانی هوتل جام درپاسخ سوالی گفت : که هوتل مذکور قسما ازطریق صرفه جویی تخصیصات بشعبات ولایت وقسما ازطریق قوه بشری و تخنیکی مدیریت های فواید عامه وانکشا ف دهات ولایت غور ساخته شده است .

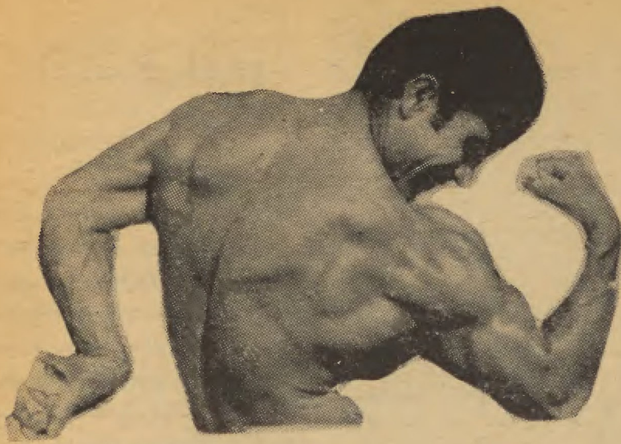
وی بعدا درباره مهمان خانه کمنج‌که تحت ساختمان میباشد درجواب یك سوال گفت : که عمارت مهمان خانه مذکور چهل فیصد امور ساختمانی آن به‌کمك قوه تخنیکی فواید عامه وحفظ ومراقبت وهمکاری مردم پیش وکارباقی آن جریان دارد .

منطقه کمنج‌که در ۳٦) کیلومتر جنوب(غرب منطقه تاریخی وزیبای منارجام واقع است‌یکی ازمناطق سرسبز، شاداب وپرنفوس ولایت‌غور محسوب شده مملو ازدرختان انبوه واقسام میوه جات که نظیرآن درسایر نقاط مملکـــت عزیزماکمتر سراغ میشود مستور میباشدانواع سیب، زردآلو، بهی، ناك، انگور وغیره درآن جابفرت وجود دارد .

باید گفت‌که سیب منطقه کمنج ازنگاه‌بزرگی وکیفیت درتمام افغانستان ممتازمیباشد،چنانچه بزرگی برخی ازآن هادربعضی سال هاتا یکنیم چارك هم میرسد. ناتمام

راپور از: ع - بلیکا

دهسال برتارك پیروزی



درکشور ماوقتی اززیبایی اندام صحبت میشود درذهن بسیاری ازورزشدوستان اندام ورزیده جوانی مجسم میگردد، که ازده سال بدینطرف هرگاهی نام ازمسابقه قهرمانی زیبایی اندام گرفته شده اواندام زیبای خود رادرمعرض حکمیت قرار داده ودلیوانه از موقف خویش دفاع کرده ودر فرجامین‌مسابقه درین مقام باقی مانده، این‌جوان‌راهمه‌میشناسند زیرا ازدیر زمانی درموردش چیز های گفته وشنیده شده ازینرو ماتنها نامی ازومیبریم ومیپردازیم به‌صحبت ببینیم چه چیز های گفتنی داردوازین ورزش‌که زیبایی اندام میگویندش چه سخن هاوازآن چه هامیخواهد؟

شمس الله‌که واقعا صاحب اندام خیلی ها زیباست خوش صحبت هم است. گاهگاهی برلبانش تبسم نقش می‌بندد .

حالااین شماواینهم سخنان ونظریات یك قهرمان درمورد ورزش:

ـ بناغلی شمس الله رحیم لطفا از خودو ازورزش مورد علاقهٔ خودچیزی بگوئید ؟

ـ اسمم‌راکه شماوبسیاری‌ازورزشدوستان میدانید درریاست المپیك در کدر اعضای مسلکی ایفای وظیفه میکنم ۲۹ سال دارم، پنج سال قبل ازدواج کرده ام که ثمره آن دوطفل است ازسال ۱۳٤۱ بدینطرف ورزش زیبایی اندام موردعلاقه من است واز سال ۱۳٤۳ بدینطرف قهرمانی رادرین رشته در اختیار دارم گرچه ازآن مدت یازده سال میگذرد ولی تاحال‌کدام شخص موفق نگردیده این مقام رااز‌من بگیرد زیرامن سعی آخرین خودرابخرچ داده وهیچگاهی ازتمرین دست نکشیده ام ولی درچندسال اخیرکه نام از مسابقات زیبایی اندام نبودعلاقمندی من هم اندکی کم‌شده بودازینروتنها بخاطر صحت به تمرینات خویش ادامه ٠میدادم باآنهم در درمسابقاتیکه درین اواخر در غازی ستدیوم صورت گرفت بازهم کسی نتوانست این مقام رااز‌من بگیردگرچه درروزنامه ها وجرا ید دوستم‌راکه‌درکلاس اول مقام قهرمانی راحایز شده بود بحیث قهرمان معرفی‌داشتند ولی‌این ادعاکه اوراقهرمان ویکه تازبگویم نادرست است اودریك کلاس ومن درکلاس دیگرکه ازطرف المپیك کلاس اول ودوم وسوم اعلام گردید قرار داریم .

کلاس اول معنی آنرانمی دهد که قهرمانش قهرمان عمومی باشد باید واضح سازم که معمول است همانطوریکه درپهلوانی کلا س های مختلف نظر‌بوزن وجود دارد در زیبایی اندام نیز موضوع قدیك امرلازمی درحکمیت است‌که بنام قدبلندها قد متوسط وقد کوتاه هاتقسیم بندی گردیده وبعداز آن موردقضاوت قرار میگیرند که امسال خوشبختانه برای‌اولین بارازطرف ریاست المپیك این امردر نظرگرفته شد وخلایی راکه قبلادر امر قضاوت درین رشته ورزشی موجود بود تاحدی رفع گردید .

ـ ببخشید کدام خلایی درحکمیت مسابقات اخیرهم موجود بود یاخیر ؟

ـ البته که بود زیرا ازهمه مهمتر بایدگفت اشخاصیکه وظیفه حکمیت را داشتند کدام سندعلمی درین رشته ورزشی رادارا نبودند وتنها محك قضاوت آنها جدولی بودکه مغایر مقررات بین المللی بود زیرآآن جدول ازطرف فدراسیون بین المللی تثبیت نشده بلکه این جدول ازروی یك مجله مورد نظر نشر میشود که بسیاری اوقات بخاطر پیروزی ورزشکاران موردنظریك سلسله تبلیغات رابراه می‌اندازند ویادر جدول هاتصرف مینمایند که به عقیدهٔ من استفاده ازجدول های مجلات درمسابقات کار درست نیست . بدنخواهد بود اگردرینجا ازمسا بقات بین‌المللی صحبتی موجزبنمائیم

مسابقات زیبایی اندام به سویه بین‌المللی دردومرحله صورت میگیردکه درمرحلهٔ اول در سه‌کتگوری (کلاس های‌کوتاه، متوسط وبلند قامتان) انجام پذیرفته وقهرمانان هر کلاس تادرجهٔ ششم درفاینل برای مسابقات نهایی می آیند یعنی درمسابقات اخیراز هرکلا س تادرجه ششم میتوانند اشتراك ورزند .

ودرین مسابقه است‌که آقای همه یازیباترین شخص درمیان همه ازنگاه زیبایی اندام‌انتخاب میگردد، حکم هاعموما در انتخاب زیبا ترین اندام که راستی خیلی مشکل ا ست هیکل بزرگ قامت بلند وقابلیت ورزشی را اهمیت بیشتر قایل هستند که بازهم تذکرمیدهم صتلاحیت قضاوت راکسانی دارند که اهل فن بوده درین رشته تخصص داشته باشند ، زیرا آنهاهریك ازعضلات وهیکل ورزشکاران راموزد قضاوت قرار داده رای میدهند ، ناگفته نماند که درمیان قضاوت‌کنندگان یکنفر هیکل تراش نیز اشتراك میداشته باشد که تنها در باره هیکل ورزشکار قضاوت میکند زیرا هیکل بزرگ که شانه های فراخ واستخوان بندی وجسامت شامل آن است درزیبایی اندام خیلی عمده ومهم میباشد .

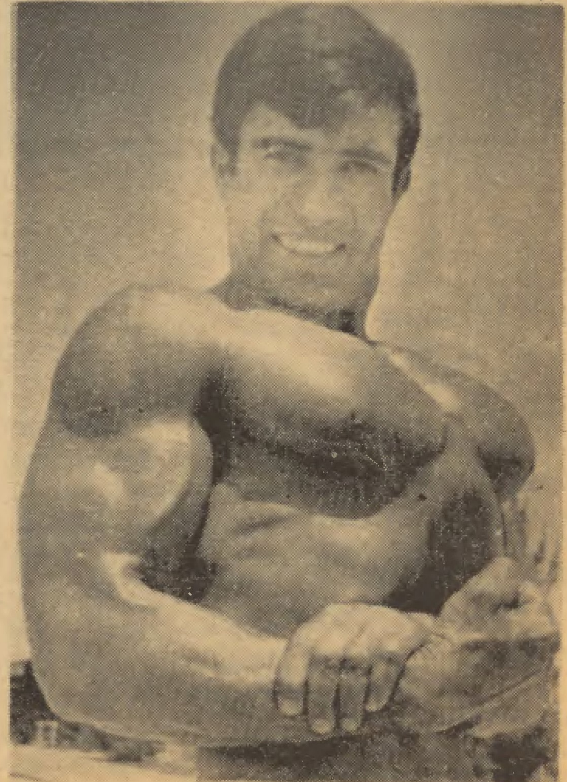


بناغلی شمس الله رحیم

متاسفانه نقاطیکه تذکر رفت در مسابقات اخیر کمتر درنظر بود ازینروخلایی‌که موجود بودگفته میتوانیم مسابقات‌کاملا انجام نپذیرفته وتاهنوز قهرمان‌عمومی‌تعیین نشده‌تنهادرکلاس های مختلفه اشخاص درجه یك ودووسه‌انتخاب شده اند وبس .

ـ بناغلی شمس الله رحیم ! شما که‌سابقهٔ زیادی درین رشته دارید چه نواقصی در وجود رفقای ورزشکار ویااگر واضح بگویم رقبا ی ورزشی خود دیدید ؟

ـگرچه اگرازنگاه جدولی که امسال محك قضاوت بود. ببینیم چندان نواقصی نمی یابیم



شمس الله رحیم درگذشته اندام‌ورزیده‌داشت





این دوقطعه عکس ازرمانی نمایندگی‌میکند که‌اگر شمس‌الله باگدام ورزشکار خارجی روبرو میشد مسلماً موفقیت ازآن‌اوبود.

زیرا آنقدر اختلاف درین جدول میان بلند قد هاوکوتاه‌قدهاموجودبود که‌بلندقدها ازقهرمان های دنیاآبادتر وکوتاه قدها مثل اشخاص عادی باید باشند مثلا اندازهٔ ران یك ورزشکارکوتاه قد درجداول ٤٨ سانتی متر تعیین شـــده درحالیکه اندازهٔ بازوی یك بلندقد را همیـــن اندازه معیین کرده اند که تفاوت خیلی زیـاد درین میان وجود دارد ازینرو اگر نمونه بلند قدهارابگیریم نواقص خیلی زیاد دیده شده و اگر کوتاه قدهارا درنظر بگیـریم بسیاری ز ورزشکاران مابه آن ستندرد توانسته اند خود رابرسانند وبعضا ازآن هم جلو رفته اند بطور خلص باید بگویم که نقص عمده دریائین تنه ورزشکاران دیده میشد نسبت به سایر وجود آنها. امیدواریم ورزشکاران محترم در ینمورد توجه نموده وتمرینات ران هارازیادتر انجام بدهند .

– میخواستم قبل ازهـــمه درموردگذشتهٔ ورزشی خود مفصلا صحبت نموده وبعدا چیـز هایی بگویی ؟

– درمورد سابقه ورزشی خودباید بگویم‌که من اولین باروقتی ورزش راآغاز کردم پهلوانی میکردم ولی یکباره متوجه شدم‌که درزیبایـی اندام هم علاقمند هستم وهم وجودم‌قا بلیت ورزش رادرین رشته دارد ازینرو برای اولین بار درسال ۱۳٤۱ شروع کر دم به تمرینات این ورزش تاآنکه آهسته‌آهسته هم‌علاقمندی‌ام زیادشد وهم تشویق دوستانم بالاخره درسال ۱۳٤۳ یعنی بعداز دوسال تمرین در اولیـــن مسابقه اشتراك ودرهمان سال مقام قهرمـانی راحاصل نمایم که این بزرگترین مشوق مـن شده ودرین راه مرامجبور به تمرین زیادنمود دردومین مسابقه که درسال ۱۳٤٦ انجام شد بازهم ازموقف خویش دفاع کردم وبر مقـام خویش باقی ماندم بهمین ترتیب در سومیـن مسابقه که درسال ۱۳٤۷ دایر شد بازهـــم هیچکس نتوانست دربرابرم قرار بگیرد ومرا کنار بکشد درین مسابقه که ازطرف پوهنتون کابل دایرشده بودیك‌کپ نیزبه عنوان قهرمانی برایم اهدا کردند ولی باید گفت‌که این سه مسابقه بامسابقه اخیر تفاوت های داشت زیرا درین مسابقات بطور عمومی انتخابات صـورت میگرفت یعنی‌اندازهٔ قدوران مدنظرنبوددرحالیکه درآخرین مسابقه‌اندازه‌قدمدنظر گرفته‌شده‌بود.

درمسابقات بین المللی رسم برآن است که وقتی یك قهرمان دریك مسابقه قهرمانی خود را به اثبـــات میرساند بنام قهر مان همان سال یادشده وبعداز آن به حیث استاد ویـــا مربی یکعده ازورزشکاران رازیر تربیه گرفته درپرورش اندام آنها میکوشد . در حالیکـــه تاکنون چنین رسمی درمیان ورزشکاران مـــا مرعی الاجرا نشده است .

– اگر چند سال پیش درکدام مسابقـهٔ خارجی اشتراك میکردید چه نتیجه بدســت می آوردید ؟

– قبل ازآنکه من بجواب این پرسش شما پاسخ بدهم اولا اندازهٔ بدن خودراکه بعدازیك توقف آنهم تمرین بسیار کم درمسابقه اخیر هیات ژوری ازمن برداشته برایتان ارائه دارم وبعدبپردازم بجواب سوال شما :

دور بازوی من ٤٤ سانتی متردورگردن٤۳ سانتی متر، دورسینه ۱۲۵ سانتی متر وازران ها٥۹ سانتی متر وازکمر۷۸ سانتی متردرحالیکه چندسال قبل من خیلی قوی تراز امروز بودم که اگر این هم مقایسه گردد بسیار تفاوت‌کم میان‌اندام‌آنوقت‌من‌وقهرمان آسیامی‌باییدکه‌اگر درگذشته زمینه مسافرتی به خارج مهیا میشد ومن باقهرمانان سایر کشور هامخصوصاکشور های آسیا مقابل میشدم یقین دارم موفقیت از آن من بود بدبختانه درگذشته جزء به‌پهلوانی وتنیس به‌کدام ورزش دیگر توجه نمیشـد در حالیکه خوشبختانه امروز زمینه پیشرفت همهٔ رشته های ورزشی مهیا گردیده ازینرو متیقن هستیم روزی مدالهای قهر مانی رادر گـردن ورزشکاران افغانی خواهیم دید .

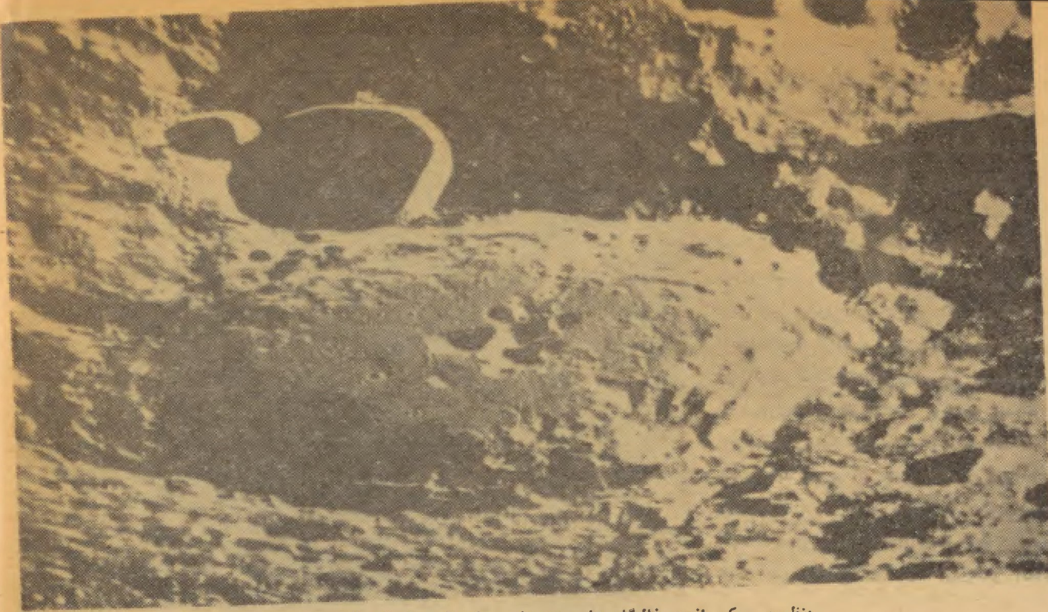
– شما که ازتجارب زیاد در ین رشتـه برخوردارید بجوانانیکه تازه به این کار آغاز کرده اند چه توصیه میکنید ؟

– توصیه اولین من این است‌که چون این رشته ورزشی ازیکطرف باتمام وجود یـــك ورزشکار سروکار دارد واز جانب دیگر یـك ورزش ثقیله است باید ورزشکاران اولین روز قدم گذاشتن به‌کلپ به امید زیبایی انـــدام صحت وتوصیه های صحی رامدنظر بگیرند تا نشودکه به امید زیبایی اندام یك حصهٔ از وجود خودرا نـاقص سازند من نظریـاتـی درینمورد دارم‌که بایست جوانانیکه تازه باین ورزش روآورده ویامی آورند درنظر داشته بـه تمرینات بپردازند نخست اینکه نباید درهفته بیشتر ازسه روز تمرین نمایند زیرا چهارروز دیگر وجودبه استراحت برای نموضرورت دارد مجموع حرکات برای مبتدیـان ده ا لی دوازده حرکت است که تمام قسمت‌بدن ازآن مستفید میگردد، هرحرکت هشت الی ده مرتبه تکـرار گردد وآن طوری باشدکه درماه اول ازهرحرکت یکدفعه ودرماه دوم‌دودفعه ودرماه سوم سه‌دفعهٔ وبه‌همین‌ترتیب اضافه‌گردد، تاشش‌ماه‌اول‌نباید ازوزنه های سنگین استفاده کرد، وزنه هاباید طوری انتخاب‌گرددکه ورزشکار بتواند بدرستی ده مراتبه آنرا تکرار نماید، بعداز یك سال ورزشکار میتواند باوزنه های نسبتا سنگین‌تر تمرین نماید .

غذاهائیکه برای یك ور زشکار لازم اسـت عبارت ازمواد پروتینی که رشد اساسی به آن ارتبـــاط مستقیم دارد و آن در گـو شت، گرده، شیر، پنیر، تخم، لـوبیا نخود وغیـره حبوبات خیلی بوفرت پیدامیشود ودیگر مـواد

بقیه در صفحه ٤٥

قمر، این کتلهٔ الهام‌بخش شاعران



منظره‌یی یکی ازین خالیگاه ها ووادی‌های سطح قمر از نزدیک

دردریاهای قمر، قطره آبی وجود ندارد وکوه های بلندآن بارتفاع هزاران متر، سر به بالا کشیده است .

سیزده نام ازنام های دانشمندان اسلامی ، برروی قمرمیدرخشدکه برخی‌ازآنهاعبارت‌انداز: البیرونی، ابوالوفا، خوارزمی وجابربن حیان .

امروزدر زمین مابمقدار نزدیك به چهارصد کیلوگرام، ازصخره ها، احجار وخاك قمر، در دسترس دانشمندان قرار دارد، واین اجـزای قمر توسط اپولوهای امریکاکه از اپولو یازده درسال ۱۹٦۹ شروع وبه اپولو هفده دردسمبر سال ۱۹۷۲ میرسد، طی مسافرت ها ی پیهم فضایی، بزمین انتقال یافته است .

پس ازآوردن مواد قمر بروی زمین، ایـن سوال پیدا میشود که این سنگ وخاك قمر که امروز بامراقبت ومواظبت‌کامل،دراحساس ترین مراکز علمی جهان ، نگهداری می شود، چه ارزشی خواهد داشت وهم چه ســودی درجهت انکشاف وپیشرفت علوم معاصربشری بجاخواهد گذاشت ؟

آنچه مینواند باینگونه پرسشها پاســخ قناعت بخش بدهد این است که این مــواد متشکل ازسنگ‌وخاك وغیرهٔ قمر، توسط مراکز علمی، تحت تعامل کیمیاوی قرار داده میشود تابدین وسیله بشر بتواند از حقایق ایــن اجزاء ومواد قمر، آگاهی یابد ودرك کند کـه چگونه صفات وخصوصیت هایی‌درآن موجـود است که درخاك وسنگ واجزای دیگر زمین، سراغ نمیشود ویابشر تاکنون نتو انستـــه ماهیت اصلی وواقعی آنراکشف نماید. وهدف ومنظور نهایی وغایی درعقب این تعاملات و تحقیقات کیمیاوی، بخاطر شناخت بیشتر این مواد، آن است‌که انسان بالاخره راهی بــرای درك اجزاء ومواد قمر، پیدا نماید واین معما رادرپرتو دانش بشری حل کند که قمر یعنی این کره الهام بخش شاعران وبرانگیزنده‌های رویا آفرین دنیای شعر وادب، ازچه عناصری تشکیل یافته است وهم این زمینه مساعدافتد تاانسان آراء ونظریاتی راکه درباره تکویــن وتشکل وساختمان قمر، تاحـــال از طــرف دانشمندان فلك وعلمای منظومهٔ شمسی، عرض وجودکرده، بسنجدوتطبیق نماید، وهدف دومی که درپهلوی این اهداف عمده، وجود دارد ، ایجادزمینه وشرایط مناسب وگوارا، بـــرای برقرار ساختن همکاری بین المللی درین‌ساحه ازساحات حیات بشری میباشد. چنانچه برای پایه‌گذاری وزمینه سازی روحیه همکـــاری ، امریکایك مقدار قریب درحدود پانزده‌کیلوگرام ازین مواد بدست آمده قمررا بعنوان تحفـــهٔ فضای خارجی، برای اتحادشوروی داد تـــا دانشمندان اتحاد شوروی نیزآن راتحت مطالعه وتحقیقات دقیق علمی قرار بدهند وبدیـــن وسیله درین راه بادانشمندان امر یکایـــی مشارکت وهمدستی بعمل آورند ، همچنانکـــه امریکا مقداری ازین موادرا برای برخـــی از پوهنتون هاومراکزعلمی وتحقیقاتی اروپا نیـــز بخشید تااروپا بیان هم مطالعات وتحقیقـــات علمی خویش رادرزمینه بکار اندازند واز ین طریق ، ساحهٔ فعالیت های تحقیقات علمی‌بیش ازپیش گسترده تروسیعتر گردد ودر پهلوی این فعالیت هابخاطر سهمگیری کشور ها در راه درك حقایق علمی، ساحهٔ دیگری نیـــز گشوده شدکه عبارت ازگذاشتن قسمتی ازین سنگ وخاك قمردر موزیم های مشهور جهان میباشدو این یك فراهم سازی فرصت مساعد برای مشاهدات عمومی ازین مواد به حساب می آید .

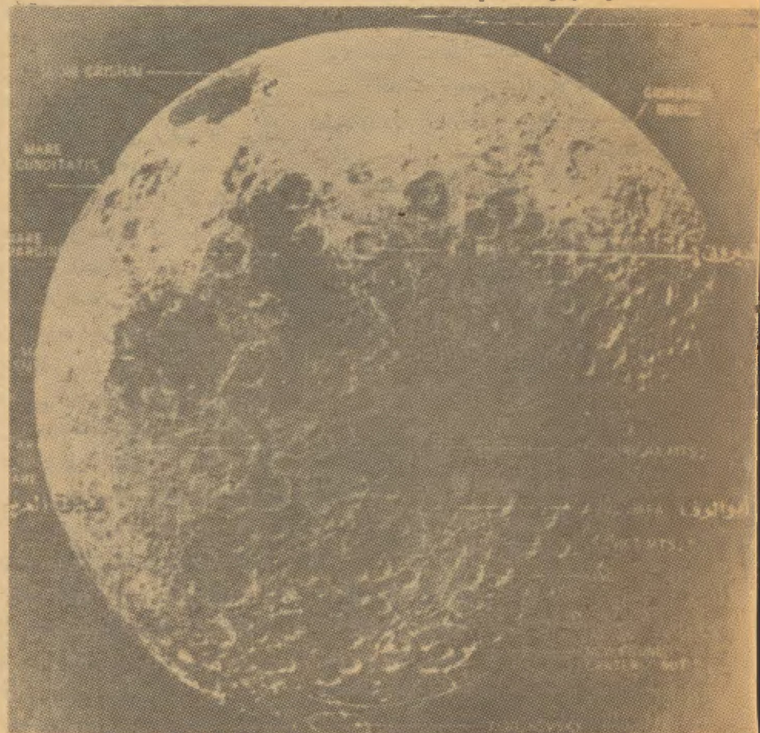
وسایل جلب صخره های قمر :

درزمینه جلب صخره های قمر، یك فــرق وتناقض درمیان وسایل امریکا واتحادشوروی موجود بود، تناقضی‌که درروش هر دو کشور مخصوصا درساحه مطالعات وبحث های‌فضایی نمایان وروشن مینمود .

این اختلاف وتباین میان نظریات این د و کشور بیشتر ازین نقطه منشاء میگرفت کـــه امریکا سعی میکرد موضوع انتقال وجلـــب سنگ وخاك قمر متعلق ومربوط به فضانوردانی باشدکه این مواداضمن مسافرت های کیهانی بزمین آورده اند وهم همین فضانوردان اندکه شاید درآینده نیز مقدار زیاد وانواع مختلف موادقمر رابه زمین بیاورند، بنابر ین دلیلـی است‌که باید اینکار مربوط بخود ایشان‌ساخته شود .

برعکس، اتحاد شوروی باین عقیده بودکه نباید کار انتقال وجلب مواد قمر به زمیـــن مخصوص فضانوردان بماند ومساعی دیگر، در باره مبذول نگردد، بنابران اتحاد شـــورو ی تصمیم گرفت تابه تهیهٔ سفینه های فضایـــی اقدام نماید وبدین وسیله امکان فرود آمدن برروی قمر، به آسانی ونرمی، میسر گـــردد وسفینه پس از پایین آمدن، بروی کرهٔ قمر بتواند مقداری ازمواد قمررا بصورت اتوماتیك بداخك خود بردارد وحفظ کند وبالاخره آنــرا هنگام فرود آمدن بزمین، باخود ارمغان بیاورد چنانچه لونا(١٦) اتحادشوروی برای بارنخست توانست موفقانه این ماموول رابرآورده سازد ونیز درفبروری سال«۱۹۷۲» این‌موفقیت‌برای باردوم، توسط پرواز لونا (۲۰) تکرار گردید ودر حقیقت پیروزی مهمی درزمینه تحقیقات

بقیه درصفحه ٤٥



نشانه های سطح قمر که روی آن نام‌های اسلامی ثبت شده است.

سرود های ویدی و رودخانه‌های کشور

ادبیات افغانستا ن از زمانها ی باستان بدین سو. دوصفحه بزرگ وبرجسته داشته که عبارت است ا ز صفحه رزمی وصفحه عشقی .

تاریخ ادبیات افغا نستا ن ا ز روز گا ران باستان یعنی از عصر وید ی‌باینطرف با استقرار اریا یی ها در کوهپا یه های این سر زمین آغاز گردید و بعددر طی صد ها و هزاران سال نسج یا فت و او ج گرفت وچون ادب شفا هی بر ادب تحریری سا بقه وتفوق داشت‌مدت ها قبل حصص زرمی ،حماسی و عشقی آن در قالب تصنیف ها و اشعار عا میانه چون انعکا س آواز زبان به‌زبان وگوش بگو ش بما رسیده است .

سرود وید ی‌عبارت ازیکسلسله آهنگ ها ترانه ها ومنظومه ها یی است که هزا ران سال قبل درمیان قبایل آریایی مروج بوده‌واز سینه‌ای به سینه دیگر انتقال یا فته تااینکه درقید تحریر آمد ثبت شد و شکل کتاب را بخود گرفت .

(وید) یا (ودا) در سا نسگریت زبان آریایی مهاجر (دانش‌مقدس) وسرود ستایشی معنی داشت وطبق‌مقتضیات وقت ستا یشی مظاهر بدیع طبیعت وارباب انواع آریایی در آنها به‌عمل آمده است.

این سرود ها سلسله بسیا ر مفصلی داشته که اکثر آن در ا ثر گذشت زمان از میان رفته است .

شما لی تر ین نا میکه در لا بلای سرود های ویدی به مشا هده‌میرسد اسم بلیهکا است که آنرا مد ققا ن عبارت ازبلخ‌وباختر میداند وپس‌ازآن درجنوب هندوکش به‌رود (کوبها) میرسیم که عبارت از رود خانه کابل است که راجع به این رو د خانه در مبحثی سرود رود خا نه ودرتوصیف‌رودخانه بزرگ(سندهو) یعنی سند چنین تو صیفی به عمل آمده است» ای سند هو ،تو او لتر آبها ی خرو شان خود را به رو د خانه کوبها مخلوط میکنی وبعد رو ی همان بستر خودگوماتی یعنی گو مل وکرو سو (کرم) راه میکشی»

درین‌پارچه قراریکه ملاحظه می‌شود غیراز رود خانه کا بل معا ونینی دیگر اندوس یاسند رود خا نه های گومل وکرم ذکر شده است .

در یکی از سرو د های د یگربه ماروت یارب النوع باد خطا ب‌شده میگوید« ای ماروت از آسما نها از وسط هوا نزد یک تر بیا وبسیار زود مرو، مگذار که جریا ن آب های (راسا)وکرومو و کو بها راکد شود مگذارکه جریان سند هو (سند) متو قف شود بیا از فیض وزش‌تو مستفید شویم .»

همچنان درسرود های ویدی ذ کری از دره کرم که چون دره کابل یکی ازدره های طبیعی است واز کو هپایه های افغانستان جنوبی بطرف‌جنوب باز شده ذکری به عمل آمد هوا ین رود خا نه سوا حل را ست حوزه سند را آبیاری می کند ودر سرود رود خانه‌یعنی رود کرومو با نسام کابل یاد گردیده است و اما امروز درین دامنه ها قبا یل‌تور ی وزیری ،مسعود ، درو یش خیل احمد زایی اتمان زایی زند گا نی دارند .

که آبها ی آن از دامنه ها ی جنوبی سفید کوه یا سپین غر سر چشمه میگیرد ویکی از دره ها ی شاداب وزیبا وپر میوه این سلسله کوه محسوب می شود .

همین قسم در سرود های و یدی همیشه از گوماتی یعنی رود خا نه گومل وورود خا نه کرومو یعنی رود خانه کرم یکجا نام برده شده و این بدان لحاظ است که فاصله جغرافیا یی آنها جندان از هم فا صله ندارند ومها جران آریا یی قبل ازینکه‌رود خا نه سند هو یعنی‌سند راعبور کنند وداخل پنجا ب گرد ند مدتی مدیدی درحوزه ها ی سه رود خانه کابل کرم وگومل امرار حیات داشتند وسرود های زیا ددر کرانه های این رو خا نه هاسروده اند .

همچنان در حصص شر قی افغا نستان نیز رود خا نه ها ی وجود دارد که‌درسرو ها ی و یدی ازآن یاد گردیده ماننـد رو درا سا که مور خین معمولا آنرا رود کنر تعبیر می کنند ودر سرود رودخانه هاازجمله معاونین رود کابل‌شناخته شده است .

همین قسم چند رود خا نه دیگر بنام سوتی تر یشتا ما و انی‌تابهادر سرود ویدی به‌مشاهده میرسد که رود سوتی رامعمولا رود سواد و دوی دیگر را از معاونین کوچکتر رودخانه کابل‌میشما رند همچنان رود خا نه دیگری بنام سرا سوا تی به نظر میرسد که عبارت از رود ارغندا ب میبا شد .

بدین صورت واضح معلوم مـی شود که سرود ها ی و یـد ی از نقاط مختلف مخصو صا رودخانه های افغا نستان شرقی وجنوبی ذکری مفصلی به عمل آور د ه واضح می سازد که سرا یند گا ن این سرود ها ازکم وکیف وضـع جغرافیایی محیط خود بخو بـی آگاهی داشتند .



داکتر شمع ریز

مصاحبه از الف زلمی

پای صحبت شمع ریز

شاعر معاصر کشور

صحبت این هفته مادرباره شعر، با بناغلی دکتورمحمدرفیق شمع ریز، یك تن دیگر از شعراء معاصر کشور است. ایشانرا دروزارت امور خارجه، دردفتر کار شان ملاقات نمودم، بعداز تشریفات معموله گفتگوی ماآغاز یافت.

می پرسم، بناغلی شمع‌ریز،شماشعر راچگونه تعریف می‌کنید؟ بعداز اندکی تامل میگوید:

برای شعر باید تعریف شاعرانه یی جست. به عقیده من، شعر، بیان خیال ، احساس، اندیشه وفکر شاعراست که با آهنگ و ترنم خاصی بازبان شاعرانه اظهار میگردد .

طبق این تعریف، شعر، ازسه‌نیروی بزرگ نهادی شاعرکه نیروهای تخیلی ، عاطفی و احساسی، اندیشوی وفکری اومیباشد، ما یه میگیرد . درواقع بخش بزرگ ساختمانی شعر حاصل خیال پردازیهای شاعر میباشد . شاید شعردر ساختمان خود ازنیروها ومحرکه های دیگر روحی نیز نقشها واثر هایی بر دارد ولی نقش این سه نیروی تواناوشعرآفرین باطنی در بخش عمده وبزرگ ساختمانی آ ن بیشتر ایجادی وتعیین کننده پنداشته میشود. امانقش خیال، اثراحساس وعواطف، تاثیرذهن وفکر درهمه شعر هایکسان نیست، شاید در بسیاری از سروده های شعری این‌تبارزات نیرو های سه‌گانه بزرگ نهادی وباطنی شاعر باآمیزشهای نابرابر، دست به‌دست هم داده وبرشنونده تاثیر بگذارد ولی‌از بسیاری شعر های دیگر نقش یکی ازین سه عنصرمهم وسازنده شعرکه خیال، احساس و اندیشه باشد، برجسته ترونیرومند ترمیباشد. به این ترتیب میتوان سروده های شعری رابه شعر های خیالی، شعرهای احساسی وعاطفی وشعرهای ذهنی وفکری تفکیك نمود . امااین تفکیك ماهیت کلی ومطلقی راحایز نیست .

این همه تبارزات (تخیلی، احساسی‌وعاطفی اندیشوی وفکری) شاعر درشعرش، پیوستگی عمیقی باشخصیت هنری وشاعرانه او دارد و شخصیت هنری شاعر، نمایی از(خودیت‌شاعر) میباشد وهمین (خودیت شاعر) پایه اساسی اصالت شعری اورا میسازد .

ازدکتور شمع ریز میخواهم تادر باره (خودیت شاعر) کمی بیشتر روشنی اندازد، میگوید: خودیت شاعر محض ساخته میزات ومشخصات نهادی وقابلیت هاو استعداد های ذاتی ودیگرتوانایی هاونیروهای باطنی‌اونیست، بلکه اثرهای زمانی ومحیطی (چه محیط کوچك خانوادگی باشد وچه محیط های بزرگ ملی وجهانی ...) ودیگر عوامل بیرونی ورویداد های خارجی نیز برساختمان وتحول (خودیت شاعر. مطابق به نحوهٔ برداشت هاومعیار تاثیر پذیری او، نقش نهایت مهمی واردمی‌کند.

خودیت شاعر، درمسیر تغییرات زمان با تاثیر پذیری های نهادی وبیرونی ، دچار دگرگونیهای پیهم‌ومداوم میگردد، واین‌تغییرات ودگرگونیهای خودیت شاعر، طوری است که میتوان گفت هرآن‌شاعر،دارای (خودیت‌جداگانه) مشود (خودیتی) که اگر باخودیت های‌قبلی وبعدی وی ناهمگونی مطلقی نداشته باشد . اقلا دارای شباهت کلی ومطلقی خواهد بود . هرگاه شعر پیوند همبشگی خودرا با (خودیت واصالت روحی) شاعر نگهدارد، اصالت شعری وهنری خودرا حفظ خواهد کرد. چون خودیت شاعر، ساخته عوامل وتاثیرات متحول وتغییر پذیرمیباشد . تحولات زمانی، محیطی ، روحی وباطنی نیز طورمستقیم وياغير مستقيم و به پیمانه های کم وبیش به‌تاثیر بخشهای‌پیهم براین (خودیت متحول) تاثیر وارد می کند . شعر نیز درجریان این همه تحولات خارجی، زمانی وداخلی، روح ونهاد شاعر وبالاخره در سیر تغییر پذیر (خودیت) گوینده خود و برداشت تاثیرات داخلی وخارجی، در جریان می افتدومطابق باتحول زمان ومحیط وتغییرات (خودیت) و (شخصیت هنری وشعری) شاعر حرکت میکند. وباپیوستگی بازمان بامحیط وبا خودیت شاعربه حیث شعر زمان خود، شعر محیط خود وبالاخره به حیث شعر اصیل‌گوینده خود، شناخته میشود وغالبا بسوی تکامل وارتقا پیش میرود. اصالت شعر در اینستکه اززمان ومحیط شاعرخود، برداشت های داشته باشد وارتباط همیشگی خودرا با (خودیت) و (شخصیت هنری) گوینده خود، نگهدارد . شعری که روابطش بازمان ومحیط وخودیت گوینده اش قطع باشد، بدون اصالت هنری خواهد بود ویك نظم تقلیدی شناخته میشود که هیچگونه نمایندگی اززمان ومحیط شاعر خود وبالخصوص از(خودیت) و(شخصیت هنری) گوینده اش نخواهد کرد .

تقلید درشعر کشنده اصالت شعری است، درحالیکه خودیت متحول شاعر بابرداشت های زمانی، محیطی، بیرونی وباطنی خود ، منبع نوآوری ها وایجاد گریهاست . وهمین تحو ل خودیت شاعر درفاصله های زمانی ومکانی، شعررا درمسیردگرگونی هادرجریان می‌اندازد. این سیردگرگونی ها، شعر های یك شاعر را تاحدی باهمدیگر ناهمگون میسازد . و این ناهمگونی ها حاصلهٔ تحول طبیعی، شعر یك شاعر درجریان زمانی وتغییرات محیطی و تحولات (خودیت) و (شخصیت) شاعرمیباشد.

چون برداشت های زمانی، محیطی وخودی دو شاعر یکسان نیست وخودیت های آنها ، خودیت های متفاوت وجداگانه است

درصورتیکه شعرهای آنها، اصالت های فردی گویندگان خود نگهداشته باشد، باهم یکسان نباشند .

اصالت هنری شاعر درین نیست‌که بکوشد حتماماننددیگران‌شعر بگوید،بلکه بایدشعری بگویدکه‌خودش میتواندگفت: البته‌مطالعه‌اشعار دیگران واستفاده های معنوی وادبی از آثار گویندگان گذشته وحال درکار شاعران، روش نیك وقابل تعقیب میباشد، ولی تقلید محض ازدیگران درشعر سرایی گناه بزرگی است‌که درشعر وادب وارد می‌آید.

ـ دکتور شمع ریز درباره (وظیفه شعر) چنین اظهار نظرکرد: من گمان میکنم که شعر دارای وظایف دوگانه یی فردی واجتماعی میباشد، که بعضی ازین وظایف طور مستقیم انجام میبابدوبعضی‌دیگری بصورت غیرمستقیم، اولین وظیفه شعر، وظیفه فردی آن میباشد که درمقابل گوینده خود انجام میدهد . چون شعر تاحد زیادی زادهٔ حساسیت های روحی وباطنی شاعر است، حساسیت هاییکه در ضمیر ونهاد شاعر، هیجانها، تب وتابها، تاثرات، نا آرامی هاوتالم های روحی ایجاد میکند . این‌هیجانات والتهابات روحی، باید تسکین وآرامش یابد،

نقش زنان
در
امور تولیدی کشور

از آنجاییکه زنان نصفی از پیکـــر اجتماع بشری راتشکیل مید هنـد نظر به شرایط ،اوضاع واحـــوال متفاوت زمانی ومکانی وهمچنـــان مناسبات اجتماعی که منشاء اصلـی آنرا روابط تو لیدی تشکیل مید هد در فراهم آوری‌و تولید احتیا جا ت حیاتی سهم خودرا فـــعالانـــه ادا نموده اند،

چنانچه سهمگیری زنان جا معـــه افغانی در تنظیم و ترتیب امـــور خانه وخانواده هیچگاه محدود نمانده بلکه به‌ارتباط تسلط روابط اقتصادی واجتما عی معین گا هی سا حه آن تمدید وبعضا گستر ش یافته است که بحث در مورد تحقیقات جا مـع تروعلیحده را ایجاب می نماید.

هدف از مبحث فعلی اینست که زنان وطن ماتاچه حدو به چه پیمانه در امور تو لیدی سهیم اند و نقشی آنها در حیات اقتصادی تاچه اندازه باارزش وبا اهمیت بوده می توانند، بایك نگاه ژرف در اطراف واکنا ف کشور ومطالعه چگو نگی وضع‌زنا ن می توان به یقین اظهار نمود که‌در شرایط فعلی با تصنیف اجتما عی زنان درین ویاآن بخش کار های‌ـ روزمره نقش تولیدی ایشان هویدا شده که تاثیرات محسوس آن قابل یاد آوری می نماید.

از جمله فعا لیت های شبا روز ی زنان چوپان ومالدار این سر زمین که در تربیه گو سفندان وسایـــر مواشی با زحمات خستگی ناپذ یر مصروف اند واز لبنیا ت، گوشت‌و غیره‌آن مستفیدمی گردیدیم‌ومخصوصا پشم حاصله ازین حیوانات که اکثر در بافتن قالین ،گلیم ،نمد وغیره بکار میرود اقلام درشت صا درا ت راتشکیل می دهد که بر جستگـــی این اقلام در سکتور تجارت مملکت خیلی باارزش است،

همچنان دهقان زنان این مرز بوم دایما نقش مهم واارزنده در امـور کشت وزراعت این سر زمین داشته که‌بعضا تنهاو درکنار شو هـــرا ن برادران وپدران خو یش درین راه گام نهاده اند ودر تولیدغله جـــا ت عملا حصه گر فته اند که ازواقعیت های عینی جا معه فلا حتی وزرا عتی مابوده می تواند ناگفته نماند زنان کشور مادر امر تولیدی نه تنهـــا بابندبه اقتصادطبیعی مثل چوپا نی ودهقانی بوده بلکه به‌اساس خواسته های عصر وزمان ونفج روا بـــــط اقتصا دی پیشر فته تر در اکثـــر موسسات صنعتی نیز سرزده ودر تولیدات فابریکه های نسا جی وغیره چه در مرکز وچه در ولایا ت سهم فعالانه ومو فقانه ادا نموده وافتخار آمیز درپای ماشین های عظیم‌و غول پیکر قرار میگرند وعر ق می‌ریزندو کار می کنند ودر تثبیت شخصیت اجتما عی زنان بارو حیه فدا کاری واز خود گذ ری کو شان اند.

زنان زحمتکش قالینبا ف کشور ماکه یکی از ظریف ترین ومشکل‌ـ ترین کار های تو لیدی راانجام می دهند قابل یاد آوری وستایش‌اند،

بلی همین زنان ودختران اند که ازهرات ومزار گرفته تا اند خوی وشبر غان وکندز از صبح تا شا م وحتی تانیمه های شب درپای کـا ر گاه های قالین بافی می نشینندودر روشنی خیره وکمر نگ چرا غهای تیلی هزاران گره می زنند نا خن‌می سایند وبا خون‌سرانگشتان قالین‌ها را رنگین می‌سازند واما این‌قشـــر زحمتکش وهمیشه نیاز مند از مـزد قناعت بخش مستفید نمی گردنـــد وبر همه نا گفته هویدا است کـــه قالین های افغانی حاصل ســـر انگشتان دختران وزنان افغا نستا ن شهرت جهانی دارد وخصو صیـت صنعتی، دیزاین، رنگ، استحکام‌و کیفیت بخصوص ،اهمیت صا درا تی آنرا دو چندان می سازد،

جادارد تذکر داده شود که کــه بااینهمه رنج وتکا لیف زنان قالین باف،و افتخار وطن مابه سویه‌جهانی باز هم به‌حال این طبقه تو جه‌به عمل نیامده وایشان دروضـع خـــو ب اجتماعی بسر نمی برند وقیودا ت وفشار های خرافی وناشی ازعقـب ماندگی سخت آنها رارنج میدهـد ومحیط‌کار ایشان نیز اطمینان بخش نبوده واکثرا به‌امراض گو ناگو ن آغشته اند، ولی باز هم کار می‌کنند ودر تو لید اجناس صادراتی فعالانه نقش بازی می کنند،

در نتیجه به مناسبت سال بین‌ـ المللی زن توجه همگـا نـــی را د ر خصو ص بهبود وضع حیا تی زنان بصورت کل وزنانی که‌در تولیداقلام اقتصادی وصادراتی حصه می‌گیرند مخصوصا خوا ها نیم

پیوسته بگذشته

فریادهای مرگ

درحالیکه من یقین داشتم خانم مارپل بهیچکسی اعتماد نمیکرد . خانم ویدربی سوال کرد: گویا بخاطر همین جوان رسام موسوم به لئورانس ریدینگ مشاجره کرده اند، چنین نیست ؟

خانم مارپل سر خودرا جنبانیده جواب داد: کپتان پروتیرواورا از خانهٔ خود بیرون کر د وگویا این رسام تصویر لتیس را بامایومی کشیده است .

خانم پرایس ریدلی گفت : من دایما ازین شبهه داشتم که میان آنها سروسری وجود دارد . مردجوان مرتبا به قصر رفت وآ مد میگرد . مرگ مادرواقعی لتیس واقعا ضایعه است زیرا مادراندر هاهیچگاه جای مادر اصلی رانمیگیرند .

مس هارتنل داخل صحبت شده گفت : ولی من مطمئنم که خانم پروتیرو هرچه از او ساخته باشد، بحیث یك مادر ازلتیس مضایقه نمیکند .

خانم پرایس ریدی گفت : امادختر های جوان خیلی سربهوا وبیفکر هستند .

مس ویدربی که زن خوش قلبی بود، اظهار داشت : این یك ماجرای خوش عشقی است . رسام واقعا جوان جذابی‌است . اینطورنیست؟

خانم پرایس ریدلی بسوی اوبر گشته‌گفت: رسم دختره را با مایومی کشیدواین‌کارهرگز عمل خوبی گفته شده نمیتواند .

گریز لدا گفت: آقای ریدینگ مراهم می کشد .

مس مارپل‌گفت : البته نه بامایو عزیزم .

گریزلدا بالحن خیلی جدی درپاسخ اواظهار داشت : درقیافه وپوزخیلی بدتر ازآنهم محتمل است .

مس هارتنل ازین شوخی حسن استقبال‌کرده گفت : دختربدی شده ای !

ولی دیگران‌قدری شگفتی زده معلوم‌میشدند. مس مارپل ازمن پرسید :

– آیالتیس عزیز، دردخودش راباشمادرمیان گذاشت ؟

– بمن ؟

– آری من اورا دیدم که ازباغچه گذشته وارد اتاق شما شد .

این پیرزن همه چیز رامی بیند . مصروفیت باسبزیکاری هاوگلهای باغچهٔ منز ل خودش برای زیر نظر گرفتن حیاط دیگران بهانهٔخوبی به‌دست او میدهد . ازنظر اودردست داشتن دوربین بعنوان لذت بردن ازتماشای پرندگان نیز یك‌وسیلهٔ بی آزار است . درجواب اوگفتم:

– آری، یك چیزهایی بمن گفت .

مس مارپل گفت : آقای هوزهم قیافهٔ اندیشناکی داشت . امیدوارم کار زیاد نکنید. برای اوخوب نیست .

مس ویدربی باهیجان فریاد زد :

– آه، فراموش کردم . برای شما خبری داشتم . من دیدم‌که دوکتور بایدوك از منزل خانم لسترانگ خارج می شد .

هرکس بهمدیگر نگاه کرد. خانم پرایس گفت: شاید خانم لسترانگ بیمار بوده است.

مس هارتنل سری بعنوان انکار جنبانده گفت: اگراین حرف راقبول کنیم معلوم میشود خانم لسترانگ یکی یکبار بیمارشده است . زیرا همین امروز ساعت سه بعدازظهر اورا در باغچه منزلش مشغول گردش دیدم . سلامتی‌اش کاملا بجابود .

خانم پرایس ریدلی زیرلب گفت :

– درهرحال اوودوکتور بایدوك ازسابق باهم شتناسائی دارند .

خانم ویدربی گفت : این خیلی عجیب است که دکتور هیچگاه ازینموضوع حرفی نزد .

گریزلدا باصدایی آهسته واسرارآمیزشروع به صحبت کرد: اگراسشش رابخواهید ...

توقف کرد وهرکس منتظر نتیجهٔ صحبت اوگردید . وآنگاه گریزلدا بالحنی موثراینطور ادامه داد: من تاحدودی ازجریان اطلاع دارم . شوهر خانم لسترانگ یك میسیونر بود . این داستان وحشت آوری است زیرا اینمردرا وحشیان یکی ازقبایل بد وی زنده زنده خوردند وزن نیز مجبور شد همسر رئیس‌قبیله بشود. چندی بعد دوکتور بایدوك بایك هیات بدانجا رفت وخانم لسترانگ رانجات داد.

برای یك لحظه هیجان حضار به حداعلای خود رسید . بعد مس مارپل باناراحتی ولی باچهره ای خندان دست گریزلدا را گرفته گفت : بازهم دختربدی شدی . این طرز گفتار شماهیچ خوب نیست، عزیزم واحتیاجی دیده نمیشود چنین افسانه یی را خلق کنیدکه هرکس میتواند آنرا باور کند. گذشته ازآن وضع موجود پیچیده ترمیشود .

دراتاق هوای سردی بوزش درآمده ودونفر اززنان برای رفتن ازجابرخاستند . مس ویدربی پرسید : آیا واقعا روابط لتیس و لئورانس بمرحلهٔ جدی رسیده است ؟ البته ظاهرا اینطور بنظر می آید، شماچه عقیده دارید خانم مارپل ؟

درصورت خانم مارپل خطوط تفکر آ میز پیدا شده جواب داد :

(من اینطور فکر نمیکنم . لئورانس رسام اگرروابطی داشته‌باشدبالتیس نی‌بلکه بادیگری است .

– اماکپتان پروتیرو را...

خانم مارپل بعجله گفت : ازنظرمن پروتیرو فقط یك احمق بوده میتواند . ازآن تیپهائیست که بالجاجت روی مفکورهٔ خود ایستاده وآنرا غیر قابل تغییر میداند . آیامالك قدیم کاروانسرای (خوك آبی) رابخاطر دارید ؟

همیشه ازینکه دخترش بامرد جوانی بگردش میرفت خشمگین میشد درحالیکه آن جوان با زنش ارتباط داشت‌نه‌بادخترش .

مس مارپل موقع گفتن این جملات بسوی همسرم نگاه میکرد . ناگهان بشدت احساس ناراحتی کرده گفتم : خانم مارپل، بنظر شما آیامابیش ازحد حرافی نمیکنیم ؟ از پرداختن به‌شایعات بی اساس، جی بساکه وقایع ناگواری رخ میدهد.

مس مارپل بی آنکه ازتك وتابیفتد درجواب من اظهار داشت : (شما انسانها را بخوبی نمی شناسید. من روی انسانها خیلی مطالعه کرده ام . ودیگر ازآنها خبربدی انتظاری‌ندارم.

آری، شایعه پردازی حقیقتاکار نادرستی‌است امااکثرا به حقیقت می پیوندد. مگر اینطور نیست ؟

این حرفها دیگر قلب مراسر تاپا مجروح کرد ولی خاموش ماندم .

***

همینکه دربدنبال مهمانان پرحرف بسته‌شد، گریزلدا بدنبال آنان دهن کجی کرده گفت : اینها قمقمهٔ شایعات هستند . سپس بسوی من نگریسته خندید وافزود : لن، آیاتو واقعا ازاینکه من ممکن است بالئورانس رسام‌روابطی داشته باشم، احساس شبهه میکنی ؟

– بچه دلیل عزیزم ؟

– من تصور کردم اشارهٔ مس مارپل روی همین مطلب بود، آیاتو اینطور فکر نکردی‌که فورابدفاع ازمن برخاستی؟ درآن لحظه قیافه‌ات شیری خشمگین راتمثیل میکرد .

اینکه یك کشیش رابه شیری خشمگین تشبیه کنند، چیز خوبی بنظرم آمد در جوات گریزلدا گفتم :اعتراض برسخنان او لازم بود: ولی گریزلدا بعداز ین درموقع صحبت باید خیلی دقیقتر باشی .

گریز لدا پرسید : آیامنظورت داستان آدمخواران است ؟ یااینکه گفتم لئو رانس میخواهد تصویر عریانی ازمن بکشد ؟ اگر میدانستند موقع پوز دادن به‌رسام چه لباس کلفتی دربرداشتم ، بازهم ازآن حرف میساختند درهرحال حقیقت اینست که بارسام هیچگونه رابطهٔ خاصی ندارم . وی حتی دربرابر من کمترین اعتنایی نشان نداد . نمیدانم برای‌چه؟

– شاید بخاطر اینکه میدانست تو زنی شوهردار هستی .

– لن خواهش قیافه ای بخود نگیر که بگویند تازه ازکشتی نوح پائین شده ای . توبهتر میدانی مردها نسبت به زنهای جوان که بامردان میانه‌سال ازدواج میکنند ، پندار های عجیبی درسر دارند . علاقه نگر فتن لئورانس بمن باید علت دیگری داشته باشد. دلیل این بی توجهی نا زیبایی من بوده نمیتواند ، زیرامن چنانکه خودتایید میکنی به قدرکافی قشنگم .

– درهرحال امدوارم باین فکر نیفتاده باشی که اورا عاشق خودکنی ؟

گریزلدا پس ازیك لحظه ترددی که هیچ ازآن خوشم نیامد ، جوابداد :

– خیر .

ومن دوباره نیش زدم .

– زیرااوعاشق لتیس پروتیرو است .

– مس مارپل اینطور فکر نمیکند .

– ممکن است مس مارپل اشتباه کرده باشد .

اوهرگز اشتباه نمیکند. قمقمه های شایعات امثال اوکمتر دچار ضعف تشخیص میشوند .

لحظه ای خاموش ماند وبعد درحالکه چپ‌چپ بمن نگاه میکرد ، پرسید :

– توبمن اعتماد نداری، لن ؟ ولی من‌حقیقت راگفتم که بین من ولئورانس هیچ رابطه‌خاصی وجود ندارد .

حیرت زده پرسیدم : تراچه میشودگریزلدا؟ من‌همیشه بتو اعتماد کرده ام .

خنده کنان بمن نزدیک شـــده از رخسارم بوسید وبعد گفت :

– ولی کاش تومرد سختگیر و دیر باوری می بودی تانمی شد ترا زودفریب داد من هر وقت هرچه گفته ام توفورا باورکرده ای .

– این‌کاملا درست است ولی روی حرفهایی که میزنی بیشتر دقت کن عزیزم .

فراموش نکن‌که این زنها بمفهوم شوخی‌و ظرافت آشنا نیستند وهر مطلبی را جـــدی می گیرند .

– آنهافقط بیك چیز احتیاج دارند، به‌اندکی ضعف اخلاق . آنوقت درکمال خوشی وراحتی دیگر دنبال نقاط ضعیف مردم نمیروند.

اینها راگفته ازاتاق خارج شد ومنهم‌نگاهی به‌ساعت خود افگنده بسوی درشتافتم زیرا با عده‌ای قرار ملاقات داشتم .

شام چهارشنبه مثل همیشه درکلیسا نفـــر زیادی وجود نداشت . ولی همینکه از کلیسا خارج شدم خانم لسترانگ روبروی من آمد . یك لحظه هردو مترددانه دربرابر هم ساکت ماندیم . سپس من آغازبه سخن کرده گفتم :

– امیدوارم ازکلیسای کوچك ماخوشتان‌آمده باشد .

– آری . خیلی .

صدایش شیرین وآرام بود. سپس علاوه‌کرد: دیروز زنتان بخانه‌ماآمده بود. ازینکه درخانه نبودم متاسفم .

هردو باهم بیرون آمده پهلوبه پهلو قدم برداشتیم . خانهٔ اوبه کلیسا خیلی نزدیکتر ازخانه مابود . وقتی به درحیاط خانه آنهـــا نزدیك شدیم . صدازد: آیانمی خواهید داخل تشریف بیاورید ؟ ببینم آیاازتغییراتی کـــه درداخل منزل داده‌ام خوشتان می آید یاخیر؟

این دعوت راپذیرفتم . خانم لسترانگ‌خانه هارا باشیای ساده ولی باذوق‌کامل تزئیـــن کرده بود. باخودگفتم: (خانمی چون لسترانگ بچه دلیلی میتواند به د هکدهٔ دوره افـــتادهٔ (سنت ماری مید) آمده باشد ؟) در روشنایی خیره کنندهٔ اتاق پذیرایی ، برای نخستیـــن مرتبه فرصت آنرایافتم تااز نزدیك اوراتماشا کنم . زنی قامت بلند باموهای زرد مایـــل بسرخی بود وحالتی خاطره انگیز داشـــت . چشمهایش نیز زرد مینمود ومن تاآنوقـــت چشمانی به این رنگ ندیده بودم . لباسهایش شیك بود وحرکاتی موزون ومحترمانه داشـــت که اورا نموداری اززنان تربیت شده نشان میداد . ولی درهرحال اندکی اسرار آمیـــز معلوم میشد .

بااو ازموضوعات سا ده وپیش پا افتـــاده صحبت کردیم . ازقبیل کتب، وسم ها، بنا های قدیمی . اما بنظرمن خانـــم لسترانگ میخواست ازموضوعی کاملا متمایـــز از یـــن مباحث ، سرصحبت بگشاید . حتی دو دفعـــه متوجه شدم که بانگاهی آمیخته به تردید مرا ورانداز میکند وباخود می اندیشدکه : آیا با شما مطرح‌کنم ؟ نمیدانم اگر موضوع را باشما درمیان بگذارم بامن کمك میکنید یاخیر ؟

ولی قبل ازاینکه من بخواهم زمینه رامساعد کنم چنان بنظرم آمدکه او تصمیم خودرا گرفته واز طرح موضوع بامن منصرف شده اســـت وشاید هم من دراشتباه بودم وچنین مطلبـــی اصلا دربین نبود .

بالاخره ازجابرخاستم . درست موقعی کـــه ازاتاق خارج میشدم نگاهی ازروی شانه بـــه عقب خود افگندم دیدم خـــانم لسترانـــگ در حالیکه علایم تردد وتعجب از سیمایش‌پیداست مرامی نگرد. به ندای درونی خود لبیك گفته، برگشتم واو بالحنی مترددگفت : (شما خیلی خوبید ... کاش اگر میدانستم ... ولی این خیلی دشوار است . درهرحال تصور نمیکنم کسی بفکر کمك بامن برآید ولی ازاینکه شما بانگاه تان این آمادگی رانشان دادید، از تان متشکرم .

کاردیگری در آنجا نداشتم . از خانه‌خارج شدم ودرراه همینکه به مس هارتنل بر خوردم موردحملهٔ اوواقع شدم‌که میگفت : شما رادیدم وخیلی به هیجان آمدم. حتما حالا تمام‌گزارش رابرای ماخواهید گفت .

– درچه موردی ؟

«باقیدارد»





یکی از تابلو هـــای نقاشی سمیع حسیـن‌هنرمند با استعداد .

مصاحبه از: آرش

عکاسی از نصیر شاه شهید

رسامی
هنر مورد علاقه جوانان

به سلسله معرفی هنرمندان این هفته رسامی رامعرفی میداریم‌که فعلامعلم آر ت لیسته استقلال اعت ودرحدود ۲۸ سال دارد.

روزی درلیسه استقلال نمایشگاه رسامی برپابود، چون به هنرها زیادتربه هنر رسامی علاقه دارم، ازاینرو روانه سالون نما یش‌لیسه استقلال گردیدم .

آنجا، رسم‌های فشنگی‌که به شکل‌ماهرانه‌یی کشیده شده بود، به‌معرض نمایش قرارداشت درضمن تماشای رسم ها، چند تابلوی قشنگ درپهلوی دیگر تابلوهای زیبا نظرم را جلب کرد. خواستم رستامش راپیدا کنم . ازیکی ازمعلمین لیسه استقلال درینباره‌کمك خواستم، اوهم لطف نموده، رسامش راکه سمیع‌حسین نام دارد ، برایم پیدا کرده معرفی نمود .

میخواستم همانجا بااین هنرمند مصاحبه‌ای بعمل آورم، اماچون درس داشت نتوانستـم همرایش گفتگونمایم، ازاینرو روزی را برای صحبت تعیین نمودیم ، امامتاسفانه بازهـــم نتوانستم پای‌صحبتش‌قرارگیرم؟ زیرامصروفیت های درسی‌اش خیلی زیاد بود. بالاخره آدرس منزلش راازنزدش گرفتم، وقرار شد کدام‌روز جمعه درمنزل بدیدارش بروم .

روزجمعه گذشته . ساعت نه صبح روانه منزلش واقع سیاه سنگ گردیدم به‌نشانی‌که گفته بود، روان شدم. دروازه خانه راتك تك نمودم، دیدم طفل خوردسالی که شباهت تام به پدرش داشت درراباز نمود. احوال‌پدرش راگرفتم واودوان دوان واپس به درون خانه رفت . لحظه ای بعد سمیع حسین درحالیکه مویك رسامی دردستش بودنمایان گردید .

هردویما وارد اتاق کارش شدیم . اتاقش درهم وبرهم بودیکطرف مویك های رسامی، آنطرف ترتابلوهاییکه یکی بالای دیگری‌چیده شده بود آنسو، پارسل های رنگه ودرکنج اتاق سه پایه کارش درحالیکه تابلوی (شیر فروش) تحت‌کاربود، به نظر میخورد .

بدون کدام تکلف وتشریفات باهم‌نشستیم وصحبت ماکم‌کم گرمتر شده میرفت. میپرسم ازچه وقت به این هنر علاقه پیدا کردی ...؟ بدون اینکه بگذارد حرفم راتمام‌کنم، بلافاصله میگوید: ازصنف چارم مکتب به اینطرف بـه رسامی علاقه پیداکردم . کاغذ های سفید راازهرجاکه می بود، پیدامیکردم وباپنسل وزغال وحتی خودکار رسم می‌کشیدم وهم‌گاهی باکلك درروی خاکهابه رسم کشیدن شروع میکردم. موقعیکه فامیلم علاقه شدیدم رابه این هنر دیدند، مراتشویق نمودنـــد و برایم اسباب اولیه‌رسامی راکه عبارت ازکاغذ، پنسل‌وپنسل پاك است تهیه نمودند .

ـ مشوق اصلی ات‌کی رامیدانی ...؟

ـ تمام فامیلم را، امازیادترمرهون رهنمایی هاوتشویق کاکایم ښاغلی عبدالله مامورشعبه زنگوگرافی مطبعه دولتی میباشم .

– استادی هم درین رشته داری یاخیر ؟

– بلی، استادمن بناغلی غوث الدین‌رسام است که همیشه ازرهنمایی هایشان استفاده نموده‌ام وناگفته نباید بگذارم‌که بناغلی خوانی حان معلم آرت مکتب صنایع نیزمرادرین‌هنرم کمك نموده اند .

– شاگردانی هم درین رشته تاحال تربیه کرده اید یاچطور ؟

– چون هنر رسامی طرف علاقه اکثریت جوانان کشور ماست، وزیادتر میخواهنددر پهلوی دیگر هنرها، به رسامی نیزدسترسی داشته باشند . جوانان زیادی نزدم مراجعـه کرده اند تادرین رشته آنهاراکمك نمایم ، منهم تاجائیکه ازتوانم پوره بوده، ایشانـرا کمك نموده ام . خودرا استاد نمی دانـم، زیرا بمرحله استادی رسیدن کاریست دشوار ومشکل ...

– به جزء ازین هنر، آیابه کدام هنردگرهم آشنایی دارید ؟

بلی، چون تمام هنرها، یك به دیگرارتباط ناگسستنی دارد وهنرمند راخودبخودوناخودآگاه به طرف خود میکشاند ، من نتوانسته ام طور شاید وبایدبه هنرهای دیگر آشنایی کـامل پیداکنم ، اماتوانسته ام تاجایی، کمره‌عکاسی رابه گردن انداخته ، از صحنه ها،حادثه‌ها، وواقعات دلچسپ برای رسامی عکس هایی بگیرم . ونیزبه موسیقی علاقه زیاد داشته و به‌چند آله‌یی آن‌کم وبیش آشنایی دارم .

– ازکدام سبك دررسامی پیروی میکنید ؟

– به نظرمن کلاسیك بهترین سبك د ر رسامی است ومن هم درهنرم ازسبك کلاسیك استفاده می کنم .

– هنر کدام رسام کشور رامی ستاید؟

– هرهنرمندیکه بخواهد کلتور وثقافـت کشور را باپشتکار وزحمت زنده نگهـدار د احترام دارم اما بیشتربه هنررسامی استاد غوث الدین علاقه دارم وهنرش رامی ستایم.

– کدام اثر تان حایز کدام جایزه یی شده است ؟

– درحالیکه خوشحال وراضی‌به‌نظرمیرسد، متبسمانه میگوید : بلی یك اثرم در سـال ۱۳۵۳ حایز جایزه مطبوعاتی گردید ، .

– کدام اثرتان بود ؟

– تابلوی بنام (فال بین) .

– چند اثر تاحالا بوجود آورده اید ؟

– بطوردقیق نمیتوانم جوابی به این‌سوال تان بدهم !

– کدامش رابیشتر می پسندید ؟

– تمام آثارم رامی پسندم وفرقی بیـن شان قایل نیستم، اگر کـدامش را خـراب بگویم ، همین خراب‌است که خوب‌رابوجود آورده واگر یکی اش راخوب بگویم، بازهم حرأتش راندارم .

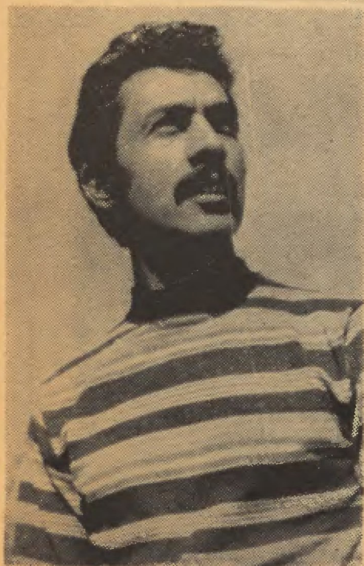
لطفا بگویید که برای پیشرفت این هنر درکشور چه عقیده دارید؟

– به عقیده من استادانیکه در این رشته پیشقدم هستند وهنرشان مورد قبول عـامه واقع گردیده، میتوانند ازطریق دایر نمـودن کورس ها، این هنررابهتر وخوبتر انکشاف دهند.تصمیم وزارت اطلاعات‌وکلتور در دایر نمودن کورس هنرهای زیباکه یك عده زیاد جوانان مادرآن مصروف فراگرفتن هنر هـای زیبا هستند نیز برای پیشرفت این هنرکمك شایانی نموده است . دایرنمو دن کـورس رسامی استاد غوث الدین هم باعث تشویق هنردوستان گردیده است.

– تابلو هایتان رامی فروشید یا همه آنها رانگه میدارید ؟

– بعضی ازآنهارامی فروشم وبعضی رانگه مبدارم . آنهاییکه بفروش میرسند، از پول آن‌مواد رسامی را تهیه مینمایم.

تابلوی که باپنسل کار شده وسیمای‌یك پیر جهان دیده را مینمایاند



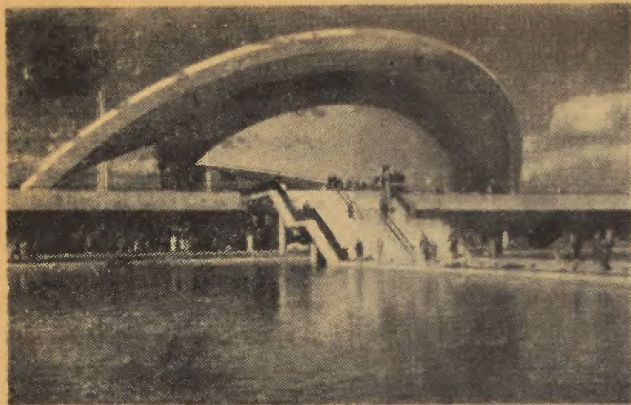
بناغلی سمیع رسام ماهر کشور

مترجم .حبیب الله حبیب فرهمند

نندار تون بین المللی برلین غربی

نندا راتون ها ممثل فر هنگ ملی نیروی صنعتی وتشبثات انفرادی و اجتماعی یك کشور است .

افغانستا ن در نندراتون بر لین غربی که ازسوم تا هفتم میزا ن ادامه می یا بد اشتراك می کند اینك مقالهراکه در مجله اشوا وز دو یچلند در خصوص نندارتون ها ی بر لین غربی نشر شده است تقدیم میکنیم .



سالون بزرگ نما یش عکاسی هاونندار تون ها

نندارتون ها ونما یشگا هها در عصری انکشاف کرده است که داشتن معلومات ووسایل ارتباط جمعی عنصر برازنده را دراقتصاد تشکیل مید هد هدف اساسی اقتصاد دریك کشور .تنها تولید نبوده بلکه فروش ، جستجوی مارکیت وبا زار یا بی جهت صدور محصول نیز اهمیت دارد .

برلین غربی یکی از شهر ها ی المان فدرال که بنام شهر نندارتون ها معروف است که می توان حوایج ونیاز مند یهای اقتصاد بین المللی را بان حساب کرد درسال ۱۹۷٤ بصورت کلی ۲٤ نمایشگا ه ،نندارتون وکانگرس به اشتراك ۹۳ کشور از تمام جهان توسط کمپنی نمایشگاه ها نندارتون ها وکانگرس ها ای ـام ـ کی) دراین شهر دایر گر دید کـــه از آن ۱ر۳ ملیون نفر منجملـــه ۱۲۰۰۰۰ کار مند فنی باز دیدبعمل آورد .

منطقه نمایشگاه برلین در سال



نمایند گان کشور های مختلفـه هنگام افتتاح نندار تون بر لین

۱۹۷۵ که سا حه ۸۸۰۰۰ متر مربع و ٤۰۰۰۰ متر مربع را در برمی گیرد دربای مینار ۱۵۰ متری رادیوی برلین که تاریخچه ۱۵۰ سالهعنعنوی ز ا دا راست .با تخنیك مدرن دا یرمی گردد ازنخستین نمیشگاه صنا یـع دستی وحرفوی که درسا ۱۸۳۲ در همین منطقه دایرشده بود تا امرو ز. تحول عظیمی درساحـه تو لیدات و تدویر نندر تون هابعمل آمده ست نندارتون بین المللی برلین در همین سال از ۲۹ اگست تا ۷سپتا مبـر دوام داشت سومین نندارتو ن بزرگ رادیو در المان بوده است .

در این نندارتون محصو لات از کشور های بلجیم دنمارك ،الما ن غرب . فنلند .فرانسه ، بریتا نیـا هانگا نگ ایر لند ،ایتا لیا ،جا پان کانادا ، جمهوریت کوریا ، هالند ، ناروی .اطریش پو لند رو ما نیا ، سویدن سویس ،سنگا پور ،هسپانیه تا یوا ن هنگری وامریکاجهت نمایشس آورده شده بود دراین نندارتو ن محصولات وتولیدا ت فابریکه ها ی تلویزیون، رادیو ، تیلفون، تیپ رکارد وسایل فرستنده غرضـ نما یشـں گذاشته شدهبودودستگاه های رادیوی تلویزیون، پوست وانستیتوت ها ی علمی در سا حات تخنیکی ووسا یل ارتباط جمعی سهم گرفته بودند.

سال اینده ۱۹۷٦ از ۲۳جنوری تا اول فبر وری نندار تون «هفتـه سبز بین المللی» بر لین که سا بقه ۵۰ساله دارد دایر می گردد در این نندان تون هاوکانگرس ها ت(ای ـام ـ واقتصاد موا د غذایی بعرض نمایش گذاشته می شود ونندار تو ن بزرگ ومهم بین المللی قا ره اروپا خواهد بود .

مشخصات عمده این نندا رتو ن همانا ارا یه معلوما ت وتو ضیحا ت فنی وعلمی وروشں های نوین تخنیکی در سا حه اقتصاد موا د غذا یـــی بشمول افزار وآلات وماشین هادایر . نمودن سینماهاکنفرانس هاوهمچنان باارزش ساختن تولیدات زراعتی در جهان خواهد بود .

در دوسال اخیر دو نندارتـــون بزرگ در شهر برلین غر بی دایر گردیده است .

که اولی آن نندارتون وا ردا ت کشور های ما ورا ی بحاراست که از ۱۲ سال بد ینسو در همین شهـر دایر می شود ودومی نندارتو ن بین المللی پا را یکسیلنس .

نندار تـون واردات کـشور هـا ی مـاورای بـحار کـه درا ن امتعـه استهلاکی .چون نساجی سا ختمانی قالین موبل تولیدات چوبی. جـر م محصولات چر می بوت صنایع دستی زیورات .سنگهای قیمتی ،محصولات آهنی شیشه ای .برقـی را بـر ی ومحصولات سپورتی بمعر ض نمایش گذاشته شده بود معلو ما تی د ر باره اقتصاد ورداتی اروپا ارا یه می داشت وبر ممالك اسیایی افریقایی وامریکا یی لاتین .فرصت می داد تـا سا ختمان وحوایج مار کـیت ها ی اروپایی را مورد مطالعه قرا ربد هند وبازار محصولات صا دراتی شا نرا راندقیق نمایند وهم قدرت صا دراتی شانرا آز مایش نمایند این نندا رـ تون در همین چند روز از ۲۵تا۲۹ سپتا مبر نیز دایر می گردد.

بقیه در صفحه ۵۱



قسمت از نندار تون بین المللی توریزم برلین غربی



دایمون گور از بلجیم .

مترجم خلیل عنایت

برندگان جایزه صلح بین المللی ۱۹۷۳-۱۹۷۴

ملیونها نفر از سرتاسر جهان امروز برای تحکیم وبقای صلح درسراسر گیتی مبارزه‌کرده وسعی برآن دارند تابشریت باردیگر تسلیم هیولای جنگ وتباهی نگردند آنچنانیکه بشر برای صلح وتامین آن می کوشند در گوشه واکناف جهان قوت های استعماری امنیت‌جهان رابه مخاطره انداخته‌وبرای بدست آوردن نفوذ اقتصادی وسیاسی خون هزاران انسان بی گناه‌رامی‌ریزند. اکنون بشرازین‌همه‌جنگ وقتل هانفرت دارد وسعی برآن دارند تا تمام افراد بشر درهرگوشه وکنار جهان بتوانند درصلح وآرامش ودور ازهمه مصائب زندگی نماید برای تحقق این آرمان مقدس مردمان وممالك صلح پسند کمیته ها وکمیسیون های زیادرا بنیان گذاشته اند تابتوانند به خلقهای جهان کمکی درینباره نمایند درلست برندگان جایزهٔ بین المللی بخاطر تحکیم صلح بین خلقها نام این سه نفر پرآوازه شد: لوئیس کارویلدن ازچلی،ژانامارتین از گاناودایمون گورازبلجیم .

بدنیست بدانیم که جایزهٔ بین المللی صلح درکدام زمان بنیان گذاری شد .

جایزهٔ بین المللی صلح بخاطر تحکیم صلح بین خلقهای جهان درسال ۱۹۶۹ بوجود آمد این جایزه‌به هرفرد از هر ملیتی‌که‌باشدقطع نظرازمفکورهٔ سیاسی، حزبی ، دینی ونژادی، تعلق گرفته میتواند .

درکمیته جلسات این جایزه شخصیت های بزرگ اجتماعی ممالك مختلف عضویت داشته که بطور دوامدار جلسات خودرا دایر مینمایند ودرهر سال برندگان این جایزه را تعیین مینمایند. البته برندگان این جوایز از جملهٔ شخصیت های برجسته اجتماعی که برای بقا وتحکیم صلح خدمت می‌کنند انتخاب شده ، همچنان موسسات اجتماعی، ملی‌ودیموکراتیك مراکزعلمی، استادان علوم، هنروکلتورنیز حق دارند مفتخربه این جایزهٔ بزرگ گردند .

ازجملهٔ شخصیت های علمی واجتماعی که تاکنون برندگان این جایزه شده‌اند میتوان از عالم شهیرفرانسوی دررشتهٔفزیك ژولیوکیوری نویسندهٔ بزرگ شوروی ایلیاایرنبورگ،مبارز وقهرمان اجتماعی فرانسه ایژن کوتن وغیره نام برد .

اززمان تاسیس این جایزه تاحال بیست و پنج سال میگذرد ۱۲۸ نفر ازپنجاه وچهار مملکت موفق به اخذ این جایزه شده اند .

که اکنون به معرفی سه نفر برندهٔ جایزه میپردازیم :

لوئیس کارویلدن : کارویلدن راکمترکسی است‌که درجهان نشناسد اوزندگی‌خودراوقف مبارزه بخاطر آزادی ودیموکراسی خلق چلی وبخاطر ارتقای وضع اجتماعی وملی ملت‌خویش نمود. باتاسیس حکومت الیندی اودربیشبرد اهداف بزرگ اجتماعی وسیاسی وطن خود خدمات زیاد نمود ودربنیان گذاری صلح بین خلقها رول فعال وبرجسته متعلق به‌نام‌اوست.

زمانی‌که حکومت الیندی درچلی بواسطهٔ کودتای نظامی ازپادرافتاد کار ویلدن به‌جزیرهٔ مرگ روسون تبعید وبعدا به زندان کشانیده شدزندگی وکارنامه های این رادمرد بزرگ نمونهٔ ارزندهٔ خدمت به خلق هاوتامین صلح بین ملت هابوده وفعلا موجودیت اودر زندان نمونهٔ بزرگ مردانگی وشهامت است .

بعداز آزادی گانا درقطار سایر شخصیت های سیاسی زنی بنام ژنا مارتین درگاناتبارز نمود. نامبرده بعداز آزادی وطن خود رهبری زنان گانا رابعهده گرفت اودر کمترین زمان شهرت فراوان یافت زمانیکه کمیته سرتاسری زنان افریقا تاسیس میشد ژنا مارتین رابه حیث سکرتر جنرال کمیته تعیین نمودند . اودوازده سال تمام درین پست خدمت کرد ودرین مدت ازهیچگونه زحمت کشی وفداکاری بخاطر ایجاد یك صلح پایدار ودوستی بین ملت های جهان وافریقا دریغ نورزید وسعی زیاد بخرچ داد تاملت های افریقا تساند و همبستگی خودرا بخاطرآزادی، صلح ومساوات تحکیم بدارند .

زندگی ژانا همواره بامبارزه بخاطر تامین حقوق زنان درسرتاسر جهان بستگی دارد در سال ۱۹۷۲ ژانابحیث نماینده دایمی‌جمهوریت گانادرملل متحدتعیین شد همچنان عهده دا ر سمت سفارت دولت خویش‌دربسیاری ازممالك نیزمیباشد اواز جمله زنان انگشت شماریست که حیات خودرا وقف تامین صلح درجهان‌نموده است اعطای این جایزه برای ژانا در سال بین‌المللی زن افتخار تاریخی دیگری از قدرتمندی زنان ازجهان بشمار میرود .

دایمون گورشخصیت اجتماعی دیگریست از اروپاکه گفته است :

(خلقهای اروپاباید نمونه بزرگ دوستی بین خلقها باشند) .

دایمون عضو کمیته بین المللی امنیت اروپا بوده ودر بسیاری‌ازجلسات تامین امنیت‌وصلح درجهان اشتراك ورزیده درکانگرس جها نی ممالك صلح دوست اوکمیسیون صلح‌وهمکاری اروپارا رهبری نمود. خدمات خستگی ناپذیر دایمون برای تامین صلح وسلم در جها ن نزدتمام ممالك صلح پسند قابل قدربلندپایه دومین اسامبلهٔ همکاری اروپا که چندی قبل دربلجیم دایرگردید دایمون مفتخر به دریافت جایزهٔ بزرگ دیگر بنام ژولیوکیوری گردید .



لوئیس کارویلدن شخصیت بزرگ اجتماعی چلی .



ژانا مارتین سیسی ازگانا .



فردریکو فللینی در حال فلم برداری

دریچه ای بسوی جهان هــنر سینما

ترجمه : ر هپو

فردریکو فللینی، جادوگر هنر سینما

کارگردان ستبروتنومند میگا فـو ن را نزدیکش می آورد و بر عینك یك چشمی که شیشه سیاه دارد و از

درون آ ن صحنه های فلم به خوبی دیده میشود و دارای ز نجیر طلایی بوده بگر دنش که بدور آن یـخن

بازی افتاده است ، آ ویزان میباشد انگشت می‌زند . بعد بی صبرا نـه راهش را از بین چراغ های نوری و

آلات صدا بر دار بسوی مرد موش چهره‌ای که بتازگی او را از خیابان های نا پل کشف کرده تا در فلم

تازه اش نقشی بازی کند، میگشاید ودرحالیکه دستش را روی شا نهٔ او می گذارد می پرسد :

« گاهی بزندان افتاده‌ای؟ » و با این کلمات دانه های عرق را که از شیار های موی های خاکستری اش پائین روی پیشانیش راه میکشد، دستش پاك میکند مرد جوا ب بد هد « بلی » کار گردان سپس‌به آرامی میگو ید « پس‌مانند زندانبانت حرکت کن»بااین گفته خودش راه می‌رود و به او هنر اکت کردن را می آموزد .

بالاخره باراضی شدن از « راه رفتن زندانبان » به هنرمند شو قی یاد میدهد که نور چراغ را چنا ن تعقیب کند که بـه سر و چشمش حرکت درست بدهد وبعد از تقریبا چهارساعت تلاش از این مردتازه‌کار هنر مند می سازد . اینگو نه ا ست کار مشکل و طاقت فر سای‌رو زانه فر دریکو فلیلنی که او را «جادوگر» جهان سینما می خوا نند .

او پس از اتمام فلم پر آوازه و معروف « امار کورد » کـه‌برایش چندین جایزه همراه باشهرت ببار آورد ، اکنون بار دیگر این جادوگر سینما مشغول تهیه فلم ده ملیو ن دالری است که تصویر تمام نما ی يك آدم هر زه و فاسد قرن‌هژد هم بنام « کازا نوا » می‌باشد .

باشگفتی هر چه تما متر کازانوا فلمی است که تا همین اواخر د ر موردش خبری درز نکرد. فللینی‌با شیطنت ادعا می کند که اند یشه ساختن این فلم چندین سال پیش‌از صحبت يك نامه نگاری بذهنم آمد. ولی وقتیکه تهیه آن تثبیت شـد بسیاری از تهیه کنند گان‌ازپذیرفتن آن سر باز ز دند تا اینکه ا لبر تو گریمالدی تهیه کننده فلم« آخرین تانگو در پاریس » حاضر شد تااین خطر را بپذیرد . و لی فقط ده روز پیش از آغاز فلم برداری ،تکنیشن های سینمای ایتالیا تهدید کر دند که بخاطر بلند بردن دستمزد شان کار تهیه فلم را برهم بز نند. بـا نجات از این بحران ، فلم ا کنون در استدیوی سینسیتای روم در حال تهیه است و بابازی دو نالدسترلند با نقش های اول در فلم های «رم» ا ، اس ، اچ » ، « کلوت » و«اکنون نبین » فلم کا زا نوا یکی ازپرآوازه ترین طرح ها در سا ل های ا خیر می باشد . بعد از فلم « امار کورد» بسیاری منقدان سینمایی ا حسا س کردند که هنرفللینی در مر حلـه بلوغ و رشدش رسیده و خـو د فللینی بشد ت منتظر رسیدن ر وز تهیه این‌فلم بود. باوجودیکه‌داستان فلم با شد ت پنهان نگه دا شتـه شده است ز یرا خود فلم درخزان ۱۹۷٦ ببازار می آید ، گفته شده‌که داستان آن یکی از مهمترین حوادث سینمایی بحساب خوا هد رفت .

واین مطلب با خود د لا یلی هم دارد . از همان آغاز در آن‌روبر تو رو سیللنی سنار یو نو یس‌معروف که در فلم « شهر رو بـاز» سا ل ۱۹٤٥ سخت در خشیـد و خـود فللینی نقش مهم دارند . فللینـی نشان داد که یکی از چهره هـای سترگ در تاریخ هنر پرنشیب‌وفراز سینما می باشد . کار های‌او بـا کف ز دنها در نیو یارك و تو کیو وهمچنان در روم رو برو شده‌است فلم هایش ٤ جا یزه اکا دمی هالیود، جایزه بزرگ کان ، جا یزه انتقاد گران فلم نیو یارك را ر بوده‌است.

در ایتالیا او معروف تر از هـر سیاستمداری است و منبع عـظیم هنر ملی بحساب می آید . و حتی بزرگترین ر قبایش در ساحه کار ـ گردانی می‌دانندکه فللینی‌مردديگری است انگمار بر گمن سو يد نـی میگوید :

« من نمی دانم که این جادوگری هارا از کجا میکند . من‌کمی نسبت به او رشك احساس می کنم اوبمن رویا می بخشد و لی بگونه او نمی‌ـ توانم فلم بسازم . وسایل آ ن را ندارم . »

محل اقامت این کار گـر دا ن بزرگ بخشی از شهر سا حـلی ریمنی می باشد که‌در سا حـل ادریا تتيك واقع بوده و ٥٥ سا ل پیش در آنجا تو لد گردید.

اوپسر يك فرو شنده بود وو ران مکتب را به‌تنبلی گذ رانده بیشتر پول جیبی اش را مصرف د یـدن فلم ها و هنر مندان محلی می کرد . این شوق به اندازه شدید بود کـه بسن ۱۲ سالگی از خانه گر یخـت تا به سر کس بپیو ندند وازاین‌کار نه برادر بزرگش و نه دیگررفقایش اطلاع حاصل کردند .

بقیه در صفحه ٥٦



فللینی در استد یوی فلمبر داری



صحنه ای از فلم «امارکورد»



مستر لند هنرمند وفللینی کاگردان فلم کازنو



ازیاد داشت های یك خبر نگارزن

ترجمه :داود زهدی

دردانا وارنچ
شهرساحلی برازیل

سا حل «رید، اندوارت» که‌بـــا اندازه هشت‌صد فت ازسطح بحـر بلند می باشد در اطراف دریـــای «ستا نلی براك» مو قعیت دارد ،من درپایان مسا فرت خود که به«دانا- ورنچ» واقع در برازیل نمـــو دم ازساحل رید، اند، وات نیز دیدن کردم «دانا ورنچ» ۲۵۰۰ میل مر بع مسا حت دارد وازنگاه مالداری و- داشتن گاو یکی از مهمترین‌مناطق جهان بشمار میرود چندهفته رادرین منطقه سر سبز وزیبا سپری کردم وازنقاط مختلف آن دیدم کردم رسم ورواج های مختلف مردمان این‌ناحیه راکه باعنعنا ت وعادات مردمـــان مناطق دنیا مغا یرت دارد از نزدیك تماشا نمودم اضافه ازسه هفته از «کریب بین» هم دیدن کردم زمانیکه به «جورج تون» رفتـــم بایکـــی از اشخاص که‌در مهربانی ومهمانوازی مثل ومانند نداشت ومن درزند گیم بچنین انسانی ازخود گذر ووفادار برخورد نکرده بودم آشنا شدم او «سنتلی بروك» نام داشت واز جمله اشخاص بودکه حیوانات وحشـــی زیادی داشت وی حیوانات وحشی‌را درکنار پرورشگاه گله های گاو و سایرحیوانات اهلی خود جمع نموده بود ونگهداری میکرد من در پلهوی گله های گاو های او پلنگ، یـــوز امریکایی، آهو ،خوك خرطوم دار،- شادی وغیره حیوانات وحشی را- تماشا کردم.

«سنتلی بروك» در مد ت اقا متم درآنجا همیشه با من بـــود ومــــرا رهنمایی میکرد وموا ظبم بود تـــا حیوانات وحشی آنجا آسیبی بمـــن نرساند، من مدیون کمك های ایـــن انسان مهر بان هستم ایـــن مـــــرد بزر گوار یگانه کسی بـــود در آن محل حیوا نا ت وحشی بز رگ و زیادی رابا شیوه خا صی نگهداری میکرد ودیگران بقدر او حیوا ن‌درنده نداشتند بروك در همان بر خور د نخست ازمن خواهش نمود که تـــا زمانی که‌در «رنچ» می باشم مهما ن اوباشم من خواهش اورا بکمـــا ل علاقه پذیر فتم واو مرا بر فقـــا و- نزدیکان خودمعرفی کرد .

من هر گز نمی توانم نیکی ها- مهربانی ها مهما نوازی هاوفداکاری های راکه این مرد بزرگ در حـــق من روا داشته است فراموش نماییم هیچگاه آن خاطره های نیك ومملـــو از صمیمیت خاطرم دور نخوا هـــد شد.

واقعا این سفر من خیلی دلچسپ وقابل وصف است یکی ازآن چیزها که ازاین سفر من قابل یاد آور ی است همانا ملا قات من با ستتنلـــی است زیرا ماباید افتخار کنیم‌وبخود بیایم که هنوز ماشین انســـان و انسانیت رانکشته ودنیای ماشینی بشر یت وانسا ندو ستی رادر همه نقاط جهان ازبین نبرده ودر زیـــر آسمان بزرگ‌و آبی ودر روی کره زمین زیبا هنوز انسا نهای زیست می نمایند که‌ارزش انسانیـــت و صمیمیت وایثار ودیگر دوستی بیش ازهر چیزدیگر دانسته ودر جهان از محبت وخو ش نظری وخیر رسا نی بسر می بر ند اینها گلهای عطرانگیز این دنیای پر آشوب هستنـــد وراه بهتر زیستن وبا عصاب آرام زندگی کردن شاد مان بسر بردن را نیکـــو تشخیص داده اند من به‌هر جا یی‌که میرفتم این مرد بامن‌بود وزند گی‌ام رابیمه کرده بود ومرا از شـــــر حیوانات درنده نجات میداد هر جـــا که میرفتم بالبان خندان همرا هی‌ام میکرد ویك گروپ بیست نفری از معاش خواران اودنبالم می آمدند و بکس سفری واشیا یم را حمل می کردند ومجددا بخانه بروك رهنمایی ام می نمو دند،

این گروه بیست نفری نیز چون بروك مردمان مهمان نواز وشجا ع بودند وهمیشه وسایل خوشی و- سر گرمی مرافراهم می ساختند و خاطرم راآرام نگه میداشتند .

زمانیکه به منطقه «ویپیسیانـــا» رخت سفر کشیدم ستنا تلی بـــا من بود اوبجلو حر کت میکرد ومـــن عقب اوراه می پیمودم همین کـــه‌دم دروازه کلبه چوبی سنتانلی رسیدیم ستنا نلی بمن گفت که«چوچو»بگویم من، چو، گفتم وهنوز لحظه ای از چو چو گفتنم نگذشته بود که غر ش بگو شم‌رسیدوترس ووحشت عجیبی سراپایم را بخود پیچیده این صـــدا آهسته‌آهسته‌وحشت‌انگیز ترگردیدوبه «خر خر» تبدیل شد وقتی بمقا بلم نظرافگندم‌دیدم‌پلنلگ بزرگی‌بسویم‌می آید این پلنگ که خال های سفیدی درپشت داشت وقتی پلنگ مذ کور بمن نزدیك شد روی دوپا ایستادو بشور دادن‌وپیـــــچ‌وتا ب داد ن‌دم خودپرداخت پلتنگ‌موصوف غضبناك بروی من ایستاده بود وغر غر میکرد وخیلی عصبا نی معلوم میشد وچنان می نما یاند که مراشکار لذ ت‌بخشی دریافته است، من بخود می لر زیدم ورگهایم راسست وخود را بیحر کت



نویسنده این مقاله در حا لیکـه‌چوچه پلنگ خالدار راباخود دارد

می یافتم خون دروجودم ازترس‌زیاد به‌بسیار کندی وآهستگی جر یا ن می کرد، اعصا بم بکلی فلج گردیده بود،،

اما سنتانلی مرا ازشر آن در نده وحشت آور نجات داد دربین من و- پلنگ قرار گر فت ووقتی پلنگ‌اورا دید چون گربه‌ای در پشت درختــی خودرا عقب کشید مگر باز هم بانگاه های خیره کننده وعصبا نیت کا مل متوجه ام‌بوددرین وقت سنتا نلی که مرا حمایت میکرد درباره این‌تصادف برایم تو ضیحات داده گفت:

«این حیوانا ت از چو چو» گفتن عصبا نی میشوند وبر آشفته ،،،و بمجر دیکه این کلمه هارا از کســی بسنو ند بالای او حمله می کننــدو خونش را می ریزند وتا آنگا هی که وی‌را پاره‌پاره نسازندازسر اودست بر نمیدارند اما چون‌به من صمیمیت واخلا ص دارندترابامن یافت بالایت حمله نکرد» وعلاوه کرده گفت:

این حیوان ۱۸ماه‌عمر داردمادرش راچندی قبل یکی‌از نهنگ هابزرگ وعظیم الجسه که درهمین حصه‌های امریکای جنو بی یافت میشود ازبین برده‌است،

بعدسنتانلی‌آن مرد دلیر مرا بــه «لیمو» که‌یکنوع حیوان منطقه‌مذ کور



خبر نگار مجله شی در میان افرادستنلی

است آشنا سا خت گر چه من قبلا راجع به لیمو مطالعاتی داشتم امــا این مر کسی بود که‌وسیله آشنایی بیشتر من بالیمو گردید وازنزدیک این مرد کسی بود که‌وسیله آشنایی ازخانه جنگلی سنتا نلی برآمدیم او همینکه نام پلنگ رابزبان رانــد بزودی نزدش آمد وسر تعظیم‌مقابل او فرود آورد من در تعجب فرورفتم وباخود گفتم که‌این حیوان، چطـور بیک‌نام گر فتن نزداوآمد اماسنتانلی گفت:

«این پلنگ ازدر خت بزر گی که ازما فاصله زیادی داردآمده اســت سنتانلی باری دیگر نام شیری را- باآواز بلند گر فت وهنوز دقیقه ای نگذشته بود که گروپی از شیرا ن قوی هیکل وبا وقارو خو ش اندام مقابل ماحاضر شدند واحترام کردند من از دیدن آن حیوانات وحشی واز احترا می که به‌سنتانلی کردنــد بحیرت فرو رفتم زیرا هر گز تصور نمی کردم که آن‌حیوا نات درنده‌با این همه اخلاق وارادت بیایبند وجلو انسانی سر اخلاص واطا عت فـرود آوردند ،

بقیه در ص ٥٦

نو یسنده در حال اسب سواری‌در انچ

ستاره گان افسانه ساز

مترجم : مهدی دعاگوی

حقایقی از لابلای افسانه های بافته شده:

آنچه که عدهٔ ازمردم برحسب عادت ویا بر اقتضای شرا یط عصر و زندگی یا از روی پیروی های اجباری ویا ازروی ریاو تظاهر پزیرفته اند وپیروی می‌کنند.

باید سینما سازان امرو زی صداقت وشهامت لازم را جستجو نمایند تا در آزای آن اصالت هنر اصیل وخدمات ارزشمندا نه هنر مندان باوفای سینما زایل و دستخوش نشود.

این ستاره احسا ساتی و با استعداد که صاحب کفایت ودرایت خاصی بوده ودر هنر تمثیل هم صاحب اهلیت شناخته شده اخیرا از اشتباه بزرگ خود، خود رامورد شماتت قرار داده و بصورت مجرد ومخاطب علیه کسی حرف نمیز ند که متاسفانه دراین موضوع هم قضاوت مشبوه دیگران او را بدرقه میکند وآنرا معلول علاقمندی و ی



زینت امان از این رویداد متاثر نیست.

زینت امان بازیگر بنام رسیده سینمای اهند که تحصیلات خود را درامریکا بپایان رسانیده وقبل‌ازارود بجهان فلم وسینما دربین یک‌تعداد زیاد کاندید های زیبائی در (فلپین) لقب (دوشیزه آسیا)را حا صل نموده هنر مندیست پرشور و صاحب احساسات تند آتشین که بجدیت گفت:

بعقیدهٔ او نو پردازان سینما ی هند گرفتار بدعت های تهوع آوری شده اند که پیکرسالم هنر راجریحه دار ساخته اند وازهمین رو سینمای هند محکوم ابتذال گردیده است .

امروز عده‌ازسازندگان‌فلم‌وهنرپیشگان پذیرفته اند که سینما فقط وظیفه نوازش چشم هارا دارد و با اتکا باین فرضیهٔ نادرست پیرامون منافع پول در تلاش وستیزاند در ـ حالیکه باید قبول نمایند که سینما در شرایط امروز برای مردم هند حکم فریاد های اعترا ض آلوده را دارد .البته منظور ما از فریاد اعتراض آلوده همان فریاد ها یست که دیگران حتی مجال فکر کرد ن بان را ندارند.

باید سینمای هند نیشخند های زهر آگینی باخود داشته باشد بر



(زانده) که دیوانند برای خوداورا هیروی پول آور احساس نکرد ولی اوثابت کرد که ستاره خو بی‌است چنانچه بعد از شکست ها ی پی دری سرانجام در فلم(پربها ن)جایزهٔ بزرگی را بدست آورد.



آخرین فلم دیوانند وزینت اما ن(دارلینگ دارلینگ) نام دارد که بموفقیت همراه نبود .



دیوآنند احساس می کند کـــه‌در پهلو ی هیمامالنی خوبتر میتواند نیات ومقاصد مادی خود را تا مین‌نماید.

نسبت بان هنرپیشه که‌عده‌یی‌مسبب اصلی ترقی زینت میدانند خوانده اند.(

این هنرپیشه «دیوانند» است که ازفیض استعداد برادر دانشمند خود «چنین آنند»عنوان سناریست و – دائرکتر را حاصل نموده ودر پرتو همکاری های فاضلانهٔ وی موفقیت های هم دراین دایره ها کما یـــی نموده است.

مبصران را عقیده براین است که موفقیت های سالهای اخیر زندگی هنری دیوانند مرهون حسن ،زیبائی واستعداد زینت‌امان‌بوده واوباپیروی از شیوهٔ اعتیادی خود توانست گام های بزرگی‌بسوی‌شهرت وافتخارات معنوی ومادی بگذارد «هری راماهری کرشنا» بهترین نمونه بهره برداری های دیوانند است که بحث آن‌طویل است وشاید عده زیادی ازخوانندگان بچگونگی آن اطلاع داشته باشند .اما اینگونه حرکات نفع‌آورده واستفا ده جویانه در زندگی دیوانند تازگـی ندارد زیرا بیست وهفت بهـــار زندگی را عقب گزارده بود که وارد جهان سینما وحلقهٔ ستار گان شد

اوبیك حقیقت پی‌برده وآن اینکـه درپهلوی شهرت یافتگان بهتر می تواند راه را درذهن وحوزهٔ پزیرش مردم برای خود باز نماید از اینرو در آغاز مرحله در سایهٔ شهـــر ت «ثریا» که‌یکی از ستار گان مشهو ر بوده و آواز خوان پسندیده مـــردم بود قدم پیش نهاد.

«دیوانند» باعر ضه‌فلم‌های متعدد ی بهم بازی ثریا بسوی شهـرت راه افتاد ،شایعات واخبـار مـو ضو ع گرم روز ازدواج آن زوج هنری را میخواندند اما بعدا معلوم شد کــه دیوانند با ثریا تظاهر بیـك عشق بی‌زیای آتشین نموده ودراین دایر ه او را بقدری داغ کرده بود کـــه جدائی وافتراق او را ثریا یك درد جانگاه ومرگ آفرین خواند ولـــی برای خود دیوانند فقط یك باز ی ساده بود بعد از ختم ما جرای‌ثریا دیوانند بگیر عشق «کلپنا» آمد .ـ چندین فلم باشرکت‌هم ببازارعرضه کردند ولی چون (کلپنا) دخترزرنگ وبا هوش بود بدون اینکه پاگیـــر عشق شود نردبان ترقی رامیپیمود که چون نیرنگ های دیوانند در بدام افگندن او جای رانگرفـــت از اینرو ترجیح داد با او عروسی کند که اینموضوع عملی شد وباینطریق زندگی هنری (کلپنا) بپایان رسید.

دیوانند مدتی در گمنامی مانـــد تاآنکه وحیده رحمان راوسیله قرار داد .وحید ه‌رحمان در فلم«گا ئیـد» بااو یکجا ظاهر شد وبقدری‌درخشید که یکبار دیگر دیوانند بمقام بلندی رسید فلم برندهٔ جایزه شمنا ختـــه شد ،خودش جایزه گرفت ودیوانند فراموش شده در اذهان احیا شد.

مدتی این وتیره ادامه داشت تـا آنکه درفلم (پریم پجاری) دیوانند عمدا وحیده رحمان راقربان «زائده» نمود این موضوع هم درپردهٔ سکوت نماند وافسانه سازی هایی در مورد صورت گرفت که نتیجه آن بـــر



زینت امان نمیخواست دیگرپابندمشوره های دیوانند باشد از اینرو بادیگر هنرپیشه ها بروی پردهٔ فلم‌ظاهر میشود «اجنبی» یکی از فلم هایست که‌زینت مقابل راجیش‌کهنه‌هنرنمایی میکند.

افروختگی وحیده رحمان بود ، چون دیگر برای دیوانند وحیده رحمانی موجود نبود بناء به زائده پناه‌آورد تاآنکه فلم(گیمبلر) ثابت کرد کـه دیوانند نمیتواند ازاو بحیث یـك حربه پول آور استغاثه نما یـــد از اینرو (زائده) را باهمه وعده ها ی که‌باو داده بود ریا کارا نـه ترک نمود تازمان تهیه فلم (هری را ماو هری کرشنا) دراین فلم بوضو ح

بقیه در صفحه ٥١

دمنت بار ژباړه

يوعشقي او پوليسي داستان

جونز او شليت

«جونز» په‌وار خطا یی سره‌دخپلی کوټی دروازه خلا صه کړه کو ټی ته ننوت دتیلفون غوږ یی پورته‌کړ اودیوه هوټل نومره یی ډایله کړه اوفر مایش یی ورکړ چه‌یوبوتل شربت ورته راوړی داهم دمیز په خنګ کښی ودرید څو لحظی نه‌وی تیری شوی چه‌دروازه ټکول شوه «جونز»ورته دننو تو اجازه ورکړه‌یو نفر چه‌د هو ټل دپیش خدمت کا لی یی اغو ستی و کوټی ته ورننو ت دشر بت بوتل یی دمیزپه‌سر ورته کښښیوده‌بیا یی وویل:

ـنور څه امر او خدمت ؟

جونز خپل جیب ته لاس کړ یو دالریی دجیب راوایست اوپیش‌خدمت ته‌یی وویل

ـداهم ستا انعام .څه خوښا نه اوسی دعا راته کوه!

ـپیش خدمت د«جونز» شلیدلو حاموته وکتل بیایی ورته وویل:

ـکومه کوټه درباندی رالویدلی ؟ اوکه کوم بل کار شوی دی. له‌جامو نه‌خو دی داسی‌معلو میږی چه‌دکومی خرابی نه‌را وتلی یی؟

جونز په تعجب ورته وکتل اوویی ویل:

کومه کوټه لو یدلی ؟

کوم تاوان او خساره خو به‌یی‌چا نه‌ وی رسولی.

پیش خدمت سر وخو ځاوه اوویی ویل.

ـهو: «ویکی» هغه ودانی چه‌د «سیګون»په جنو بی لویدیځه بر خه کښی واقع دی دپلا ستیکی بمو نو په‌واسطه خراب شوی دی، دڅه سکوت وروسته یی خبرو ته داسی دوام ورکړ .

ـعجب چه تاسی لاددغی لو یی پیښی نه هیڅ خبر نه یاست.

«جونز» په قهر جنه لهجه ورته وویل:

ـهو، زه په دی برخه کښی کومه اطلاع نه‌لرم داځکه چه زه په‌بل ځای کښی ستاسی ددښمنانو سره په جګړه بخت وم.

نوموړی بیا هم‌خپل سر وخوځاوه اوویی ویل:

ـآه ښاغلیه باور کړه چه زه هم نور ددغه راز جنګ اوجګړو نه‌زیات ستړی شوی‌یم تر څو به مونږ له دغه‌راز وحشتناکو وهمو سره‌مخامخ یو.اوتر څو به‌ددی ویره راسره وی چه‌کله کورته څو اووایو چه زمونږ ماشومان ژوندی دی‌اوکه وژل شوی دی!

مونږ ټول دغی وضعی مر ګ ته رسولی یو.

جونز» دده خبری پری کړی او ویی پو ښتل:

ـپه دغه ورځینی چاودنه کښی څوك وژل شوی اوکه نه؟

سړی ویل،

ـدهغه‌خبر له مخی څو دقیقی مخکښی رادیو خپورکړ داسی معلو- میږی چه دینځو تنو مړی یی ترینه راایستلی دی.

«جونز» دځان سره وویل:زه‌دی‌ته موظف شوی یم چه‌ددغه راز حوادثو مخه ونیسم سره ددی چه زه دلته حاضریم بیابمو نه واریږی اوآبادی ورانیږی.

ده رښتیا ویل- اوباید چه هر څومره ژرچی وران کاران نیو لی‌وای خوداچه دده دلاسه هیڅ نه‌ؤپوره نو مربوط آمر هم ور باندی اطمینان نه درلود اودغه راز مهمی وظیفی یی ورته نه‌سپا رلی خودده وظیفه داوه چه‌په دغه پیښه کښی‌یی خپل فعالیت معلوم کړی وای خو بیا یی هم مخ پیش خد مت نه راوګر ځاوه اوورته یی وویل:

ـډیره ښه ده ګرانه دوسته داچه په زړه پوری اطلا عات دی راته په برخه کړل درته‌یوه دنیا کوروداني وایم زه نور کار درسره نه‌لرم نه کولی شی چه خپل کار ته لاړ شی.

نوموړی دیو لنډ تعظیم اواحترام نه‌وروسته د«جونز» دکو ټی نه‌ووت جونز څو ګیلا سه شر بت پرله‌پسی ډول وڅښل په چو کی باندی‌پریوت اوبی غمه ویده شو.

ـ«جونز» نه پوهیده چه څو مره وخت ویده شوی دی چه‌په نا څاپی توګه ددروازی درزهاردخوب نه‌راپور ته کړ، په‌وار خطا یی سره دځای نه پورته شو اوخپله وسله یی دمیز دسر نه راواخستله ،ددروازی په مخ کښی ودریده دټوپك په ماشی یی ګوته کښیښوده‌اوویی ویل:

ـڅوك یی ته رانژ دی شه؟

دروازه خلا صه شوه اویوه ښځه چه«ریل‌بین فو»نومیده اودثبت فیته ورسره وه‌په غم جنه څیره د«جون» کوټی ته‌ورننو ته، خوداچه جو نز یی‌دواسلی سره یو ځای ولیدنو په ویره کښی شو اوشا نه یی ودرید.

ـ«جونز» په داسی حال کښی چه وسله یی‌په لاس کښی وه‌په مسکا سره ورته وویل:

ـآه ..سلام،، راځه،، هیله کوم. اودروازه په ځان پسی وتړه دښځی ترس اوویره لږ څه کمه شوه اود جونز څنګ ته‌ورغله اوورته یی وویل:

داسی ښکاری چه‌دچا انتظاردی درلوده ځکه ورته وسله‌وال ناست‌یی

ـ«جونز »ورته‌دکښیناستلو اجازه ورکړه اوویی ویل:

ـنه‌نه ، زه ویده وم خو کله چه می‌ددروازی اواز واوریده نوما فکر کاوه چه څوك زما دمرګ په‌نیت را روان شوی دی نوځکه می ټوپك په لاس کښی واخیسته رښتیا نه خوبه زمایه مرګ پسی نه‌وی راغلی؟

ـښځه پر چو کی کښینا ستله‌او په‌ویر جنه لهجه یی‌ورته وویل:

ـنه‌نه غوږ ونیسه چه زه در ته څه‌وایم غواړی چه دښمن می‌ووژ نی اوزه ددی دپاره دلته راغلم چه‌دخپلی پخوانی وعدی سره سم راسره مرسته وکړی.

جونز ورته یو ګیلاس شر بت په مخ کښی کښیښوده اوویی ویل:

ـته دغه شربت‌وڅښه چه اعصاب دی‌په ځای شی بیابه درته ثابته شی چه‌زه تر ینه په غذاب شوی یم.

ـښځی ګیلا س په‌سر واړاوه او بیا د«جونز» شلیدلو کالیو ته متو جه غوندی شوه ترینه یی پوښتنه وکړه.

داولی لګه چه ته‌هم هغوی بندی کړی وی؟

جونز خپله پیښه په‌بلی بیښی باندی واړوله اوویی ویل:

ـهو څنګه چه‌فکر کوی همداسی ده خوما په‌خپل مهارت سره دومره وکو لی‌شول چه‌ددوی دشومومنګولو نه‌ځان خلا ص کړم‌اودغی خو نړی ماجرا ته‌په‌پای ورکړم.

ښځی وویل.

ـته دومره امید واری لری؟

«جونز» په داسی حال کښی چه‌د چوکی نه‌پورته کیده ځواب ورکړ.

ـهو ټول جنایت کاران اوس‌زما په لاس کښی دی اوکله چه‌د حمام خواته تللو نو خپلو خبرو ته یی داسی دوام ورکړ .

ـدلته ته‌هم اوسه زه یوځل حمام ته ځم بیرته ژر راګرځم.

ښځی څه‌ونه ویل خو په خپل ځای باندی باقی پاتی شو ه.

«جونز» خپل ټوپك دځان سره حمام ته‌دننه کړ اوپه حمام کښی‌یی په‌یو میخ باندی وځړاوه دحمام نه وروسته یی خپل‌پاك کالی واغوستل اودښځی په لور روان شو، په څنګ کی‌ورسره کیښنا ست په داسی حال کښی چه‌د هغی په ښکلو وینښتا نو یی‌لاس تیراوه داسی یی ورته وویل:

ـښه ګرا نی! اوس ووایه زه‌څه راز مرسته درسره کولی شم.

ښځه ورنژدی شوه او ورته یی وویل:

ـنن راته اطلا ع ورسید له «چیو فونك» غواړی چه ماووژنی دا ځکه چه هغه ته معلو مه شوی ده‌چه دهغه راز ټول ماتا ته ویلی دی.

«جونز»دډاډ په‌توګه‌خپلی شونډی ددغی ښکلی ښځی په‌شو نډوباندی کښیښو دلی‌او ورته یی ووېل:

ـنه اوس زما په اختیار کښې بې اودا به‌ډیره سخته وی چه څوك دی پتا باندی ظلم وکړی اویادی ستا غوندی ګلا لی نجلی ووژنی.

ښځه له ځای نه‌پورته شوه اوپه ډیری خو شا لی سره خپل لاسونه «جونز» دغاړی نه‌تاوو کړل‌اوداسی یی‌ورته وویل:

ـآه جونز ته څومره ښه ځوان یی.

جونز په شوخی‌سره ورته وویل.

ـنه‌هم ډیره ښکلی نجلی یی.

ـښځی په‌داسی حال کښی چه شین لنډ کمیس یی اغو ستی وډیره ښکلی ښکاریدله چه هرلیدو نکی یی په لړزه راوسته دکمیس لاندی یی یوسور سینه بند تړلی و`او نوره‌تو له لوڅه وه.

ـښځی په خپل مهارت سره‌خپل لوڅ اندام د جونز خواته وروړاندی کړ

«جونز» په مسکا سره ورته‌وویل:

ـداظلم نه‌دی چه دغه خدایی‌ښکلا ښه پاتی شی؟

ښځی دده‌نه‌دوه برابره ځــا ن هیجا نی لیده نو ورته یی وویل:

ـآه جونزه زیاته مینه درسره‌لرم زه وعده درکوم چه تمام عمر به در سره یم، اوحتی‌دجګړو په سختــو شرایطو کښی به‌دی زخمونه ګنډم اوخوله به‌درکوم..

جونز بیاهم ځانته رانژ دی کړه اوورته یی ویل.

ـزه له‌تانه ځان نه‌شم جلا کولی.

ښځی په‌ناز او کرشمی سره ورته وویل:

ـولی څودقیقی مخکښی دی‌وویل چه نن شپه هغه ټاپو ته ځی جونز ورته یی وویل.

ـاوس ددی وخت نه‌دی زما نه! ستا په‌څنګ کښی هرڅه هیر شوی دی‌اوته‌یی‌هم‌هیر کړه راځه ګرانی...

«جونز» ښه‌پوهیده چه نوی نقشه باید ډیره مهمه وی چه هغوی ور- باندی جلسی جوړی کړی او غونډی یی کړی وی اوپه د هم‌پوهیده چــه ددوی په‌ډله‌کښی‌یوتن نه‌د جاسوسی وظیفه هم ورکړ شوی‌ده دهغـــو خیړنو نه‌چه لاس ته‌راغلی وی دا- ثابته شوه چه ددوی آمر په «ویتنام» کښی مرکز لری.

نو ددی لوی قوت به‌داوی چه په هر ترتیب کیږی باید هغه له‌ویتنام نه‌وباسی په‌دی خبره لاڅوك دومره‌نه پوهیده چه هغه دی په‌ویتنا میانوکی نفوذ پیداکړی اودا هغه سوا لو نه ووچه تراوسه یوری لاچا ځواب نه وورکړی.

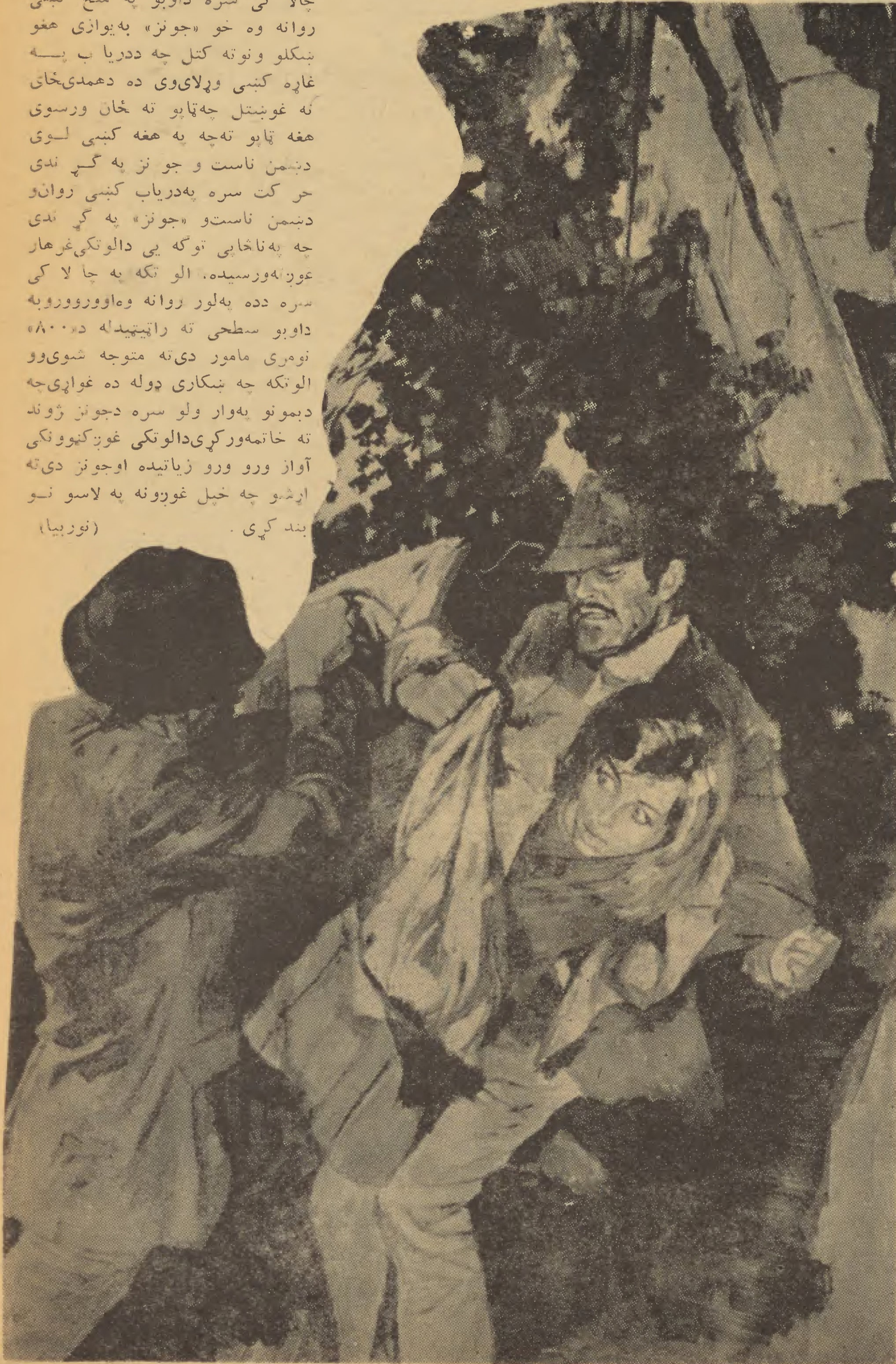
هر څوك چه وو خوډیر زرنګ خلك وو دائکه چه‌دوی به ډیر ی جلسی کولی

اصلا جونز هم له همدی امله‌دلته راغلی وو چه نوموړی آمر ونیسی‌او په خیله سزا باندی یی‌ورسوی.

«جونز» په دی پوهیده چه ددوی آمر په‌یوه ټاپو کښی دنقشی دعملی کولو دپاره مرکزیت لری حو داچه په ټاپو کښی تګ راتګ بی‌دکومی بیړی نه‌امکان وړ نه‌ونود بیړی د- برابرولو په فکر کښی شو چه په ډیری اسانی یی لاس ته‌راوړله پــه داسی حال کښی چه خپل ټوپك یی غوړ کړی وپه‌بیړی کښی کښیناست اود بیړی ماشین یی په‌کار واچاوه‌او دټاپو په‌لور روان شو.

دغه ورځ «جونز» یولنډ کمیس‌په ځان کړی وودکاش کمر بندیی د- مرمیو نه ډك وداسی معلو میده چه‌د یوی لویی جګړی په‌لوری روان دی‌که څه هم دده ماموریت دلویی جګړ ی نه‌کم‌نه‌وه خوبیا هم‌د «جونز» سـره کومه ویره نه‌وه ملګری بیړی پــه چالا کی سره داوبو په منځ کښی روانه وه خو «جونز» به‌یوازی هغو ښکلو ونوته کتل چه ددریا ب پــه غاړه کښی ولاړی‌وی ده دهمدی‌ځای نه غوښتل چه‌ټاپو ته ځان ورسوی هغه ټاپو ته‌چه په هغه کښی لــوی دښمن ناست و جو نز په ګــړ ندی حر کت سره په‌دریاب کښی روان‌و دښمن ناست‌و «جونز» په ګړ ندی چه په‌ناڅاپی توګه یی دالوتکی‌غرهار غوږ نه‌ورسیده، الو تکه په چا لا کی سره دده په‌لور روانه وه‌اوورووروبه داوبو سطحی ته راټیټیدله د«۸۰۰» نومړی مامور دی‌ته متوجه شوی‌وو الوتکه چه ښکاری ډوله ده غواړی‌چه دبمونو په‌وار ولو سره دجونز ژوند ته خاتمه‌ورکړی‌دالوتکی غوږکنوونکی آواز ورو ورو زیاتیده اوجونز دی‌ته اړشو چه خپل غوږونه په لاسو نــو بند کړی.

(نوربیا)



مشعل هنر یار

خاصی‌رابه محصلان‌ومتعلمان قا یـل شو ند مو سسات هنر ی میتوا نند از شا گر دان معا رف بـا نصـف قیمت برای تما شای نما یشنا مه های شان دعوت بعمل آر ند که ازاین جهت دو فاید ه قطعی به تیا تـر دستیاب میگردد .

اول اینکه نمایشنامه به سر دی نمی گراید ودر آن شبها، تــا لار تیا تر پرخواهدبود .

ثانیا تشریف آوری آنها وسیلــه خوبی برا ی تبلیغ خوا هد بودچه آنها قشر روشنفکر جا معه بوده‌و میتوا نند عادلانه بالای آن قضا وت نما یند آنها پس‌از بررسی ونتیجه گیری منطقی میتوانند مشوق خوبی برای فا میل دو ستان واشنا یـان شان گردند پس دیـده میشود که دعوت از آنها کار یست بس شایسته نه کسر در اقتصاد تیا تر .

وقتی میخوا ستم از مشعل د ر باره پسرش چند سوال‌کنم مثل‌اینکه مشعل قبلا از راز دلم آگاهی داشته باشد تبسمی دور لبا نش نقش بسمت دهـن گشو د و آرام آرا م نقل کرد .

ــ از ثمره ازدواجم شش پسر و یك دختر است . عبدالله بزرگ‌همهٔ آنهاست . عبدالله از آوان کو د کی عادت داشت با من در محافــل و ضیافت های هنری اشتراك نما یـد ودر آنها با دوستان پد رش‌که همه هنر مند بودند آشنایی پیدا کنــد چون خیلی صمیمی بود همه او ر ا می شنا ختند و اورا دوست مـی ـ داشتند . ا ما رفته رفته د یگر ا و بزرگ شد و چون‌متعلم مکتب بود کمتر و قت می‌یافت تا با من‌به‌چنین محافل اشتراك نماید و همچنــان دوستانش را ملاقات نماید . چو ن دیگر حالا او جوان شده و به صنف دوازدهم یکی از لیسه های کا بـل مشغول تحصیل خود است وباکسی آنقدر بتماس نیست ، آ نهایی کـه قبلا او را دیده بودند واو را مـی ـ شناختند ، دیگر او را نمی شناسند حتی آ نها باور ندارند که آن همان عبدالله و پسر مشعل هنر یاراست. وقتی در یکان محفل اورابه آنهاییکه قبلا کم و بیش ویرا می شنا ختند معرفی میکنم ، خیلی به آنها شگفت انگیز می آید .

آنها باور ندارند که وی پسرمن من باشد . چه آنها معتقد اندکه‌من هنوز جوان هستم و شایدده‌دوازده سال از از دواج من گذ شته باشد. هرچند با آنها اصرار میورزم فایده نمی‌بخشد . پس ازروی ناچارباآنها هم عقیده شده و میگویم: « خو ب این پسر من نیست . »

درین مو قع پسر مشعل(عبدالله هنر یار) به صحبت‌ما داخل‌میشود، درحالیکه از پدرش اجازه می گیرد، سخنان ویرا تائید نموده ، ا ضا فه میکند که :

ــ بلی ، این کا ملا درست‌است. در هر جا که مرا میشناسند وبامن معرفتی دارند باور نمی کنند که‌من پسر مشعل باشم . حتی در مکـتب هم همصنفان ودوستا نم را جع‌بمن شکاك هستند . آنها چنین‌میپندارند که مشعل خیلی جوان است و او تا هنوز شاید ازدواج نکرده با شد.

ــ براستی چنین پندار ها بــمن وسیله سر گر می شده . مــر ا شگفت می آید که چرا مردم مـــا پاره‌یی در بارهٔ هنر منــدان کشو ر شان معلو مات ندارند . اگراحیاناً از آن دو ستان مــا در بـــا رهٔ شیشی کپـــور ، را کـــــــی، فروزان ، آلن دولن ، جان ویــن ، فخرالدین وغیره‌کسان چیزی‌پرسیده شود ، آن دوستان مانه تنها خــود آنها را معرفی میکنند ، بلکه‌ازپسر خاله و عمهٔ آنها ، از دوستـــان و آشنایان آ نها و حتی از معشو قــه های آنها نیز یاد کرده و تعریف‌ها میکنند .

فال حافظ



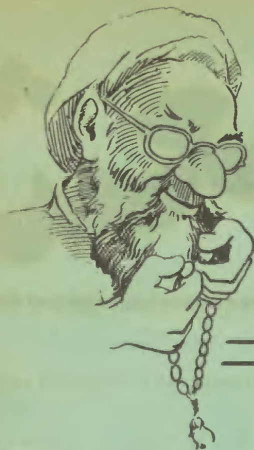
درهر روزاز هفته که میخواهید فال بگیریدبه‌تصویر بالا توجه نموده یك‌حرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایرهٔبزرگ‌پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حـرف اول باشدیادوم باشدیامثلا پنجم) درزیر همان‌حرف‌مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل‌خانه‌های سفید آن‌سه‌عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وآنگاه‌به‌همان شماره در زیر نام همان روزاز هفتــه مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافــظ‌شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه‌حرف چهارم نام‌خودراکه‌مم است انتخاب واز جمله سه عددی که‌در زیرقوس مربوطه به این حرف دیده می‌شودبیت «۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحهٔ مقابل مراجعه کنید وبخوانید لسان اللغیب بشما جه می گوید !

صحبت عبدالله که یك جـــوان متین ، باوقار خیلی دوست داشتنی است بسیار خو شم آمد و با ا و در حالیکه صحبتم با مشعل بپایان رسیده بود گرم صحبت شدم .

عبدالله نیز مانند پدرش خــیلی هنر دوست است . او در حا لیکه شاگرد ممتاز صنف خـــود است ، آرمونیه را خوب مینوازد ، به بیا نو از روی نو تیشن آشنایی کا مـــل دارد . خیلی مشتاق است گیتـــار بنوازد و در نهایت آرزو دارد مانند پدرش در تیاتر خدمتی را ا نـجا م بد هد .

عبدالله آرزو داردریك نمایشنا مه. نمایشنامه ایکه وی درآن رول منفی نما یشنامه‌ئیکه وی در آن‌رول منفی وخشن داشته باشد ونمایشنامه ایکه وی در آن باپدرش دست و پنجه‌نرم کند ، دوش بدوش پد رش نقشی‌را ایفا نماید . تا ببیند که آیا پدرش با و جود داشتن احساسات‌وعواطف پدری چطور با او رو لش را با زی میکند و چطور میگـذارد او در آن نمایشنا مه باپدرش دست و پـنجه نرم کند.



فال حافظ

شنبه

۱- من ازچشم توایساقی خراب‌افتاده‌ام‌لیکن
بلائی کزحبیب آید هزارش مرحبا گفتم
۲- قدت‌گفتم‌که شمشادست‌بسی‌خجلت‌ببارآورد
که این نسبت‌چراکردیم واین‌بهتان‌چراگفتیم
۳- صلاح‌ازماچه‌میجوئی‌که‌مستان راصلاگفتیم

بدورنرگس مستت سلامت را دعا گفتیم
۴- من دوستدار روی خوش وموی دلکشم
مدهوش چشم مست و می صاف بیغشم
۵- دررهٔ عشق که از سیل بلا نیست گذار

کرده‌ام خاطر خود رابه تمنای تو خوش
۶- یارب این‌گل خندان که سپردی بمنش
می سپارم بتو از چشم حسود چمنش
۷- بلبل ازفیض‌گل آموخت سخن ورنه نبود
این همه قول وغزل تعبیه در منقارش

یکشنبه

۱- ایکه در کوچهٔ معشوقه ما میگذری
بر حذرباش که سر می شکند دیوارش
۲- آن سفرکرده‌که صدقافله‌دل همراه‌اوست
هر کجا هست خدایا بسلامت دارش
۳- نظرکردن بدرویشان منافی بزرگی‌نیست

سلیمان با چنان حشمت نظرها بود بامورش
۴- دارم‌اززلف‌سیاهش گله‌چندان که‌مپرس
که چنان زوشده‌ام بی سرو سامان‌که‌مپرس
۵- دردعشقی کشیده ام که مپرس

زهر هجری چشیده ام که مپرس
۶- باز آی ودل تنگ مرامونس جان باش
وین سوخته را محرم اسرار نهان باش
۷- فدای پیرهن چاك ماهرویان باد
هزار جامهٔ تقوی و خرقهٔ پرهیز

دوشنبه

۱- پروانه راز شمع بود سوز دل ولی
بی شمع عارض تو دلم رابود گداز
۲- بیاو کشتی مادر شط شراب انداز
خروش وولوله درجان شیخ وشاب انداز
۳- ای سرو ناز حسن‌که خوش میروی بناز

عشاق را بناز توهر لحظه صد نیاز
۴- میل رفتن مکن ای دوست دمی باماباش
بر لب جوی طرب جوی وبکف ساغرگیر
۵- چه فتنه بودکه مشاطهٔ قضا انگیخت

که گرد نرگس مستش سیه سرمهٔ ناز
۶- گربود عمربه میخانه رسم بار دیگر
به جز از خدمت رندان نکنم کار دگر
۷- تادل هرزه گردمن رفت به‌چین‌زلف او
زان سفر دراز خود عزم وطن نمی کند

سه شنبه

۱- دوش دیدم‌که ملایك در میخانه زدند
گل آدم بسرشتند وبه پیمانه زدند
۲- آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعهٔ کار بنام من دیوانه زدند
۳- آتش آن نیست که ازشعلهٔاوخنددشمع

آتش آنست که در خرمن پروانه زدند
۴- دلا بسوز که سوز تو کار ها بکند
نیاز نیم شبی دفع صد بلا بکند
۵- بعداز ین دست من و دامن آن سروبلند

که ببالای چمان از بن وبیخم بر کن
۶- دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
۷- سحرم دولت بیدار ببالین آمد
گفت بر خیز که آن خسرو شیرین آمد

چهارشنبه

۱- زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد
از سر پیمان برفت با سر پیما نه شد
۲- آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت
چهرهٔ خندان شمع آفت پروانه سوخت
۳- گداخت جان که شود کاردل تمام ونشد

بسوختیم درین آرزوی خام ونشد
۴- آن پریشانی شبهای دراز غم دل
همه در سایهٔ گیسوی نگار آخر شد
۵- ساقیا لطف نمودی قدحت پرمی باد

که به تدبیر تو تشویش خمار آخر شد
۶- آن همه ناز وتنعم که خزان میفرمود
عاقبت در قدم باد بهار آخر شد
۷- مطربا مجلس انست وغزل خوان وسرود
چند گوئی که چنین رفت وچنان خواهد شد

پنجشنبه

۱- مرامهرسیه چشمان ازسربیرون‌نخواهدشد
قضای آسمانست این ودیگرگون‌نخواهد شد
۲- رقیب آزارها فرمودجای آشتی‌نگذاشت
مگرآه سحرخیزان سوی‌گردون نخواهد شد
۳- مرا روزازل کاری به جزرندی نفرمودند

هرآن قسمت‌که‌آنجارفت ازآن‌افزون‌نخواهدشد
۴- مجال‌من همین باشدکه‌پنهان‌عشق‌اوورزم
کناروبوس وآغوشش چگویم‌چون نخواهدشد
۵- گل بی رخ یار خوش نباشد

بی باده بهار خوش نباشد
۶- طرف چمن و طواف بستان
بی لاله عذار خوش نباشد
۷- شراب، بی خمار م بخش یا رب
که با وی هیچ درد سر نباشد

جمعه

۱- خوش آمد گل و زان خوشتر نباشد
که در دستت به جز ساغر نباشد
۲- غنیمت دان و می خور در گلستان
که گل تا هفتهٔ دیگر نباشد
۳- بیا ای شیخ و از خمخانه ما

شرابی خور که در کوثر نباشد
۴- خوشست خلوت اگریار یارمن باشد
نه که من سوزم و او شمع انجمن باشد
۵- من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم

که گاه گاه برودست اهرمن باشد
۶- روا مدار خدایا که در حریم وصال
رقیب محرم و حرمان نصیب من باشد
۷- کی شعر ترانگیزد خاطر که حزین‌باشد
یك نکته درین معنی گفتیم وهمین باشد

شعر

شراب ناز

برده است از خویشم امشب ساقی صهبا ی ناز
گشته د ل اینجا اسیر حکمت دنیای نـاز
زلف شبر نگش برد هر لحظه ام در جای ناز
نرگسش وا میکند طو مار ا ستغنای نـاز

یعنی ازمژگان او قـدمیکشد بالای نـاز

• • •

چشم آن دارم که افتد گیسو یش بر دوش من
گوش برحرفم ندارد سر و زیبا پوش مـن
قلب صبرم میدرد ایـن آ ه حسرت جوش من
سرواومشکل که گردد ما یل آ غـوش من
خم شدنها برده انداز گردن مینای ناز

• • •

خامهٔ نازك خیال ما سخن می پــرورد
همچودست صبحگا هان نستر نمی پرورد
شاعرم اندیشهٔ من ا نــجمن می پر ورد
جیب ودامان خیـــال مـــا چمن می پرورد

بسکه چیداز بهار جلوه اش گلهای ناز

• • •

میز ند پهلو به عنبر نکـهت زلفین یار
هوش ا یمان می ربا ید لذت تمکین یـــار
طی شد و عمرم ندیدم زلف مشك آگین یار
هوش ایمان می زبا ید لذت تمکین یـــا ر
عا لمی آهسته دا رد در کمین انتظار

تاکجا بی پـرده گردد حسن بی پروای ناز

• • •

جلوه حسنش بناز وخـــــال مشکین ناز محض
تیر مژکان هم بناز وساق سیمن نازمحض
از خرا مش ناز بارد لعـــــل شیرین ناز محض
چشم مستش عین نازابروی مشکین ناز محض

این جه طوفان است یارب نازبر بالای ناز

ارسالی محمد زمان (بژوال)

(مولینا جلال الدین بلخی)

کعبه امید

ای خدا این وصل را هجران مکن
سر خو شان عشق را نالان مکن
باغ جان را تـــازه و سر سبـز دا ر
قصداین بستان و این مستـان مـکن
چون خزان بر شاخ و بر گ دل مزن
خلق را مسکین و سر گردان مـــکن
بردرختی کـــا شیـــا ن مـرغ تست
شا خ مشکن مرغ را تالان مــــکن
جمع شمع خو یش را بر هم مـزن
نصد این پروانه حیران مکـــــن
کعبه اقبال ما این در گــه است
کعبهٔ امیـــد را و یـــران مـــکن
نیست در عالم ز هجران تلـخ تــر
هر چه خواهی کن ولیکن آ ن مــکن

بنکلو ته نظر

توره چه تیریږی خو گذار لـره کنـه
زلفی چه ولول شی خوخپل یار لره کنه
ولی راته وائی چه په بنکلـو نظر مکړه
سترگی چه پیدا دی خو دیدار لره کنـه
شیخ دنموځ روژه کازه به ډکی پیالی اخلم
هر سړی پیدادی خپل خپل کارلره کنه
تاوی چه زمادخولی بوسه لکـه دارو ده
غواړم دا دارو دزړه پرهار لـره کنـه
وینی می دزړه خوری مگرنورخه لره ندی
زړه زما پیدادی تاخو نخوار لره کنـه
خه ژړا فریاد کړی دشپی دتورو زلفـو
ته ورتلی په خپله دی تورمار لـره کنه
می شته چنگ ونی شته دخپل یارسره خوشحاله
خپل یاربیاض په لاس کی خه گلزارلره کنه

بانگ نی

باز آمدم باز آمدم تا چشم دل بیناکنم
صد شیشهٔ غم بشکنم صد عقدهٔدل واکنم
کوه و بیا بان کرده طی منزل بمنزل گرد ، هی
گیرم سراغ بانك نی گمگشته راپیدا کنم
من در قفس آ تش تنم د ر شعله باشد ما منم
چون جغد، کی بیهوده در ویرانه هـــا ما وا کنـم
در عالم بیگانگی از من مـجو فرزانگی
دیوانه ام، دیوانه ام من خویش را شیـدا کنم
نبود کسی همراز من در پرده هم آ واز من
ورنه هزاران راز را در یك نفس افشا کـــنم
گفتند د لها بسته به ، تار کهن بگسسته به
خمخانه ها بشکسته به ، حا شا که من اینها کنم
گفتی مرا پر واز کـن آهنگ هستی ساز کن
نو ، نوسخن آغاز کن تا دردل تو جا کـــنم
آری ترا پیمان کنم آنچه تـــو گفتی آن کنم
دشوار هـــا آسان کنم آ وا کنم آ وا کنم
که چنگ گیرم چون وفا گه باده خواهم بی ریا
گه خویشتن سرمست می، از جام مولا نا کنم

(م . ح . وفاسلجوقی)

دستر گو جنگ

نن می بیا د نورو ستر گو سره جنگ دی
پر لبانو یی دزړه دوینـو رنـگ دی
که پری کړی ستر په لاس ورلره راشم
لا په دایی باور نشی زړه یی سنگ دی
ستا د حسن لښکر راغی خان یی بایلو
د عاشق دزړه میدان هـر گوره تنگ دی
عشق دمشك پټول نشی (تیمورشاهه)
چه پخپله خان رسوا کا هغه رنگ دی

توازمن

و ابر شا مگا هانی که درآسمان خوابهای من میرقصی ، ترامن برنگ شوق و عشق خویش می آرایـم و میسازم .

توازمنی از آن مـن هستی د ر جوابهای بی پایان من جا داری .

پا های تو از آرزو های قلبی من رنگ حنا گرفته اند .

ای آنکه در کشتزار سرود های شا مگا هی من خوشه می چینی !

لبان شیرین تو از بادهٔ درد مـن با تلخی آ میخته اند . تو از مـن از آن من هستی در جوابهای تنهائی من جا داری.

من با سایهٔ جذ بات خود چشمان ترا سیاه و تاریك ساخته ام .

ای آنکه در ژر فای نگاه مـــن فرو می روی تواز منی از آن مـــن هستی در خوابهـای جا و دان مـن جای داری !

تاگور

نغمه

ما به تول ژوند کښی ته بخپلو نغمو کښی لټو لی همدی نغمو زه درپه درو گرځولم، او همدا هغه نغمی دی چه دوی په مرسته می دخپلی دنیا په احساس او تلاش کښی ته خپلـــو غلورو خواوته ومو ند لی!

هغه لږ ډیر چه ما ته زده کړی دی هغه هم دغه نغمی دی چه ما ته یه یی درس راکړ پټی لاری یی راوښوولی او د زړه پرافق یی ما نه ډیر ستوری وځلول،

دی نغمو تو له ورځ دغم او مسرت دودانی درداز خواته زما لار ښوونه وکړه او ما ښام یی د سفر په پای کښی زه دیوی ما نی وره ته بو تلم،

از: آقاحسین تلاش

همسایه

گل بخت، هرقدر چوب های تررا میان تنور می انداخت ، دود تیره ترمیشد، از چشمهایش اشك میریخت ، بادامن پیراهنش می خشکید.

- امشب چه‌قدردودکرد، تنوربدتورخونبود؟

- شاید دم سوف تنورا چیزی‌گرفته باشد ؟

گل بخت اینطرف وآنطرف تنور میلوید، یادش آمد که سرپوش سوف رابر نداشته ، تاباد بزند خرمن‌آتش بپا شود، آه‌کردوسر پوش رابرداشت ، آتش شراره کشید دودرا به طرف روزنه پراکنده ساخت .

گل بخت، سیخ چه رابالای تنور ماند، چای جوش سیاه راروی آن گذاشت ، آهسته چوب های تررا میشکست به ترتیب در تنور میریخت چوب خشك رابرداشت بایك فشار میده کرد ، هنوز درآتش فرو نبرده بودکه بوی سوخته به مشامش زد، ازجاجست، مبادا- لحاف که امروز پینه کردم سوخته باشد- لحاف را از بالای صندوق پائین انداخت و هموار کرد- سوختگی به نظرش نخورد، شامه‌اش رامتوجه ساخت، بوی نزدیکتر میشد، دقت نمودکه‌گوشه چادر سیاهش آتش گرفته ودود میکند . با دستش گوشهٔ چادررا مالید ومالید آتش را خاموش کرد- آه کشید وزیر لب چیزی‌گفت...

- سرپوش چای جوش رابرداشت آ ب میجوشید، باکلاه‌کهنه‌شوهرش‌چای‌جوش راپائین نمود . دروازه بیرون خانه صداکرد- بسربچهٔ دم درخانه ایستاد .

- گل بخت، شناخت که رضا پسر (حسن شریك) است .

- پیش بیا، رضاپیش بیا !

رضا باآوازی باریکش صدازد :

پیش نمی آیم، مادرم گفت‌که قرض گندم مارا بدهید که دیگراعتبار نمانده .

سخنان رضادر وجود (گل بخت) دهشت افگند. احساساتش را تحریك كرد، خواست بگوید که :

ماخو قرت کردنی گندم شما نیستیم ، حالا نداریم ، پیدا میکنیم . یادش آمدکه مادررضا رامردم (عروس نو) میگوید. لحظهٔ سکوت نمود براحساساتش مسلط شد بانرمی اداکرد که :

شب که عوض خانه آمد - مه میگم- به هر ترتیب که شود گندم شمارا پیدا کند .

رضا، خوگفت بایك جست طفلانه خانه را ترك کرد. (گل بخت) خاموشانه آفتابه را به یکدست وبدست دیگرش کوزه را برداشت بطرف جویبار رفت، درلب جویچه نشست ، اول کوزه راوبعد آفتابه را قلقل کنان پر از آب نمودو ، یادش آمدکه شوهرش گفته بودکه امشب وقت ترمی آید- بطرف‌کوه نظرانداخت دیدکه آخرین اشعه زرین آفتاب درنوك قلهٔ‌کوه میتابد - چوپان ده باعجله گوسفندان راراز (راه رمه) می آورد- گردو غبار اززیر پای گوسفندان پراگنده میشود گاهی چوپان درین غبار غلیظ ناپدید میگردد، مگر صدایی (هی هیچ، هی هیچش) تادور دست ها میرسد .

گل بخت، کوزه وآفتابه رابرداشت راه‌خانه راپیش‌گرفت، هنوز ازدروازهٔ خانه پیش نرفته بودکه (عروس نو) توجه اش راجلب نمود .

گل بخت، سلام‌کرد .

- (عروس نو) زیرلب پچ‌پچ‌کنان، ابروهیش راجمع نمود- چشمانش رادور داد - با یك نگاه غضب آلود (گل بخت) راور انداز کرد وگفت :

زن عوض، خوب شدکه دیگر اعتبار شما از بین رفت ، چراگندم قرضی رانمیدهید یکروز، دوروز، سه روز، سال تمام خو نمیشه !

گل بخت بااحساس دقیقانه اش نتوانست تاب این سخنان (عروس نو) را بیاورد - خانه بدورش چرخید ، همه چیز سیاه می زد، بدنش حرارت میداد در پیشانی اش دانه های عرق گل کرد بعداز چند لحظه سکوت گفت :

ماخو قرت کردنی گندم شما نیستیم، حالا نداریم، پیدا میکنیم - خیراست‌که امسال ما (دیوال نشین) شما هستیم .

(عروس نو) برخاش کرد وخشم نشان داد- زبان به فحش کشود . بعدازهر فحش این جمله هارابیشتر تکرار میکرد :

بیرون شوید ازخانه ، بیرون شوید، جول وجفل خودهارا جمع کنید، مااین رقم دهقان را کار نداریم که هرروز برای مادردسرخلق کند، اگرقرض خودرا بخواهیم پرت وپلابگوید .

سخنان (عروس نو) چون متك بودكه برسر گل بخت مکوفت، یادش ازکوچیدن آمد ، آنهم کوچ‌کشی درنصف سال، دروقت کشت وکار وهم دربین مردم .....

سکوت گل بخت (عروس نو) را بیشتر تحریك‌کرد - ازجایش برخاست، بطرف‌گل‌بخت نزدیك شد، لگدی محکمی به پهلوی چپی گل بخت زد. گل بخت ازاین‌ضربه ناگهانی نقش زمین گردید - ولی قبل ازلگد دومی خود راجمع کرد واز جایش پرید - به صندوق نزدیك شد وتکیه داد - سرش چرخید - احساساتش مشتعل گردید - دماغش میسوخت، دست راستش را آماده کرد گره بر پیشانی انداخت .

(عروس نو) پیش آمد، نزدیك شد مگرسیلی محکم گل بخت اورابه جایش میخکوب نمود .

گل بخت و (عروس‌نو) ! باهمدیگر کلاویز شدند، گل بخت قهرمانانه از خوددفاع میکرد- آنقدر دست وپازدند وجیغ کشیدند،همسایه های که ازخانهٔ عوض دورتر بودند به خانه ریختند - جنگنده هارا خلاص نمودند .

(عروس نو) به هرکس که میرسید فحش میداد میگفت :

بگذارید که جیفه، جیفه کرده ازخانه بکشم، این رقم زن دهقان چشم سفید را ندیدمام ...

همسایه ها (عروس نو) رابه خانه اش بردند، کمی هم خندیدند ازآن خنده های بامعنی ..... گاهی گفته میشد این هم عروس نو خواهر شیخ .... آنهم بیچاره زن عوض .

گل بخت تنهاماند ، سکوت غم انگیزفضای خانه رافراگرد ، حلقه های سرخ وسفید از پیش چشمش بالاوپائین میرفت، بغض گلویش رامیفشرد . ناگاه متوجه شدکه آتش خاموش گردیده ، خمیر ترش گرده، وقت ناوقت شده وشوهرش هم نیامده .

- تغار چوبی خمیررا پیش کشید وکمی آب درکاسه ریخت، جست ، جست گلوله های خمیر راهموار میکرد دردلهٔ تنور میکوفت . قسمت‌های پائینی نان بالای‌خاکسترمیریخت.

گل بخت، میکوشید براحساساتش غلبه کند، قضیه راباخونسردی برای شوهرش قصه کند گاهی می اندیشید باعوض شوهرش بخانه (عروس نو) برود، بجنگد، گاهی می اندیشید که به (حسن شریك) شکایت کند، گاهی می اندیشیدکه موضوع رابه (ملای)ده‌بکشاند. اودرجستجوی راه حل بودکه عوض به خانه رسید .

گل بخت ، پرسید :

- امشب ناوقت آمدی - میگفتی وقت می آیم ؟

عوض - نشد- زمین رایك کمی آب دادم- دوسه دفعه آب هم قطع شد .

گل بخت، ازغصه نتوانست چیزی بگوید- هاك غم‌بروجودش‌حکومت‌میکرد- اوچه‌میتوانست بگوید؟- آیابرای گفتن چیزی داشت ؟ اگر چیزی هم داشت - ازکوچیدن بیم نداشت ؟

به هرصورت ... . عوض پرسید ؟

گل بخت چرا غمگین هستی ؟

جنگ منگ خونکردی ؟

گل بخت دردنیای شك وتردید فرو رفت . قلبش میطپید - اشك درچشمانش میلولید - عوض تکرار کرد .

چرا نمیکی ؟

گل بخت‌گفت : امروز (عروس نو) آمد هر چه که داشت دشنام داد- آخربامن جنگ‌کرد- هردم میگفت :

کوچ‌کنید! کوچ‌کنید، کوچ ... زودتر...

عوض که یك ساعت ونیم پیاده آمده بود، بیلش رافراموش کرده بود - خسته ورنجور به نظر میرسید . همه چیزیادش آمد، زمین-بیل- جویبار - قلبه- ماله- تخم، عروس‌نو-حسن شریك ، زن، خانه .... کوچ کشی .

عوض سکوت نمود بعداز چند لحظه‌پرسید: چراجنگ کردی ؟ چراحوصله نکردی ؟ شما زن ها .....

گل بخت جواب داد :

گندم میخواست .

(مرافحش گفت، نام‌کوچ راگرفت، آخر حوصله‌نکرد بامن جنگید،مرا لگدکرد‌تادیگران آمد خلاص نمود .)

عوض در دنیای خاموشی غرق شد، چیزی نگفت . به صندوق تکیه کردبه خواب عمیق فرورفت . وقت بیدارشدکه همسرش نان و چای راجلو رویش گذاشته آهسته میگوید :

بخیز، بخیز ، نان بخور وبعد بخواب !

عوض یکی دوپیاله چای وکمی نان خورد ، دوباره بخواب رفت، تاصبح بیدار نشد . صبح‌وقت به خانه حسن شریك رفت .

گل بخت میدانست که امروز چه بلایی سرآن ه‌اخواهند آمد .

بیگاه همسایه هابه خانه آمدند ولی عوض هرگزبه خانه نیامده وگل بخت راهم در آنجا نیافتند .

ده‌سال به‌تارک



این قهر مان زیبایی اندام به بزکشی‌نیز دسترس دارد.

شحمی وکار بوهایدریت هامیباشدکه‌اشخاص چاق نباید ازآن زیادتر استفاده کنند .

مواد نشایسته یی‌که درسوخت وساز بدن یکجا باموادقندی تولید انرژی نموده وبمصرف میرسد که این مواد رامیتوان در برنج،جواری گندم، کچالووغیره نیز بوفرت یافت ویتامین هاکه برای بد ن خیلی ضروریست نبایـــد فراموش ورزشکار گردد زیرا عدم موجودیـت ویتامین هاباعث بوجود آمدن بعضی امـراض میگردد ویتامین هارا میتوان به وفـــرت در سبزیجات ومیوه جات یافت .

بعداز یکسال یك ورزشکار حداقل سه روز وحداکثر شش روز تمرین نماید آنهم طوری که حرکات خودرامنظما بدوقسمت تقسیم‌نموده یك روزیك حرکت راانجام داده وبروز دیگر حرکت دیگر رایعنی دردوروز متواتریك حرکت راانجام ندهد .

درینجابی لزوم نمیدانم اگر تذکری از بی مبالاتی هاو سوی استفاده های جوانان ازورزش مخصوصا ازبوکس، پهلوانی وزیبایی اندام بدهم زیرا عده زیادی از ورزشکاران ما بدبختانه بارفتن چند روز دریك کلپ وبلند کردن یکی دووزن به آزار این وآن میپردازند. که نه تنهامایه بدنامی ورزشکاران واقعی بوده ورزش رانیز در انظار مردم خیلی حقیر و مصروفیت خیلی خراب معرفی میدارند امید من ازآنعده ورزشکارانیکه به وا قعیت میخواهند ورزشکار خوب باشند این است تا ورزش را همیشه آنطوریکه شایسته یك جوان ورزشکار استمعرفی دارندودرراه‌برانداختن‌آنهائیکه‌سوی استفاده ازورزش میکنند سعی نمایند. وجلو آنهارا بگیرند .

ـ بشاغلی شمس‌الله رحیم در برابر سوالی گفت :

ـ ازمدت ها بدینطرف سعـی داشتـم ورزشکاران خوبی تربیه وبه اجتماع تقدیم دارم، ازینروتاحال در حدود یکصد نفر از جوانان رازیر تربیه گرفته ونتایج مثبتی نیز ازآنها گرفته ام .

ـ شمابکدام‌ورزش دیگرهم علاقمندهستید ؟

ـ بلی من برعلاوۀ زیبایی اندام به‌بزکشی نیزعلاقمندی خاصی دارم وزمانی هم که دریکی ازولایات صفحات شمالی زندگی میکردم خود م اسپ داشتم وگاهگاهی به‌تمرین آن میپرداختم ولی آنطوریکه بزکشی درگذشته بود حالاوجود ندارد، حالااین ورزش نیز ازخود مقرراتی‌دارد که برخوبی آن افزوده شده درگذشته تعداد اسپ هاوفول هاوغیره معلوم نبود تنها باید بزگرفته شده وحلال میشد درحالیکه اکنـون همه تنظیم گردیده که این ورزش نیزآنطوریکه معلوم است درآینده انکشاف خوبی خواهـد کرد .

بقیه در صفحه ۵۰



شمس الله درحالیکه موتر را از زمین بلند کرده است .

قمر

وفعالیت های فضایی نصیب ایشان گـردید وبدین طریق غیرمستقیم اتحاد شوروی بـه جهانیان خاطر نشان کردکه کار انتقال سنگ وخاك ومواد دیگری که درقمر موجود باشد ، میتواند توسط وسایل تخنیکی وبدون استخدام کردن وفرستادن انسان بفضا وبدون قبـول تکالیف زیاد انجام بدهدوتوسط آلات واسباب کاری رااجرا نماید که آنرایك انسان ازپیش میبرد، چنانچه تاحال ازطریق این لونا هـا حقایق ونهفته هایی ازاسرار علـم ودانش ، واضح وروشن ساخته شده است .

یکی ازاسرار یکه توسط فعالیت لونا ها، منکشف گردید موضوع چگونگی وخصوصیت خاك قمراست، چه دراوایل این قرن‌دانشمندان علم فلك باین نظریه رسیده بودندکه خـاك کرۀ قمردارای نوعیت نرم وغیر متماسك‌بوده نمیتوان اجزای آنرا بهم یکی کردوهم میگفتند که شاید انسان هنگام پاگذاری روی آن، درآن فرورود واجزای خاك نتواندآورادر خودنگهدارد وهنگامیکه سفینۀ لونا(۹) مطابق به (۳) فبرای سال ۱۹۶۶، آهسته وآرام، برسطح کرۀ قمر فرود آمد وروی بـالشت‌مثلث شکل خـود استاد وتکیه کرد، فرضیه ها ونظریات موجوده رادر ینباره ازبین برد وشکست .

این لوناباجرای یکسلسله‌عملیات تحقیقاتی وکاوش، درسطح قمر دست زد وتعـدادی از عکس های تلویزیون رانیز بزمین فرستاده و دانشمندان ازپهلوی این عکس های تلویزیونی دریافتند که سطح قمرچنان نیست‌که دیگران تااینندم فکرکرده اند، یعنی سطح قمر نـرم وغیرمتماسك نمیباشد بلکه از یك سلسلـه صخره ای واجزای متماسك تشکیل گـردیده است، چنانچه فضانوردان اپولوی امریکا وقتی راه فضای خارجی ومخصوصا قمر رادر پیش گرفتند که پیش ازپرواز این اطمینان رادرخود یافتندکه سطح قمرازاجزای نرم وغیر متماسك تشکیل نشده است .

توپوگرافی سطح قمر :

سلسله سفینه های فضایی امریکا(رینجر) و(سیرفیور) توانست ازسالها قبل، هر وجب ازسطح قمر راتصویر کند ومتشکل بنما ید. وازآن یك توپوگرافی کامل راکه از ملیـون هاصورت وشکل، تهیه شده است بوجودآورد واین توپوگرافی تفصیلات پیرامون قمر رابه نحوشایسته نمایان ساخت واز طرف دیگـران امکان رابوجود آوردکه صورت ها واشکـال جمع شده وترتیب شده ازطرف دانشمنـدان پیشین علم فلك، تعدیل گردد، دانشمندانی‌که نقشه های سطح قمررااززمان دوران گالیله ، ترسیم کرده اند .

علایم ونشانه های درج شده تو پوگرافـی سطح قمر، دربین کوه ها، وادیها ، فرورفتگی ها، برآمدگی هاوامثال اینها، دارای تفـاو ت وفرق زیادی است . کوه های قمرباکوه های زمین دارای شباهت است بعضی آن درحـدود چندین‌کیلومتر ارتفاع دارد چنانچه برخی ازکوه

از دوستان

از عظیم

موج سرکش

بدلم نشسته نقشی که نگار خواهی آمد
زپی شکنجهٔ صبر ، قرار خواهی آمـد
باهمه ستیزه خوییبه‌هوای ساحل وصل
آخر همچوموج سرکش به‌کنارخواهی‌آمد
دهد آرزو نویدم زفضای تیره بختـی
که چو ماه آسمانی شب تار خواهی‌آمد
قسم‌است به‌حرمت‌عشق سرخاکم‌ای‌ستمگر
بلباس تیرهٔ غم باربار خواهـی آمـد
بروم بسوی‌گلشن به تـلاش وآرزویی
که زعطف سنبل وگل بوی یارخواهی آمد
بوفای انتظارم نکنی اگر مدارا
چوسیاره هازمانی بمدار خواهی آمد
بشکست قلب زارم که‌شکستی عهد خودرا
باچنین شکسته عهدی چه‌بکار خواهی آمد
زگداز درد هجران که زپا فتاده‌ام‌من
بعیادت ارنیایی به چکار خواهـی آمد
نه بتو کر شمه ماند نه منم نیاز دایـم
که همی رود زمستان و بهارخواهی‌آمد

درقدیم از نفت وقیر برای آرایش مژگان استفاده میکردند!

نفت‌که دردنیای اقتصاد امروز نقش مهمی یافته وقیمت آن بصورت سرسام آوری روبه افزایش است‌وباعث دگرگونی هاوجاروجنجال زیادی دربازار صنعت گیتی گردیده‌تاریخ‌بس کهنی دارد.

قدیمی ترین تمدنی که تاکنون شناخته شده دردره های نیل، دجله وفرات، سند وهمچنین درکشور چین بوده است . نوشته هاواسناد تاریخی وتحقیقات باستان شناسی گواه است که مردم نواحی مذکور ازکهن ترین روزگاران نفت رامیشناختند ودر موارد گوناگون از آ ن استفاده مینموده اند .

چهار هزار سال پیش ازمیـلاد یعنی پیش ازآنکه بابل بصورت شهری آباد دربین‌النهرین درآید مردم عراق قیررابه عنوان مـلاط در ساختمانها بکار میبردند . صنعتگران بابـل ونینوا قیررانه تنهابه عنوان ملاط درساختمانها بلکه برای جلوگیری از نفوذ آب به مصـرف اندود کردن‌کشتی، تابوت، حمام، دست شویی وغیره میرساندند . هنرمندان ونقاشان آنـرا بجای رنگ نیزبرای نصب کاشی وتزئینـات دیگروباتعمیر، مجسمه وظروف سفالین‌استعمال میکردند . دربین النهرین قیر برای ساختـن جاده وبندکشی حوض وسدومجاری آب مصرف میشده‌است . مصریان‌نیزمانندمردم‌بین النهرین ازهمان ایام پیشین‌ازموادنفتی استفاده مینموده اند، نهایت آنکه چون خود آنرا نداشتند . از بین النهرین واردوبرای مومیایی کردن اجساد ازآن استفاده مینمودند . برخی دیگراز ملل شرق میانه مواد نفتی رادر سحروجادو بکار برده وگاهی نیزباقیربت میساختند .

همچنین درگذشته نفت برای سوخت‌ومعالجه برخی ازامراض بکار میرفته است . مصرف‌طبی نفت درقدیم بیشتربرای معالجه امراض جلدی نقرس، خونریزی، آب مروارید چشم، اسهال رماتیزم، سرفه ، ودرد دندان بوده اسـت . ازقیر ونفت برای آرایش مژگان نیز استفاده میشده است . گازنفت‌که ازروزنه های زمین به خارج تراوش میکرد گاهی بنابر حوادثی، شعله ورگردیده وسالها بلکه قرنها فـروزان میمانده است ، چه بساکه ذخایر سر شاری این‌ماده پرارزش صنعتی جهان امروزبه آ ن طریق وبیهوده محوونابود شده‌است این شعله فروزان ازجمله عناصری بوده‌که احتمالا انسان رابه‌پرستش آتش واداشته است. درواقع‌در پرتو همین آتش جاودان حاصل ازتراوش گاز بودکه یکی ازبزرگترین مذاهب دنیای کهـن (آتش پرستی) پدید آمد .

هرودت مورخ یونانی دوران باستان درکتاب خود چگونگی کندن چاه واستخراج وصا ف کردن نفت راچنین شرح میدهد که چرخی بر سرچاه نصب میکردند وبکمك چرخ بادهل‌مواد مذکور را از چاه بیـرون میکشیـد ودر حو ضچـه ای میر یـختنـد .وسـپس آنرابه حوضچهٔ دیگری راه میدادند . قیرونمك پس ازچندی ته‌نشین میشده وبعدنفت راازروی آن جدا میساختند.

کار صنعت نفت امروز نیز درواقع‌استخراج وصاف کردن همین مواد است . منتهاباوسایل وشیوه های جدید تروکاملتر.

برخی اسناد تاریخی نشان میدهد که‌تقریبا دوهزارسال پیش‌درجزیره سیسیل نفت رابرای روشنایی بکار میبرده اند .

طبق بعضی اسناد وگفته بعضی ازجهانگردان مردم نقاط مختلف شرق دوروبومیان امریکانیز درگذشته نفت رامیشناختند وازآن در مـوارد طبی وغیره استفاده مینمودند .

موارد استفاده ازنفت تا ۱۸۵۶ جنبه غیر صنعتی وتجارتی داشت ولی دراین تاریخ در امریکا نخستین چاه نفت توسط شخصی بنام (دریك) حفرشد که درعمق ۲۳ متری به نفت رسید وهمین چاه‌است‌که مقدمه پیدایش‌صنعت بزرگ نفت امروز میباشد، استخراج صنعتی نفت باوسایل جدید ازامریکا سر چشمه‌گرفته وآن‌کشور ازین جهت پیشقدم دیگران بـوده است .

ژوندون .

از: نجیب‌الله وامق عطازاده

گریز

باتوام وی ساقی چرخ گردون . ای آنکه بابادهٔ اندوه جام مذلت رااز قدح‌روزگارلبریز نموده وبحلقم فرومیریزی ای ساقی مکاراین شراب تلخت رااز من دورکن چه در پردهٔ نشهٔ آن جهانی ازرنج واندوه نهفته است . آری شراب تلخ تومرابدنیای رنج‌کشان‌میبرد. آنجامحنت است، مشقت است و بالاخـره آنجاست‌که خورشیدسعادت یکی وجوددیگری راآتش میزند وازین سبب همه در حصـار سیاه شقاوت وبدبختی محصور اند .

من ازتو متنفرم، ازمیکده ات گریزانـم وازمستی رنج آلودباده ات بی خانمانم دیگر نزد تو نخواهم آمد تونیز مکوش‌تامرادریابی چه پس ازین درمیخانه آزادگی رامی کوبم آنجاکه شراب گوارای سعادت بمن میدهند ، آنجاکه نشهٔ باده اش مرابدنیای خوشی هـا میبرد. آری آن دنیا، دنیای مطلوب من‌است. دنیائیست‌که شب ندارد وتن همه ازحرارت خورشید فرحت گر م است . نه این دنیـای سیاه توکه همواره شب است وتن همه از سرماومذلت رنجور .

من رفتم...گریختم، ازتو ومیخانه آلوده‌ات گریختم .

ازعزیز الله (عزیزی)

آهسته آهسته

شدم ازعشق خوبان در بدر آهسته آهسته ... ز چشمم میچکد خون جگر آهسته آهسته
نمی بینم بچشم اماخیال روی گـلرنگش ... بدل می پرورم شب تاسحر آهسته آهسته
چنین سرگشته زارو پریشانم کند تاکـی ... جومجنون دور هرکوه وکمرآهسته‌آهسته
بغرقاب فنا افتاده‌ام ازساحـل هستی ... شدم از خویش آخربی خبر آهسته آهسته
مراداردو غم ورنج و فـراق آتشن رونـی ... چوشمعم سوخت ازپاتا بسرآهسته آهسته
تورفتی ازبرم عیش ونشاط وشادمانی‌رفت ... فرو شد روزگاری من بسرآهسته آهسته
باستقبالت ازخاك لحد رقصیده برخیـزم ... اگر آنجا کنی روزی گـذر آهسته آهسته
حضورش شمهٔ ازدرد دل اظهار مـیکردم ... تبسم کرده‌گفت حرف دیگر آهسته آهسته

دریغادوست برمن ای عزیزان دشمن‌جانشد
چهاگردآن بت بیداد گـر آهسته آهسته

از : محمد عزیز «رویش»

شعلهٔ نگاه

امشب‌به پیش چشمم ، آن مه‌لقانشسته کز شوق حسن رویش، قلبم به پانشسته
بنشسته پیش رویم، آن نازنین به تمکین گویا مقابل من، کان حیا نشسته
درشهر خوبرویان ، دردم دوانگردد کاینجا طبیب عشقم، بهر دوا نشسته
یك خال سرخ دیدم، برروی همچو ماهش گفتم به لوح نقره، گر د طلا نشسته
بر گوشهٔ لب خود، خالی نهاد و گفتم ساقی کنار کوثر، از بهر ما نشسته

گفتامکن تو «رویش» توصیف حسن‌خوبان
گفتم که پیش چشمم، یك دلربانشسته

نکته‌ها

اندیشه های نیك، تراوش روح پاك مردم‌روشن بین ، وعطر های خوب تراوش‌گلهای خوشبوست .
آناتول فرانس

همیشه قبل ازگرفتن تصمیم در باره‌کاری‌آنرا به داد گاه وجدان تقدیم کنید وجدان راهنمای بیمانند ودرس عادل و بیطرفی‌است.
منتسیکو

هر زمستان بهاری نیز بدنبال دارد .
انگلیسی

زن مثل‌زنبور عسل‌وعشق شیره‌لذت‌بخش‌آن است .
امریکایی

عشق پرنده ایست که فقط اسیر قلبهای‌طلایی است .
ایتالیایی

مرد بی زن به‌کسی میماندکه کلاه خود راگم کرده باشد .
روسی

مردبی زن چون اسپ بی افسار است .
هندوچینی

از ضعف وسستی وتنبلی نمیتوان گریخت‌بلکه باید باآن مبارزه کرد پس چراحالا واز همین جاکه ایستاده اید شروع نمیکنید .
رابرت لویی رستیونسن

زنان اختراعات بزرگ نکرده اند ولی‌آنهامخترعان بزرگ را پرورش داده اند .
ادیسون

ناراحتی هاورنج ها مانند اطفال اند ....آنها فقط دراثر مراقبت و توجه مابزرگ میشوند .
داگلاس جوردان

عشقی که با اشکهای چشم شستو شوشود همیشه پاکیزه وزیبا خواهد ماند .
شکسپیر

دو بیتی ها

ز سینه میکشم آه جگر سوز
شده دیری که رو یشان ندیدم
یکی دختر دگرسه روزه عاروس
ز عشق هردو میسوزم شب وروز

* * *

الا دختر دو دندانت کلان است
کلام الله را در بین نما نید
نکو غصه خدا جان مهربان است
سر توشوی سرمه زن حرام‌است

* * *

الا مادر مه خو خوب دخترهستم
مرا جایی بتی کارام با شم
مراجایی بتی که سیا سر هستم
اگر نارام بودم بدوا گر هستم

* * *

دوتادختر درین کوچه خیاط است
مه قربان همو سبز ینه دختر
یکیش قندودگیش شاخ نبات‌است
همو شاخ نباتش نا مزات است

* * *

در باغ شما دو بتهٔ نیشکر است
خوابش برده دودستکش زیر سرش
در زیر بته دودختر لب شکراست
بیدارش مکن‌که عاشقی دردسراست

ارسالی : ثریا عادل الیاس

تقسیمات بحری

به ترتیب داشتن وسعت واهمیت آبهای‌سطح زمین رابطور کلی به‌پنج اقیانوس تقسیم میکنند :

۱ـ اقیانوس کبیر یابحرالکا هل که‌بزرگترین اقیانوس سطح زمین است ودارای ۱۸۰ملیون کیلو متر مربع مساحت میباشد.این اقیانوس بین آسیاو امریکا واقع شده ودارای جزایر متعدد خوردوبزرگ است .عده ای ازدانشمندان طبیعی معتقداندکه کره ماه قسمتی ازین اقیانوس بوده که از زمین‌جدا شده است .

۲ـ اقیانوس اطلس‌که به مناسبت مجاورت‌باکوههای اطلس افریقا بدین نام معروف شده و۱۰٦ ملیون کیلومتر مربع وسعت‌آن است وبین اروپا، امریکا و افریقا قرار دارد .

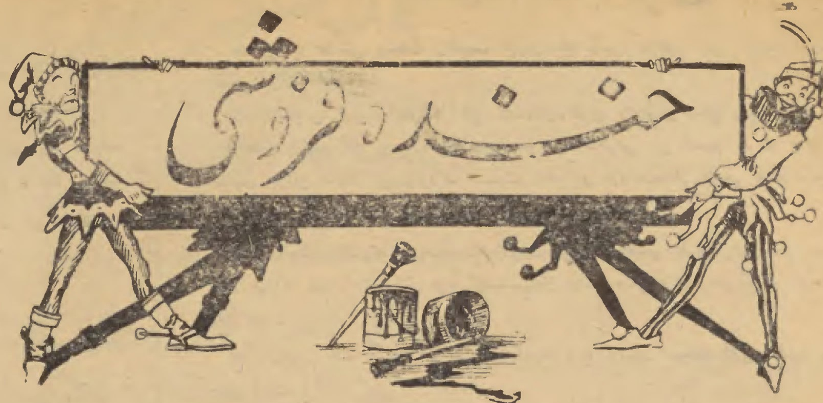
۳ـ اقیانوس هند دارای ۷۵ ملیون کیلومترمربع وسعت میباشد وبین آسیا وافریقا واقع است .

٤ـ اقیانوس منجمد شمالی که دور تادورقطب شمال رافراگرفته است .

٥ـ اقیانوس منجمد جنوبی آبهای این‌اقیانوس اطراف خشکی قطب جنوب را فرا گرفته وسردترین اقیانوس های پنجگانه‌سطح‌زمین بشمار میرود .

ارسالی فضل الله ولی





زن خوب صورت

زنی خوب صورت، به راهی میرفت، مردی شیفته در پی اوافتاد زن دریافت وبه اوگفت:

– چه می خواهی ؟

گفت : عاشق توشده وگر فتار توام !

زن گفت :

– پس اگرخواهر مرا– که ازپی من‌میرسد ودرجهان یگانه است ببینی – چه خواهی کرد ؟!

مرد ازاین سخن، اورارهاکرد ، منتظر نمیرفتی ! خواهرش شد .

بعدا معلوم شد اورا فریب داده . باز خود رابه اورساند وگفت :

– چرادروغ گفتی ؟

– زن گفت :

– چون تونیز درادعای خود راست نگفتی، زیرااگر عاشق من بودی ، پی دیگری نمیرفتی !

سیاحت

سیاح بعداز این که ورقهٔ هوتل راپر کرد، ساعت غذارا ازصاحب هوتل پرسید صاحب هوتل جواب داد :

– چای صبح ازساعت هفت تایازده ونیم، ونهارازساعت دوازده تاچهار بعداز ظهر، و غذای شب ازساعت شش تاده ...ونیم‌صرف می شود !

دراین موقع توریست باقیافه غمناکی به زنش گفت :

– پس اصلا به ما فرصت نمی دهند که شهر راببینم !

صرر

سه نفر کورکنار دریا نشسته وآن سوی دریا رفته نمی توانستند درین وقت مردی رابه کرایه گرفتند تاآنها رابه آنسوی دریا عبور بدهد . درین وقت کورها قرار نهادندکه هرکدام رابه آنسوی دریا ببرد ویك افغانی دست مزد بگیرد دونفر رابه کنار دریا رسانید وسومین راوسط دریا رهاکرد وغرق گردید . کوران برآشفتند که مرداین چه‌کار بود که کردی ؟

آنمرد گفت: یك افغانی به من زیان رسیده است، دادوبیداد شما را علت چیست ؟!



هوتلی: خانم غیر از اینها کدام طفل دیگر هم دارید.

برای رفع مزاحمت

دختر جوانی بااضطراب وپریشانی به‌مادرش گفت :

– مادر دیگر خسته شده‌ام ، نمی دانم چه کار کنم. هروقت ازمنزل خارج می شوم، مرد پررویی بااصرار مرا تعقیب می کند و مرتب میگوید هرکجا بروی باتو می آیم ، نمی دانم چه‌کار کنم .

– دختر جان، خیلی ساده است ، این مرتبه وقتی به توگفت: هرکجابروی با تو می‌آیم، به اوبگوکه به جواهرفروشی میروم !



بدون شرح



پدر جان بس است بیاکه مادرم‌ازدزدی من وتو خبر نشود.



بدون شرح

ناراحتی

ناطقی برای کنفرانس به‌یکی از ولایات رفت. اتفاقا صدایش مانند رعد بلند بود. به‌محض آنکه شروع به‌صحبت‌کرد، بچه‌یی‌که که درسالون بامادرش حضور داشت به‌گریه افتاد!

مادرش فورا ازجایش بلندشد، تا بچه را بیرون ببرد. سخن ران گفت :

– خانم بنشینید ، من ازصدای بچه‌ناراحت نمی شوم !

زن بلافاصله جواب داد :

– درست است آقا، ولی بچهٔ من ازصدای شماناراحت میشود !

خواننده بی‌شعور

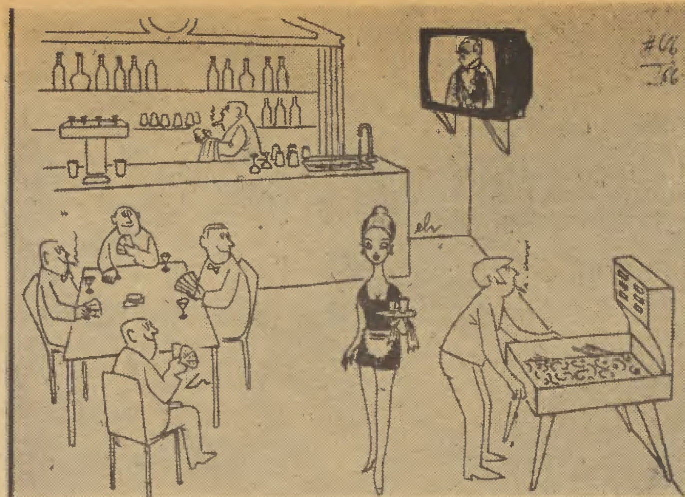
سالون درسکوت فرو رفته بود ... و همه به آواز خواننده هنرمند که روی ستیژ آواز میخواند ـ گوش می دادند ... فقط یکی از تماشاچیان ـ ازاینکه نفر پهلودستش زیرلب صدای خواننده راتقلید می‌کرد سخت ناراحت بود، وبالاخره هم ازشدت عصبانیت زیر لب گفت :

ـ احمق !..

تماشاچی خواننده برگشت وپرسید :

ـ بامن بودید ؟

ـ نه خیر... بااین آواز خوان بی شعور بودم‌که صدایش تمام اینجارا گرفته و نمی گذارد آواز شمارا بشنوم !



در حالیکه پیشخدمت بااین زیبایی‌دراینجا باشد لزومی به تلوزیون نیست .

پسر شوخ

بچه بازی گوش وبد اخلاق را به مکتب شامل کردند پس از مدتی همه معلمین وکارکنان مکتب از دست این پسرك به تنگ آمده نمی دانستند با او چه کنند.

تا اینکه یك روز مادرش را به مکتب دعوت کردند و بریك از بداخلاقی وشیطنت بچه شرحی دادند .

یکی از معلمین گفت .

پسر شما پول یکی ازشاگردان را دزدیده .

مادرش جواب داد درست است مثل پدرش .

معلم دیگر گفت .

هرگز یك کلمه حرف راست از دهان پسر شما بیرون نمی آید .

مادر زیر لب گفت .

عیناً اخلاق پدرش را دارد.

یکی از کارکنان مکتب گفت .

پسر شما هر روز با شاگردان دیگر دعوا وفحاشی میگوید .

مادرش گفت .

بد اخلاق عیناً پدرش است .

آن وقت پس از این که ازشکایت های اولیا مکتب متاثر شده بود رو خود را بطرف آسمان کرده گفت خداوندا هزار بار شکر می کنم که با پدرش ازدواج نکردم .

همه برادریم!

درویشی نزد خواجه یی بخیل رفت وگفت .

پدر من وتو آدم است، مادرماحوا پس‌ما برادر یکدیگر یم وتراین همه مال است می خواهم که مراقسمت برادرانه بدهی.

خواجه غلام‌را گفت .

یك ده افغانی به او ده

درویش گفت .

ای خواجه چرا در قسمت رعایت مساوات نمی کنی ؟

خواجه گفت .

خاموش که اگر برادران دیگر خبر یابند این قدر نیزبتو نمی رسد.

خبر خوب یا خبر بد!

خانم جوانی با عجله وارد معاینه خانه یك داکترشده وازاوخواهش کرد تامعاینه دقیقی از وی به عمل آورد .

داکتر پس از معاینه گفت .

خیلی خوشوقتم که می خواهم خبر خوش را به اطلاعتان برسانم.

خانم رنگش پرید و با لکنت زبان گفت .

ولی‌من‌دوشیزه هستم .

خیلی معذرت میخواهم پس‌اجازه بدهید خبر بدی به شما بدهم.

ملاقات آشنا!

باران به تندی می بارید ومردم با عجله به خانه یا کافی ها پناه‌می بردند دریکی از کافی‌هامردی بادقت به سراپای مرد دیگر که بارانی خوبی به تنی داشت نگاه کردسپس به او گفت .

به نظرم‌می‌آید که ما سال‌گذشته با هم درهمین کافی همدیگر را ملاقات کرده ایم .

دومی جواب داد .

ممکن است اما متاسفانه من شما رابه جاه نمی آورم شمامطمئن هستید که مرا می شناسید .

او گفت .

شما را نه اما بارانی را می شناسم .

آن مرد جواب داد .

سپس قطعا اشتباه می کنید چون که‌سال گذشته من‌این بارانی را نداشتم.

اولی گفت

صحیح می فرمایید اول من آن را داشتیم .

دروغگوی کم حافظه

پیر مردی مدتی بستری بود امیدی به بهبودخودنداشت یک شب‌که‌در رختخواب افتاده بود زنش را دید که‌مشغول کاغذ نوشتن است‌پرسید .

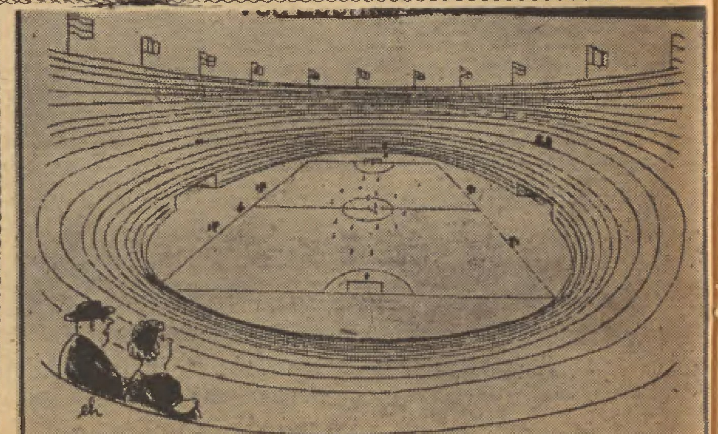
باز میخواهی به که کاغذ بنویسی

به پسر کاکایم .

بااو چه کار داری .

میخواهم مژده سلامتی ترا به او بدهم که شکر خوب می شوی

پیر مرد آهی کشید ودیگر چیزی نگفت لحظه یی زن قلم را از روی کاغذ برداشت واز شوهرش پرسید راستی عزیزم قبر با «غ» نوشته میشود یا با «ق»



نمایش مسابقه فوتبال

عید

زن و مردی از مهمانی عید بر میگشتند زن رو به‌شوهر کرد وگفت :

عزیزم ! به نظرم صاحب خانه خیلی از دیدن ما خوشحال شد .

شوهر پرسید :

چطور؟

زن جواب داد :

ـ عزیزم ، ندیدی وقتی وارد خانهٔ شان شدیم ، چقدر عبوس بودند ووقتی خداحافظی می‌کردیم، چقدر خوشحال وخندان بودند .



این عکس نمایانگر یکی ازساختمانهای قدیم کابل است که درآن طرز کارارسی‌هاحواشی وکندن کاری با دقت زیاد انجام‌گرفته است .

قمر

های قمررا بمانندکوه های سربفلك کشید ۀ (آلپ)، (اپینین) و«قفقاز» میدانندوبلندترین قله های‌کوه های قمر (دارفیل) است‌که ارتفاع آن به «۷٦۰۰» متر بالغ میگردد.

وقتی انسان اززمین‌کوه های قمر رامشاهده کند آنرابه شکل درخشنده وروشن می بینند واین بخاطرآنستکه‌اشعۀخورشیدروی آن‌انعکاس میکندوایجادروشنی ودرخشش مینمایدواماقسمت های فرورفتگی آن تاریك بنظر میخورد و از ینجابودکه پیشنیان ، درین باره بخطا رفته وآنرابنام (دریاها) و(محیط ها) می شناختند، لیکن حقیقت آن است‌که درآنجاقطره آبی هم وجود ندارد، زیرابخار آب درفضای قمر منعدم میشود واز میان میرود وبرای آب وجودی در سطح قمرباقی نمی ماند روی همین دلیل‌است که درسطح قمر، شکل وصورتی اززنده جانها سراغ نمیشود وچون آب نیست، زندگی و حیات نیز وجود ندارد واین واقعیت، خودموید این مطلب قرآنی‌است‌که: (آب عامل زندگی وحیات است) .

براکثرقسمتهای فرورفتگی‌سطح‌قمر، نامهای‌ظاهری ازقبیل(بحرباران‌ها)، (بحررعدها)، (بحرابرها) (بحرصاعقه ها)، (محیط هادی)، (خلیج قو س قزح) گذاشته شده است .

نام های اسلامی برسطح قمر :

ازهمان روزگارانیکه دانشمندان اسلامی در رشته فلکیات، نبوغ خویش رابجهانیان نشان دادند وسربه رصدخانه های فلکی سپردند ، روی بعضی علایم ونشانه های قمر، اسمای اسلامی‌جاگرفت‌که ازمشهورترین آن دانشمندان عبارت از: البیرونی افغانی، ابوالوفا، ثابت بن‌قره، الفرجانی،الخازن، وابوعیسی‌الاسطرلابی میباشد .

یکی ازدانشمندان معروف جیولوجی ودکتور بنام مصری (دکتور فاروق باز) که درتنظیم پروگرام های فضایی امریکایی نیز کارکرده است، موفق به کشف خالیگاه ویامساحه‌کوچك مشتابه به صحن حویلی، درسطح قمر گردید این دکتور مصری موقعی باین‌کشف خوددست یافت‌که عکس های دست‌داشته فضا نوردان سفینه اپولو شانزده رابدقت ملاحظه کرد وازخلال آن عکس هاواز لابلای برآمدگی ها و فرو رفتگی های سطح قمر، توانست که بسیار ماهرانه، این قسمت هاراکشف کند ودرعکس هادریابد وبنابران این نقطه تازه کشف شده ازطرف مجلس علوم‌فلکی جهانی بنام (خالیگاه عرب) مسما گردید ، چنانچه بدنبال مسافرت فضایی اپولو هفده سه خالیگاه جدید دیگر بنام های علمای متبحر اسلام وعرب از قبیل: (خوارزمی)، (ابن خلدون) و(جابر بن حیان)نام گذاری شده است ودرحقیقت نشانه ها وعلایم سطح قمرکه اسمای دانشمندان اسلامی‌گذاشته شده وبنام های ایشان مسما گردیده است تاکنون به (۱۸) خالیگاه ویاساحه ووادی بالغ میگردد.

درین اواخر میگویند که مراکز ومراجع مربوط ، نام مرحوم دکتورمحمد رضامدور راکه یکی ازدانشمندان بزرگ مصری درعلم فلك بشمار میرود، برروی یکی ازنشانه های سطح قمر خواهد گذاشت واین فیصله ای است که اخیرا ازطرف منابع ذیدخل، اتخاذ گردیده است .

نندار تون بین المللی

بسلسله همین نندار تو ن ها کمپنی (ای- ام- کی) برای نخستین باز نما یشگا هی را بکمك موسسه انکشاف صنایع ملل‌متحد(او نیدو) از از تاریخ ۲۲ تا ۳۰ سپتا مبـــــر ۱۹۷۵ در شهر برلین دایر می‌نماید پروگرام تطبیقی (او نیدو) که هدف اساسی آن بحث ومنا قشه پیرامون تولیدات وانکشاف آنست برای ۶۰ مولد از ۱۵ کشور روبه انکشا ف



در نندار تون برلین ۵۷ کشـور سهم گرفته بودند

فرصت می دهد که درباره تو لید. پرابنمهای تخنیکی تولید مار کیت ها وتحولات مبا حثه ومناقشه نمایند

تجارب موسسه انکشاف صنا یع ملل متحد نشان مید هد که فعالیت هـی اقتصادی دول روبه‌انکشا ف بایك تماس مستقیم به مارکیت‌های تعین شده بیشتر مو ثر واقع مـی گردد ونتیجه خوب مید هد .

درسال ۱۹۷۶ بورسه بین المللی توریزم آی -تی -بی برای‌دهمین باز از ۲۸ فبروری تا ۷ مارچ بزرگترین نندار تون را در برلین دایر می‌کند.

در شهر برلین غربی سا لا نه بر علاوه موسسات بین المللی گرخندوی جهان ادارات دولتی جها نگرد ی ، هوا پیمایی ها موسسات زیل ،موترو هوتل نیز گرد هم می آیند ورو ی مو ضوعات ذیعلاقه صحبت می نمایند درسال ۱۹۷۵ در نهمین بورسه‌بین المللی توریزم ۳۹۴ موسسه از ۵۷ کشور سهم گرفته‌بود که از آن د ر حدود یکصدهزار تما شا جی‌منجمله ۵۰۰۰ کارمند فنی از ۸۵ کشـور جهان باز دید نمود .

کمپنی‌نما یشگاه ها نندا ر تون وکانگرس (ای -ام -کی) از تاریخ ۲۳ تا ۲۶سپتا مبر ۱۹۷۵ بکمـك موسسه مشور تی ممالك عربی وارو پایی (ای-سی -اف) نندار تو نـی را تدویر می نما ید که هد ف ازدایر نمودن این نندارتون انکشـــاف و همکاری میان ملل عربی در سا حـه صنایع می با شد این سیزد همیـــن نندارتون واردات کشور ها ی‌ماورای بحار است که پروگرام آن توسـط موسسه انکشاف صنایع ملل متحـد موسسه انکشاف بین المللی الما ن (دی- اس- ای)(ای- ام- کـــی) بهمکاری گروپ مشاواز تـــــی انجنیری اروپایی (سی -ای)بی-آی وموسسه انجنیری اروپای(سی-ای-دی‌آی)پیش برده میشود ملل عربی برای نخستین بار فرصت انرا مـی یابند که پرا بلم های انکشـــا ف

نندارتون بر لین شهر نندار تون‌ها درپال فونك تودم

تخنیکی در میان بگذا رند ونمایند گان آنها با موسسات مشاورتی بین المللی مباحثه ومنا قشه نما یند .

ستاره گان افسانه‌ساز

دیده شد که ممتاز قربانی شده‌بود آنهم قربانی یك تازه ظهور نو بـه سینما آمدهٔ که زینت امان نـــام داشت که پیش ازفلم دیوا نند در فلم های (هلچل) و (هنگامه)ظاهر شده بود ولی طوریکه توقع داشت مصدر درخشش قانع کننده نشده بود.

فلم های متعدد یکی پی دیگر با شرکت‌زینت بروی‌پرده سینما آمداما تدریجاً علاقمندی‌مردم روبه استخفا میرفت که این موضوع پیکر حر ص وآز دیوانند را میخورد تا آنکـــه احساس نمود او در پهلوی‌هیمامالنی خوبتر میتواند نیات ومقاصد پو ل وشهرت طلبی های کذا ئی خود را تامین نماید وهمان بود که دسـت بدامن هیما زد وپنج فلم با شر کت اوعرضه نمود که متاسفانه هیچیك

ازاین فلم ها توقعات دیوا نند را قسمی که پیش بینی میکرد برآورده نتوانست از جانب دیگر زینت امان منحیث یك ستاره باپاس و حـــق شناس باوصف افواهات وشایعات فراوان که مسلما صدمه به حیثیت او وارد میکرد دیوانند را احتـرام می‌کرد وبمشوره او در فلم‌ها ظاهر میشد اما وقتی ایـــن احساس در زینت بوجود آمد که دیوانند از او بحیث یك حربهٔ پول آور کارمیگیرد ازاو رخ‌گرفت ادیگر خود را محتاج ومقید هدایات ومشوره های دیوانند نخواند وفقط آنچه برایش صوا ب جلوه کرد بدان عمل نمود.

دیوانند مدعی شده که درموفقیت های بزرگ زینت نقش مـوثـر و فعال داشته واو بود که از یـــك دوشیزهٔ عادی ستاره معرو فـــی ساخت .

زینت مقابلتا گفته است کـــه دیوانند همیشه باین دستورالعمـل متکی بوده که باید هیروسین های همبازی او همواره مغلوب و شکست خورده مقابل او باشد چون او باین موضوع ملتفت شده دیگر حا ضر نگردد مقابل یك‌بازیگرپنجاه وچهار ساله که دیگر هیچگونه نیرنگـــی برای موفقیت خود نمیتواند بخر چ دهد مغلوب وسر شکسته گردد از اینرو بادوستی ریاکارانه ومغرضانهٔ او وداع گفته است .



زینت امان درفلم (هری را ماهری کرشنا) که باخذ جایزه نایل آمد.

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

محمدعارف رضا زاده

نقش زن در جامعه

زنان روشنفکر ومنور در جامعهٔ نقش ارزنده یی داشته ودر امور اجتماعی سهم فعالی‌دارند. جای مسرت است‌که باآمدن نظام فرخنده مردمی در کشور تحولات زیادی در نهضت نسوان رونما گردید و زمینهٔ کا ر و فعالیت وجنبش را برای آنها فراهم سا خت تازنان امروز دوش بدوش برادران خود دست به فعالیت زده درحل پرابلم های اجتماعی باآنها همکاری نمایند. ودیگر جای آن با قی نمانده است که گوشه‌گیری را اختیار نموده

وتنها درامور خانه مصروف باشند بلکه درصحنه‌عمل قدم گذاشته عقاید خرافی و تعصبات را ازدماغ خود دور نما یند و در اجتماع خودمصدر خدمات ارزنده گردند . و ازنیروی جسمانی وقوهٔ دماغی خودکار گر فته برای همنوعان خود همکاری ومعاونت نمایند. این نظام مردمی ازماکار و فعالیت میخوا هد

پس باید زنان ومردان کشور دوش بدوش همد یگر در جهت تر قی وتعالی کشور سعی بلیغ ورزیده وبا ارادهٔ راسخ و متین خد ما ت قا بل قدری انجام د هند وباید احساس این مسؤلیت رادر نهاد خود پرورش دهند که چه وظایفی رادر اجتما ع بدوش دارند وچه باید بکنند ؟

البته بادرك این احساس دست به فعالیت زده وظایف خودرا با صداقت و راستی پیش می‌برند. پس بیائید باعزم متین‌درردیف برادران خود قرار گیریم ودر پیشبرد امور اجتماعی وفرهنگی وکلتوری کشور سهم بگیریم ونیروی جسمانی ودماغی خودرا بکار اندازیم ، تابتوانیم با سعی وتلاش وپشت‌کار کشور باستانی خود را در پرتو نظا م خجسته جمهوری به‌پیشرفت های زیادی نایل سازید.

تمنا

زن

زن ای آموز گار ، راز هستی
زن ای آهنگ ساز، سا ز هستی

زن ای شهکار کلک آ فرینش
زن ای دیباچه ی اوراق دانش

زن ای جنس شگرف دست قدرت
زن ای سرچشمه ی راز طبیعت

زن ای بنیان گزار کاخ فر هنگ
زن ای زینت فزای جام‌واورنگ

زن ای‌خورشید اوج دلر با یی
زن ای **نقش دل انگیز خدایی**

زن ای روشنگر شبهای ظلمت
زن ای رونق ده‌ی دنیای خلقت

زن ای امید بخش ومهر بخشا ی
زن ای عشق‌آفرین وعشق آرای

زن ای چون روح در جان‌تمدن
زن ای درس دبستا ن تمد ن

بشر را چاره ساز و یار استی
گهی دخترز مانی مادر ا ستی

زمهر ورای نیک ودانش وهوش
جهانی راتو پروردی در آغو ش

بگیتی کاروان سالار با شی
بافراد بشر غمخوار با شی

زتو داردجهان رنگ و نمود ی
زبودنست ، مارا هست و بو د ی

سپاس‌بی شمار از ما نثا ر ت
درخشان باد، روز و، روز گارت

دپروین قسیم ملك زاد په قلم

په‌ټولنه کښې دښځې حقوق

که دتاریخ پاڼې یو په بل پسې واړو وبه وینو چه په پخوا زما نو کې ښځینو کورنیو ته دلور پیداکیدل شرم او ننګ بریښیده هغوی یې ژوندی په ګور کولی دایو سترظلم‌و چه د ښځو په حق کې کیده په اوسنی وخت‌کی ښځینو کورنیو ددوی په‌حق کی له بی انصا فی څخه کا راخیستی دی ا و ددوی ژوند یې د تبا هی او فنا سره لاس او ګریوان کړی د ی اولا تر اوسه هم زمونږ دهیواد په ښځینو ځایونو کی په دی برخه کی‌یو لږ نا خوالی لیدل کیږی‌چه‌ښځینی کورنی ددی حرکت څخه ډیر په تکلیف د ی او ژوند یی ډیری ستونزی قد م په قدم تعقیبوی که‌په پرا خه نظر وګورو اوس هم دولورپه‌نامه زیاتی بیغلی‌یو په بل پلورل کیږی چه زمونږ په هیواد کی اکثرا روا ج‌لری دغه مسله ښځینو کورنیو ته د بحث وړنه ګرځی دخپل غرور ، خو د خو اهی او احسا ساتو د پاره ددی په نامه سیال او شریك لری بی‌له دی چه خپله‌اینده په نظر کی‌ولری اود حق بینی څخه کار وا خلی خپل تصمیم قاطع ګڼی او هغه ته دعمل جامه ور اغوندی او یو بیچاره‌انسان دخپلی غو ښتنی په‌اثر د تبا هی او فلاکت سیند ته غورځوی .

ایا په رښتیا سر ه‌چه دغه رویه ظالمانه نه ده ایا دیو نا توا ن‌موجود دژوند لاری بندول‌دعقل‌اود منطق سره سم دی آیا دپیغلی خر خول او دهغی ژوند د خرا فی افکارو په اساس په لاس کی مړل او په‌اینده کی یی ژوند د ستونزو سره‌مخامخ کول او دسر نوشت سره یی لو بی کول دانصا ف او انسانی ترحم‌څخه لیری نه دی ؟

هو . په ښځینو ځایو کی چه زیاتی نیمګړ تیاوی په ښځینوکورنیو کی لیدل کیږی ټولی‌یی‌ددغو کارونو څخه سرچینه اخلی چه دیوی کورنی هوسایی په‌شخړو او بد بختی بدلوی .

له نیکه مرغه له‌هغه وخت‌راهیسی چه دښځو نهضت زمونږ په هیواد کی د جمهوری انقلاب د لارښود په لارښوونه منځ ته راغی ورو ، وروو ښځی حق ا وحقوقو ته غاړه‌کیښودله شوه‌د آزادی حق یی په هره زمینه‌کی څه په شخصی چارو کی او څه په اجتماعی چارو کی ورکړ چه له هغه وخت څخه تر اوسه ډیر پرمختګونه ددوی په‌نصیب شوی دی‌که و رته ځیرشو ښځی هم لکه نران عقل او شعور لری او دد وی استعدا د په‌هره برخه کی ددیونږ داستعداد په ځیر ظاهر کیدای شی او دعملی کولو قدرت یی لری .





زن از نگاه شاعران ونویسندگان

شاعران بزرگ وسخنسرایـــان با احساس در شرق وغرب در ستایش جمال وکمال ز ن دادسخن داده‌اندواورا منشاء شوق وعشق بـــه زندگی دانسته اند .

لردبایرون نویسنده وشاعر انگلیسی، تحت تاثیر جذبهٔ زیبایی زن چنین میسراید :

(ای زن ! باید تجربهٔ زندگی به من‌آموخته باشدکه هرکس نزدیك توآید، خواه وناخواه، سردرپایت خواهد نهاد. من چه‌کنم ؟! هرگاه ترامی بینم‌که بازیبایی هوش ربای خودخرامان به من نزدیك می شوی. هرچیزرابه جزمهرتو فراموش می کنم .)

ای زن ! چرابه هنگام نخستین دیدارچشمان مست توکه گاه صفای آسمان لاجوردین وگاه درخشندگی شعله های‌آتشین رادارند ودرهردو حال، درزیرمژگان وابروان تورهزن دل وکانون هوسند، دل مابی اختیار به تپش می آید؟.)

همچنان لامارتین شاعر شهیر فرانسه،وجود زن رامایه زندگی وعشق به هستی وموهبت عظمای آسمانی می شناسد. ودر ستایش او بدینسان داد سخن میدهد .

(ای زن ! ای برق فروزنده ایکه فروغـت دیدگان مراخیره می‌کند. ای گلدان آراسته‌ایکه بادست‌کوزه گرآسمانی ساخته شده‌ای ونشانی ازدرخشندگی اوداری، آخربرای چه دیدگـــان مشتاق مادربرابر نگاه توچنین مجذوب وفریفته میشود ؟

(عطر های شما، فضارابرای ماعطرآگین تر میسازد. وقتی‌که نفس میکشید هوانیست کـه درسینه های خودفرو می‌برید بلکه روح‌ماست که همراه نفس ، پابدون سینه شمامیگذارد .

اما ... اگرنگاه هرمردی مشتاق دیدارچهرهٔ توای زن است، تنهابرای آن نیست‌که لبخندتو فضای راعطرآگین می‌کند، برای آن نیست کـه سایهٔ مژگان توزادگای اندیشه هایی است‌که روح مادرهوای آنهابال می گشاید . تنهابرای آن نیست که مردان جهان تمنای ترادارند .

برای آنست که خداوند ترا، ای آفریدهٔ زیبا ازروزازل، طبیعت قرارداده ووجودت راتجلـی گاه هرعشق پنهان خلق کرده است .

(اشتیاقها وهیجانها باید ازراه روح لطیف توبمابرسند، همچنانکه هرفروغ آسمانی باید ازجانب افلاك برماتبابد . آنوقت هم‌که مظهر عشق نباشی نمایندهٔ امیدومحـــبت مادرانـــه هستی .)

همدغه ښځی‌دی چه‌داسی ماشو-مان په‌خپله پاکه او بی الا شه لمن کی روزی چه اکثرا نوابغ د همد غو ماشو مانو څخه جوړ یږی همد غه ښځه ده چه دیوی کور نی دسعادت او آرامی سبب گرځی او خپلـــی کورنی له صفا او صمیت څخـــــه ډکوی .

نو داسی مو جودات د تمجید او ستاینی وړ ند ی همداو جه ده چـه دښځی بین المللی کال د ښځـــی حقو قو ته ددرناوی یو ډیر ستـــر مثال بللی شو .

نو هیله ده چه جمهوری نظا م‌تر سیور ی لاندی لاهم دښځی مسلـم حقوق وپیژندل شی او دوی ته دا زمینه برابره شی چه‌دخپلوورونـــو سره‌اوږه په اوږه په ټولو چاروکی مرسته وکړی اود خپلی ټولنـــی خد متگا رو په نامه یادی شی .

نقش زنان در اقتصاد کشور

خواهر ما محبوبه صدیق (ذهین) از ولایت بدخشان مضمونی دارند تحت عنوان (نقش زنان در اقتصاد کشور) که اینك چندپراگراف آن انتخاب می کنیم :

زن در پهلوی مادر بودنش همکـــار همسر وعضو مفید جامعه بشری نیز میباشد .

بطور مثال زن افغان اعـــــم ازشهری و روستائی باسواد ویابی سواد همیشه سهـــم فعالش رادر پروگرامهای انکشافی واقتصادی مملکت داشته ودارد، درمیان دشت‌هاووادی ها دردامان دره هاوکوه ها وبالاخره درهمه جـــا نقش زن افغان ومخصوصا درساحات اقتصادی وخدمات تولیدی خوبتر وبهتر آشکار است .

همین زنان ز حمتکش ولایـــات فـــاریـــاب، جوزجان، سمنگان، بلخ، کندز، هرات، بادغیس فراه ونیمروزاند که باسرانگشتان هنرآفرین خویش قالین وقالینچه میبافند واقتصادکشور راتقویه مینمایند .

برعلاوه زنان افغان پشم می ریشند، گلیم ونمدمی بافند ومنحیث دهقان ومالدار نقش عمده وموثری درزراعت و فلاحت ، تربیـــــهٔ حیوانات واقتصاد مالداری وفلاحتی‌وغیره‌دارند. ودراکثر مناطق کشور چون پکتیا، نورستان، شینوار وغیره مستقیما بکار زراعت پرداخته قلبه، زرع، درووآسیاب نمودن وغیره به عهدهٔ زنان است .

همچنان زن افغان درجمع آو ری وتنظیف میوه های خشك وتازه که یك قلم دیگر از صادرات راتشکیل میدهد مستقیما ذیدخـــل است .

زن افغان مبتکر است مبتکر آلات تزئینی ، مبتکر بهترین وزیباترین وسایل سوزن‌دوزی. خامك دوزی های قشنگ وگلدوزی هـــای زیبا حاصل زحمتکشی همین زنان افغان‌است.

همچنان چکمه های زیبا وپوستین هـــا و پوستینچه های مقبول ورنگارنگ محصو لی از انگشتان هنر آفرین زن افغان است .

پس‌گفته می توانیم‌که زن افغان مهربانترین مادر، مفید ترین وموثر تریـــن عضو اجتماع وبهترین یاور ومددگار همسربوده وخواهدبود.

درباره‌عطر چه‌میدانید؟

عطر این رایحه خوشبوی سحر آمیز ، از دیر باز محبوب همه بخصوص جنس لطیف بوده است ، در میان ملل مختلف گیتی کمتر ملتی‌رامیتوان یافت که از استشمام‌رایحه دلپذیر عطری خوشبواحساس لذت نکند و لا اقل برای لحظه‌ کوتاه ازخود بیخود نشود واحساس لذت نکند .

انتخاب عطر :

انتخاب عطر یك امر کاملاشخصی وخصوصی است و اگر خانمها مجبورند که هنگام خرید لوا ز م‌آرایش رنگ وو ضع پوست‌وشکل صورت خود را در نظر بگیرند د رانتخاب عطر ابدا چنین ا جباری را ندارند هر کس میتواند و باید همان‌عطری را بکار برد که بشما مه ا ش خوش می آید .

برای دوام عطر :

شاید برای شما هم بار هااتفاق‌افتاده که یك بوتل عطر خریده اید وسر آنرا باز کرده اید و برای‌یکبار مقداری از آنرا بکار برده‌اید وآنرا برای زینت روی میز آرا یش‌خود گذا شته اید ،اما چندروزبعد سراغ آن رفته اید باکمال تعجب مشا عده کرده اید که بوطل نصف شده است ... وشایدآنوقت به د ختر تان یا اشخا ص دیگر سوء ظن پیدا کرده وتصور نموده اید که او به بو طل عطر تان دستبرد زده است در صو ر تکه هیچکس تقصیر نداشته است وشما نمیدانستید که اگر سر بوطل عطر راخوب محکم نکنید وآنرا با ز بگذارید محتو یات آن به تد ر یج تقلیل می یابد ، زیرا عطر ماده‌است که زود فرار میکند و اگر جای آ ن گرم و پیرا مونش نور و رو شنایی زیاد باشد زودتر وشدیدتر فرار میکند .



برای اینکه عطر تان دوام داشته باشد آنرا در جای بگذارید که نور کمتر داشته باشد و دوم ا ینکه سر پو ش بو طل عطر را محکم ببندید . هیچو قت بوطل عطر را برای زیبا یی دیکو ریشن خانهٔ‌تان روی میز آ رایش نگذارید در ضمن توجه داشته باشید که هرقدربوطل عطر بزرگتر باشد به همان ا ندازه زود محتو یات آن بیشتر وزود تر فرار میکند .



روان شناسی

سن عقلی

همانطور که سن ز مانی سالهای‌عمر شخص را نشان مید هد و می‌گویند مثلا احمد شانزده سا ل دارد همینطور هم سن عقلی میزان رشد قوای عقلی را شا مل ا ست.ووقتی میگو یند که احمد پانزده سال سن عقلی دارد یعنی یکسال ازلحاظ سن عقلی پائین تر از سن حقیقی خود است . بطور کلی یك طفل یکساله در مدت ۳۶۵ روز ا ز لحاظ قوای جسمی رشد کرده‌است با ید به همین میزان از لحاظ قوای عقلی نیز رشد کند یعنی اگر اویك‌سال حقیقی دارد باید یکسال هم سن عقلی داشته باشد و همینطوراگر دو سال سن ز مانی دارددوسال هم سن عقلی داشته باشد. ا متحان‌هوش هم برای همین منظور تعبیه شد تا یقین کند آ یا قوای عقلی‌پا بپای سن زما نی جلو رفته است یانه .

بعضی از افراد هستند که هو ش‌آنها جلو تر از سن ز مانی‌آنهاست وبعضی هستند که سن عقلی آ نها‌پابپای سن ز مانی جلو میرودودستهٔ دیگرهستندکه سن عقلی‌آنها کندتر ازسن ز مانی آ نها جلو میرود .

جوانی

ــباز ، خیلی کار ها را میتوا نانجام داد ،ولی جوانی رانمی توان خرید .

« **رامیموند** »

ــجوانی نیز ما نند پاکترین وبهترین عشقها سر انجامی دارد .

« **گو ته** »

ــ جوانی گو هی‌است که رشته‌طفو لیت رابه سهو لت می بندد.

« ... ؟ »

ــ جوانی ستاره ایست که فقط‌یکبار در آسمان عمر طلوع میکند.

« ژوبرت »

ــ برای یادگرفتن آ نچه که میخواستم بدانم ، احتیاج به پیری داشتم واکنون برای خوب بیا نکردن آ نچه که میدانم ، ا حتیاج به جوانی دارم .

« **ژو برت** »

ــ فرق اساسی بین جوانی‌وپیری آنست که مقصد اولی ــ ز ند گی و هدف دو می ــ مرگ است .

«**شو پنها ود** »

« **فرستنده : نریمان ، ن** »

اگر به تربیهٔ گل علاقمند هستید!



این را میدانید که گیا هان ازراه برگها تنفس می کنند. پس‌هراندازه برگها درشت تر و ضخیم تر باشد بیشتر باید مواظب بود تا سطح‌آنرا تمیز و در خشان باشد . برای این منظور مر تب روی بر گها را بـا دستمال نم دار از گرد و خاك پاك کنید و ضمناً بد نیست بدانید که این تنفس از راه ریشه نیز صورت میگیرد ، بهمین دلیل است کـه همیشه باید گیا هان را در گـلدان گلی کاشت تا از راه خلل آن امکان تنفس وجود داشته باشد بنابراین هرگز نمیتوان انتظار داشت که در گلدانهای کا شی ، چینی و یافلزی، گل وبته بخو بی ریشه کندوشاداب باشد . برای اینکه روی‌سطح‌خارجی گلدان قشر سختی بو جود نیا یـد ومانع نفوذ هوا نشود هردو هفتـه یکبار خاك گلدان را نرم کنید .

دانسانی تولنو په مقابل کښی دمیرمنو مسئولیت

نني ژوند ښځو ته ډيری در نـدی وظيفي ور په‌غاړه کړی دی بايدسر له اوس ښځه‌کوښښ وکړی چه‌دخپل خدای وطن ،خلکو اووجدان پـه وړاندی خپلی وظيفي په ښه وجهـه تر سره کړی،

په اوسنی وخت کښی هره نيك‌ـ مر غي او بد بختي‌چه‌په ټولنه کښی پيدا کيږی له کورنی ښځه مينځ ته راځي نو بايد چه ميرمنی له همدی دوری ښځه ښا نو نه له هـر ډول مشکلا تو سره د مجادلی دپاره چمتو کړی له هر شی نه دمخه يی‌ميرمنی نه علم اوادب ضروری دی ځکـه علم اوپوهه لکه يوه ځلانده ډيوه ده چه مونږ تـول له ډيرو خطا گا نو اوورکو لارو ښځه ژغوری اودسعادت اونيکمر غی په‌لور لار ښونه را ته کوی ښينی ميرمنی زمونږ په ټو لنه کښی ليدل کيږی چه‌د ډيرو بدبختيو اوستونزو سره لاس او گريوا ندی ځکه‌چه‌ددوی‌په کورنی‌کی‌دعلـم او معرفت روښانه‌څراغ‌بل‌شوی‌نه‌دی‌اوله دی نعمت ښځه بی برخی شوی‌دی لکه ځنگه چه پوهيږو ټول بشر د- ژوندانه په تگ لاره کښی له ډيرو خنډو نو او مصيبتو نو سره مخامخ دی نويوانځی له عظمت نه ډك‌ملگری چه زمونږ سره دژوند په سختـــو مر حلو کی مر سته کو لی شی‌علم اوپوهه ده‌چه دژوندله داسی خنډونو ښځه موراباسی په تيره بيا اوسنی ميرمنی ډيرو معلو ماتو درلودلو ته اړتيا لری ځکه همدوی دی چه دنن ورځي دکورنی بنسټ په خپلو لاسو نو ږدی دميرمنو نور صفتو نه د- هغوی عفت پاکه لمنی تشکيلوی،

يو بل صفت ددوی حو صله او صبر دی ځکه ټولی ميرمنـــی ددی دپاره چه کورنی چاری په غاړه لری نوبايد دصبراو زغم خاوندانی وی‌که دوی حو صله او صبر ونه لری اود ژوند له ډگر نه ژر بير ته شی له بـد بختـی او بـد مر غی پر ته دبل شی سره نه مخا مـخ کيږی نو بايد ميرمن ځان دژوند له ټولو ستونزو سره مجادلی ته چمتو کړی تر څو دبری‌او کاميابی غيـږ ورته خلاصه شی اود جمهوری نظام دغو ښتنوسره‌سم‌دهيواد ،هيوادوالو اوخپل وجدان په‌وړاندی خپل نقش لکه ځنگه چه ښايی په ښلا نده توگه ځرگند کړی‌اوهغه‌ارمانونه راوسپړی چه زمونږ ښځو اونرو دمودو مودو ښځه راپه ديخوا درلودل او او س‌د هغو دراسپړ لو دپاره گيوړ او اغيز من پلانونه دعمل‌ډگر ته‌وړاندی‌شوی دی.

جوان کیست؟



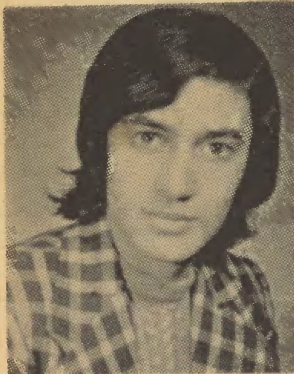
پیغله ثریا سلطانی

جوانان بایست خو یشتن را بـا زیور علم و دانش بیا رایند و د ر فراگرفتن معلو مات ارزندهٔ همـه شئون حیاتی از سعی و مجا هـدت دریغ نور زند و هر گو نه سد هـا وموانع را در راه پیشرفت مـعقول خویش بگسلندتا باشدکه‌براندوخته های علمی خویش بیفزایند ودرشمار يك جوان واقعی در اجتماع عـرض وجود کنند و رسالت خود را بحیث يك جوان در اجتماع درك کنند.



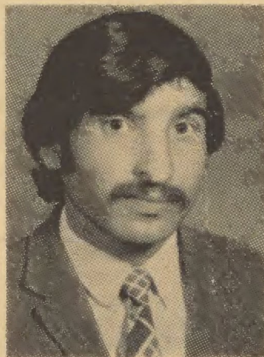
غلام محمد (سخی) :

به عقیدهٔ من جوان کسیست کـه دارای فکر و اندیشه جوان و رفتار، کردار و اعمال خوب و نیکو بوده ، در راه پیشر فت جا مه عه خو یش از هیچگو نه سعی ، کوشش‌وفداکاری چشم‌پوشی‌نکند وهدف عمده ا ش خدمت بمردم واجتماع باشدوهمیشه مفاد اجتماعی را بر مفـاد شخصی ترجیح بد هد .



ښاغلی عظیم ر حیمی متعلم صنف دوازدهم لیسه استقلال

من عقیده دارم که جوانان‌امروز باید مسئو لیت های اجتماعی خود را هیچگاه از نظر دور ندارنـد . همین طبقه جوان است که در تما م ممالك دنیا ، مجله امور ا جتماعی‌را بدست دارند . چرخ اجتماع توسط جوانان گر دانده میشود . پس‌برای اینکه این چرخ بصورت درست بـه گردش بیاید ، باید جوا نان آ نرا صحیح و درست بکار اندازند .



ښاغلی قربان یارزاده :

بنظرم جوان آنکسی است کـه بانیروی که در اختیار دارد بیشتر کار هارا بدوش کشد و مشکلات را از سر راه جا معهٔ خویش بدور کند وآینده را خوشبینانـه بنگرد و راه های پیروزی را برای جوا نـا ن جستجو کند و جا معه را ر هبری کند ، درس تحمل و برده باری را بر همه بیا موزاند و رسالت‌تاریخی خودرا بداند و بروشنا یی آن عمل کند خلاصه بـاید گفت جـو ا ن کسیست که بیشتر کار کند وبرای ارتقای جـا معه همیشه سعی و مجا هدت نماید .

بقیه صفحه ۳۱

فردریکو فللینی

به همین دلیل راه پدر و مادرش را که می خواستند او تحصیل یافته شود ترك کرد وبسن ۱۷ سالگی راه خودش را گرفت. اول به فلورانس آمد ودر اداره روز نامه مشغول کار شد و بعد بسوی روم رفت و برای سیاحان تصویر می کشید و همچنان ستون طنزی دریك روز نامه می نوشت و بعدها با یك گروه هنری سیار پیوست. به هنگام جنگ عمومی دوم فللینی بحیث یك فلم نویس کمیدی شهرت داشت. باآنکه جنگ کارسینمایش را متوقف ساخت ولی برایش زنی بهمراه آورد بنام گولیتا ماسینا که در چندین فلم بعدی فللینی بحیث هنرمند زن شرکت کرد. ولی تا هنگامیکه جنگ پایان‌نیافت وروسیللنی بانوشته فلم «شهر روباز» به کمکش نیامد فللینی با فلم های عمیق سر و کاری نداشت امروز، با یازده فلم شکوهمند در عقبش، ثروت بیکران و شهرت جهان، فللینی می تواند دراه ساختن یك فلم غیر قرار دادی تلاش کند ولی نمی نماید. او هنوز راه میانه را بر گزیده است. برخی از دوستان فللینی‌ادعا میکنند که‌زنش اورا در یك «زندگی بورژوازی» زندان کرده است. ولی البرتو لاتودا که برای اولین باربحیث‌معاون کارگردان در فلم «نور های‌مختلف» ۱۹۵۰ با او همکاری کرد مخالف این نظر است. گرچه او زمانی یك موتر جاگوار کرم رنگ داشت ولی اکنون یك فیات ساده‌را میراند. در اپارتمان کوچکی در جاده ویا مارگوتای روم زندگی کرده و گاه گاهی به‌خانه ساحلی اش در فریگن می‌رود خودش‌میگوید «فضای طرف علاقه ام یك‌استدیوی برهنه است تابتوانم آنرا چنانچه می خواهم مانند یك جادوگر تزئین کنم.»

زندگی اجتماعی‌فللینی محدودتر از کار های روزانه اش است. او وزنش فقط چند دوست محدودرا می بینند. در بین آنان بالتوس نقاش فرانسوی و چند همکارش به شمول نیز او تا آهنگ سازی که آهنگ بسیاری فلم هایش را می‌سازد، وجود دارند.

در روز های کار دو نفر از همکارانش رینالدو گلینگ، هم اتاق دوران جنگ که برای چندین فلم صحنه آراسته است و اتور بویلاکوا می باشد که بیش از ۲۷ سال با او یکجا زندگی کرده‌است. طی یکسال او فلم «شیخ سپید» را خودش کار گردانی کرد. درحالیکه این فلم توجه منقدین را بیشتر از تماشاگران جلب کرد فلم «من و یتو لنی» برایش پیروزی بهمراه آورد. بگفته پتر بوگدانیم «در همان فلم ها کافی بود که فللینی را به حیث یك کار گردان بزرگ معرفی کند» ولی شهرت اساسی او در فلم «لاستلرادا» که می‌توان آن را شاهکار فللینی خواند بمیان آمد. این فلم‌درسال ۱۹٥٤ به‌بازار آمد ودر آن قصه مرد وحشی ظالم وتندخو (انتونی کیون) و زن ساده اش (که نقش آن رازن‌فللینی بدوشت داشت) بازگو میشود. این فلم برای فللینی جایزه ادکامی را ببار آورده به او چهره بین المللی داد.

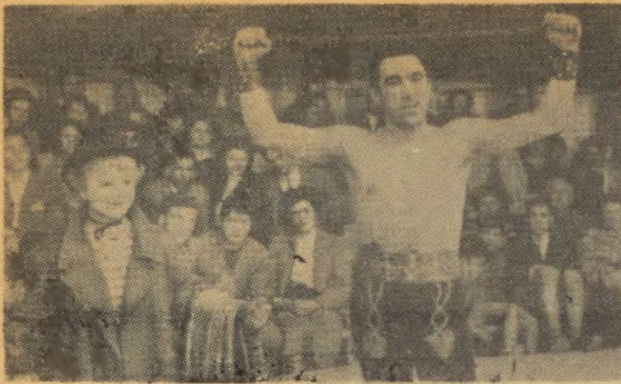
پیروزی این فلم بایك سلسله فلم های دیگر چون «شب های کابیرا» «ایل بی ان» بهمراه بود ولی در سال ۱۹٥۹ فللینی فلم «له او لبس ویسا» که پرده ازروی انحطاطهای اخلاقی و بیگانگی اجتماعی بر می‌دارد واز طرف واتیکان بحیث فلم «وقیح» خوانده شد بپایان رساند این فلم برایش جایزه کان‌رابهمراه آورد.

بااین فلم فللینی از خط یك فلم ساده چون «لا ستـرادا» بسوی تصورات سینمایی در فلم« له دولس ویسا» گام بر داشت در این فلم باعمق بیشتر از معجزه های مذهبی تاغول های بحری صحبت کرد و مار چلو ماسترو یانی را در سطح یك ستاره بین المللی به شهرت رساند.

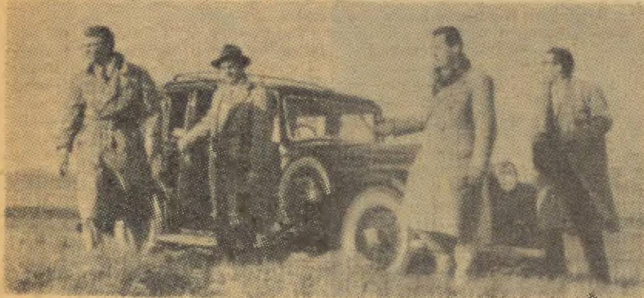
فللینی آمیخته با پیروزی های این فلم ها سه سال بعد فلم «هشت ونیم» را روی پرده آورد. این‌فلم بالهجه بی پرده از زندگی یك کار گردان، خودش ــ سخن می‌زند که بگفته البرتو مورو یا ناول نویس ایتالیا بمانند درام«یولایسی» جمیس جویس می باشد.

تااینجا بسیاری فلم های عظیم فللینی سیاه و سپید تهیه شده‌بود. او درسال ۱۹٦٥ نیرویش راددر ساختمان یك فلم رنگه بنام«ژولیت ارواح» ریخت در این فلم بار دیگر گولیتا ماسینا زنش نقش بازی‌کرد وباوجود غنای تصور با استقبال سردی روبرو شد و چندی بهمین حال باقی ماند وطرفدارانش کم کم از او دل بر می داشتند تا اینکه فلم«مار کورد» که می توان آن راه خاطره دوران کودکیش در رینی خواند بار دیگر او را در ردیف بزرگترین کارگردانان قرار داد.

بااین فلم فللینی نشان داد که یکی از دقیقترین کار گردانان معاصر است. او برای اصالت نمایشش در فلم «کازانوا» ازهمان گیاه های در رنگ کردن لباس کار گرفت که در قرن هژده مروج بود. وهمچنان برای آرایش موی‌هنرمندان فرمایش داد تا ۱۰۰۰ دانه موی ساختگی که هر کدام آن ۳٥۰ دالر مصرف دارد، آماده بسازند. از آنجا ییکه مقدار کم هنر پیشگان این فلم حرفه یی اند فللینی ساعت ها را برای تنظیم کار مصرف خواهد کرد. او برای یافتن چهره های‌که



صحنه ای از فلم «سه استـــردا»که‌درآن انتی نکوین نقش داشت



صحنه از فلم «من وسیلونو»



صحنه ای از فلم «شیخ سپید»



مار چلو در فلم «استرادا»



یکی ازفلم های فلپینی

در شعورش است در بـدر بد نبا ل
مردم می گردد .خودش میگو ید :
« بسیاری مواقع هنگامیکه بدنبال
چهره شخصی‌می‌گردم‌صا حب‌آن‌عکس
مرده است بز ندان افتاده ویاتغییر
جنسیت داده است . »

او برای گو یا سا ختن‌فلم‌هایش
در لا بلای او راق کتاب هاونمایش
نامه ها به جستجو نمی پر دازدبلکه
سعی میکند از قدرت تخیل خود کار
بگیرد . باری هنگام فلم بـر داری
کازانو ا صحنه ای از کارنیـوا ل
وینس را با پل عظیم ر یا لتو کـه
۴۵۰ هزار دالر خـرچ بر دا شت
بوجود آورد . ولی در آ خرین‌لحظه
از نمای عمو می ناراض شد و همه
را بر هم زد . فاصله بین ا نتخاب
یك مطلب برای فلم بر داری و آغاز
آن‌طولانی می باشد برای ساختن‌فلم
« له او لس ویتا » دو سال تـفکر
کرد و همچنان فلم کا ز نوا دو سال
باده‌تولید کننده فلم‌را در بر گرفت.
او در فلم بر داری عجله ندارد زیرا
میگوید که «ایــن کار احسا س
هم آ هنگی » را بر هم میزنـد .
بسیاری مواقع یك چرخ تمام فلم را
از بین می‌برد و آن رادوباره با دید
نو فلم بر داری می‌کند .



صحنه‌ای فلم «رویت ارواح»

نویسندگان داستان فلم از اودل
خوش نیستند . و قتیکه تصمیـم
گرفت فلم را تهیه کند فللینی روی
آب های نا آرام خلا قیت هنری‌قرار
می گیرد و همکا رانش خود را چیز
زیادی حس می کنند .

چند سال پیش فللینی نا گها ن
بدون کدام دلیل‌همکارش‌انیوفلایانو
را ترك کرد . معاون جدیدش‌جرالد
مورین می گوید : « مشکل نا شی
از آن است که فللینی مانند تما م
اشخاص دارای‌قدرت خلاقه‌بخـو د
متمرکز بوده و ناخودآگاه‌همکارانش
رادر جریان خلا قیت مـی کشاند »

گورویدال ناول نویس ا مریکایی



صحنه ای از فلم «له استرادا»

میگوید : « او آنچه بخواهد از یك
نویسنده بیرون میکشد وبعد ا دامه
میدهد . فللینی بسادگی‌نویسندگان
را نمی شناسد .»

هنر مندان فللینی نیز در مو قف
بهتری قرار ندارند .

در فلم کازنوا فـللینی از یـک
هنر مند زن که اشتیاق شرکت در
فلم را داشت خواست تا نقشی‌بازی
کند . برایش گفت : « تو به شدت
چهره‌ای را داری که من می خوا هم
وآن نقش یك گوژ پشت‌میـباشد »
زن بهت زده شد و فللینی برا یش
خاطر نشان کرد که : «گوژ پشت
یك آدم بد هیکل نیست انسا نی
است بایك چیز اضافی. می‌میخواهم
که این شخص خیلی ذ کی باشد »
ولی همچنان سترلند می خواست تا
فلم بز بان انگلیسی تهیه شودچون
خود هنر مند کا نادایی ا ست ولی
فللینی آن را نپذیرفت .

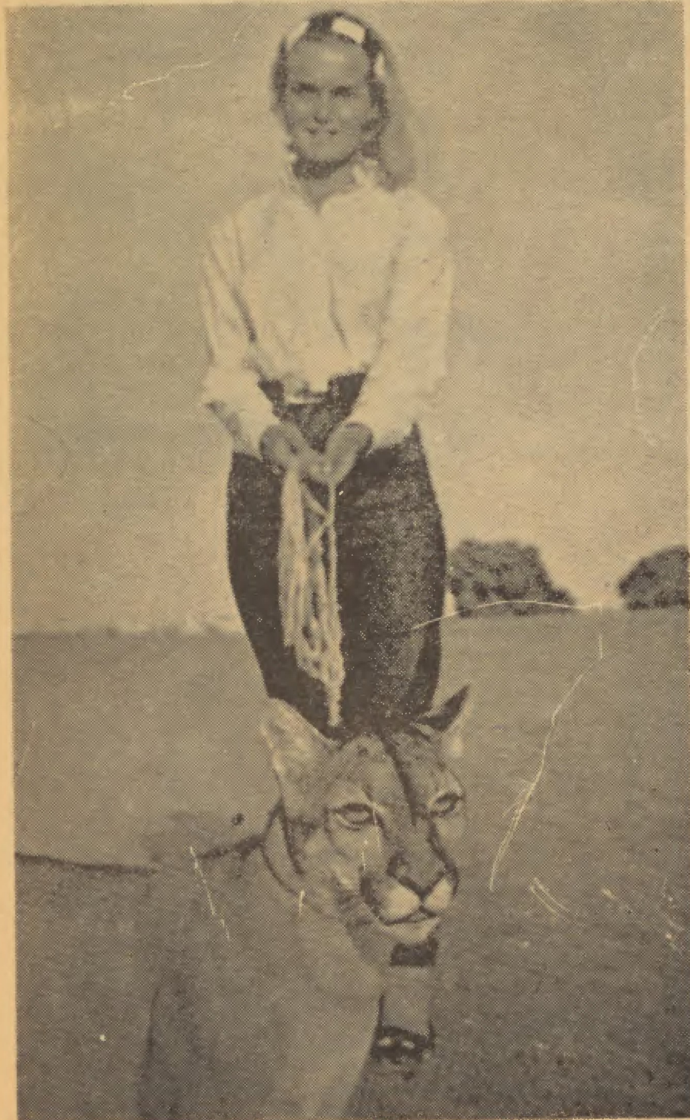
درداناوارنچ

من ازنگر یستن گروپ شیر های
خو ن آشام که بکلیِ نزدیك ما آمده
بودند ترسیدم وبو حشت افتادم،—
شیر ها مقابل ماخیزوجست می‌زدند
وگاه گاهی خیزوجست‌آنها به‌پانزده
فت‌میرسید وحر کات آنها مرابیش
از پیش بخود می لر زا نید ومشوش
میساخت‌هر وقتی‌سنتانلی بر نـگ
پریده وقیافه هرا سنا کم نگر یست
باجها نی از مهرومحبت گفت:

«نترس دوستم نتر س اینهابرای
پذیرایی‌شما آمده اند بااین حر کا ت
خو یش احسا سات شان‌را نسبت
بشما که مهمان‌گرامی من هستیـد
ابراز میدارند من اینها رااین طـور
تربیه کرده‌ام آنها به مهمان عزیـز
هر گز آسیبی نمی رسانند،

سپس سنتا نلی به شیران نزدیکتر
شد وحیوانات باوقار وشجا ع همه
بزانونشستند ورسم احترام بجـا
آوردند وبعد هجوم‌آوردند وسنتانلی
رادر میان گر فتند بااوبه رقص و
مستی پردا ختند من‌ازدیدن این‌وضع
بکلی ازخود رفتم زیرا دریـن خو ف
بودم‌که اگر سنتانلی جرا حت‌بردارد
من طعمه حیوانات درنده خوا هم‌شد
بخود می لرزیدم وغرش وجست و
خیز حیوانات ومستی سنتا نلی و
تماشای آن صحنه حیرت انگیز مرا
بکلی از خود برده بود،،

بعداز دیدن چنین صحنه هـای
حیرت انگیز وسپری نمودن سـه
هفته با سنتا نلی خدا حا فظـی
نمودم وبسوی لندن روان گردیدم،
سنتا نلی راترك گفتم اما صمیمیت
ومهر بانی وفدا کاری‌ومهما نوا زی
اورا هر گز فراموش نخوا هم کرد.



نامه نگار مجله شیری رادام ساخت .

کوتاه. الهسپ. خواندنی

وسیله خوبی برای خانواده های جنجالی

یکی از نارا حتیهای فامیل هاوزن‌وشوهر ها درهمه جا اینست که وقتی بایکدیگر اختلاف پیدامی کنندوداد وفریاد می کنند ،صدای آنها از اپارتمان منزلشان‌خارج‌شده ودیگران‌مخصو صا همسایه های فضول و احمق ازمجرای دعواو نزاع‌شان‌مطلع‌می شوند اخیرا یك مهندس‌انگلیسی بااختراع یکدستگاه مخصو ص این‌همه ناراحتی هارا بر طرف نموده است.

طریق استفاده ازین دستگاه بـه‌شکلی‌است که‌وقتی جنجال ودعو ی فامیل ها ومخصو صا شو هر وزنهااوج می گیرد وازحد معمول بلند تر می گردد، دستگاه‌اختراع شده جدیدخود بخود بکار می افتد وطـوری



آهنگ مو سیقی‌می نوازد که‌ازلابلای‌آن هیچگو نه صدای نزاع ودعوا ی زن وشوهر شنیده‌نمی شود وهمسایه‌ها هیچگاه‌ازکار آنهاآگاه نمی شوند وحتی ممکن است که‌زن وشو هرهم‌وقتی آواز مو سیقی رابشنو ند از جنگ وجنجال دست بکشند.

زنی که قربانی سؤظن یک مرد گردید



آقای ژول مانسون اهل شیکاگو ازمدت ها قبل نسبت به‌زن خـود مشکوك شده بود مانسون مـردی بسیار حسود بود وضمنا حا لا ت و رفتار زنش قسمی بود که نشان می داد زندگی خاصی‌رابرای‌خود انتخاب نموده است.جالب‌اینجاست که این سوظن رایکی از دوستان او دو ری پدید آورده گفته بود که چند بـار زنش رادیده که بیکی‌ازهوتل های بزرگ شهر رفته وازآن روز به‌بعد همه کار های زن بنظرژول غیـر طبیعی بود وهر چه میگفت ومیکرد برای او دلیلی بودبر بیوفایی او. ژول بدوستش گفت هر وقت دیدی زنم به هوتل آید برایم تیلفون کـن دریکی ازروزها ژول کارش بود که دوستش به‌او خبر داد که خودش را برساند زیرا زنش وارد هو تـل‌گردیده واو توانسته حتی نمره اطاق اورا معین نماید ژول تفنکچه را که‌باخود داشت‌آماده‌سا خته وبه‌سرعت داخل‌آن اتاق شد ودر اتا ق نیمـه‌تا ر یك چشم اشـ

به‌طرف هوتل رفت وبدون معطلی‌به همسر ش افتاد که‌نیمه برهنـه روی تخت دراز کشیده ولابد انتظارکسی را می کشید ژو ل بیـد رنگ تفکنچه اش را کشیده چند فیرکردوقتی متوجه شدکه‌تیر بهد فـخورده چراغ راروشن کرد وباکمال تعجـب‌دید باآنکه آن زن بطرز عجیبی بـا همسر ش شبا هت دارد

زن اونیست ژول بلا فاصله بـه طرف‌تیلفون‌رفت وبه‌خانه‌اش تیلفون کرد ،زنش که‌در خانه بود جـوا ب‌داد ژول بمشا هده این اشتباه دیگر معطل نشد، دو گلو له‌را به مغز خودخالی کرد به حیات خود خا تمه داد وبد ینتر تیب‌یك سؤظن با عث دوقربانی گردید.

جاپانی های پولدار

طوری که همه می‌دانند جاپانی‌ها درین اواخر خیلی پو لدار شده اند ونمیدانند که ثروت شانرا چگو نه خرچ کنند آنها درهمه جاهستند و بااستفاده ازین همه پول گرم سیرو سیا حت وخرا جی هستند.

چندی پیش یك تاجر امریکایـی گفته بود «این جاپانی ها هر چـه دلشان شد می خرند، الماس ،آثار راارزنده هنری کار خانه لبا سهای آخرین مد»

یك امریکا یی دیگر با حسر ت‌به یك خبر نگار گفت: «جاپانی ها رابا مشتهای پراز دالر درهر کجا کـه بخواهی می‌توان‌پیدا کرد. در پاریس لباس آخرین مد را می خرنـد در مادرید صف اول رابرای تماشای‌ـ گاو بازی اشغال می‌کنند ،در امریکا واروپا اسب های اصیل را خریده‌به وطن می برند یك فرد جاپانی سال گذشته برای خرید یك اسپ‌جاپانی بنام «شکست ناپذیر» یك ملیون‌دالر پول داد.»



یک زن خوش چانس

خانم «برو نابو چارلی، اهـــل ایتا لیا مقیم المان. به سر مایه ای رسید که نزدیك بود به آسانی ازدست بدهد خانم که‌درمسا بقـا ت اسپ دوانی میو نیخ شر کت کرده بود سر اسپ های‌دونده شرطبندی ونکت آنرا خریداری کرده بود بعدازختم بازی وقتی اسمای برند گا ن توسط مکرو فون اعلام شد خانـــم‌بور چا لی مثل اینکه درست اسمارا نشنیده بود فکر کرد که‌برنده نشده‌بدینتر تیب تکتش رادر سطل‌کاغذ های باطله انداخت وبه منزلش‌رفت‌اتفاقا پس از چند وقتی چشمش به اسمای برندگان که در روز نامه به‌چاپ رسیده بود افتاد متو جه شد که‌برنده جایزه اول است به سرعت‌به طرف میدان اسپ دوانی ر فـــت وخو شبختانه متو جه‌شد که‌آن‌سطل‌راتاهنوز خالی نکرده‌اندلدا به‌پالیدن شروع کرد وبازحمت زیاد توانست‌تکتش راپیدا کند خانم بور چا لی باخوشی وسرور زیاد رفت وجایزه‌اش راکه در حدود ۲۵۰ هزار دالـر بود دریا فت کرد.

حساسیت

یك زن جوان بر تگالی به‌اسم فلورا پنسیا دریك فروشگاه بزرگ شهرلیسبون‌استخدام شد. صا حب مغازه زن تازه وارد رادر محل فروش عطر یات‌ولوازم آرایش‌بکار گماشت اما فلورا همینکه بکار آغاز کرد دچار مریضی مرموزی گردید تاآینکه در بیمارستان بستری گردید ودر نتیجه معلوم گردید که فلورا نسبت به‌مواد عطری وبطورکلی‌بوی خوش‌حساسیت دارد فلوراهمینکه‌ازشفاخانه رخصت وسر کارش آمد صا حب مغازه اورا به‌قیمت فروش‌ما هی‌و گوشت خو ك منتقل کرد به‌محض این تغیر مکان حال فلورا خوب شدوتا وقتی درآن مغازه کار می کرد مریض نگردید

بوسه‌در انتقال زکام مؤثر نیست

تا چندی پیش چنین فکر شد که‌ممکن است بوسه زکام وسر ماخوردگی راا‌ز شخصي به شخصی دیگرانتقال دهد وکسی که مبتلا به زکام بود تاوقتی حالش خو ب نمی شـداجازه نداشت کسی دیگررا ببوسد.

اما چندی پیش دوکتوران معروف ایالت نیو یور ک واقع درامریکا از نتیجه تحقیقات وبر رسیهای عمیق خود اعلام داشتندکه احتمال سرایت زکام وسر ماخورد گی از طریق‌بوسه خیلی کم است. وآنها توصیه می‌کند که اشخاص مبتلا به‌زکام ولو آنکه سر ماخورد گی آنها خیلی شدید هم‌باشد می توانندیگر انرا ببوسند تحقیقات دکتوران به اینجا رسیده‌که درموارد زکام های شدید نیز حـد اکثر۷ درصد ممکن‌است بر اثربوسه به‌زکام وسر ماخوردگی مبتلاگردند



فعالیت های زنان امروزمحدود به خانواده وخانواده تنها نه بلکه در همه‌رشته هاو امور اجتماعی معروف خدمت اند

تاکسی متعلق به پلیس

چند نفر دزد پس از آنکـه وارد یکی ازخانه های پاریس گردیدنـد اشیاء نفیس وباارزش آن را بـــر داشته وبیك تاکسی که‌از آنجا عبور می‌کرد سوار شدند وبه دریـــور ادرس رادادند.

تاکسی بعداز طی مسا فتی در مقابل اداره پلیس که‌در بین راه‌بود استاد ودزد آنرا که‌بی خیال مشغول گفتگو بودند تحویل پلیس دادددزدها ازین کار راننده به حیرت افتادند ودر نتیجه معلوم گردید که دریور مامور پلیس بوده وتاکسی هم‌متعلق به‌پلیس بود که مخصو صا در ظاهر یك پلیس انجام وظیفه‌می کرد و راننده از حر فها ی آن فهمیده بود که آنها از سر قت خانه‌ای می آیند لذا آنهارابه‌پلیس معرفی‌کردواشیای مسرو قه رابه صا حبش دادند



نویسنده ستا نیسلاف ستراتیف　　مترجم : نورانی

وقتی نتیجه معکوس میشود

مانند مجالس گذشته مجلسی دایر شده‌بود. بیانیه ها از عقب میز کنفرانس که با روپوش سبزرنگ پوشیده بودیکی بعد دیگر ایـــراد می شد بالای میزشش گلدان گل گذاشته‌شده بودکه عطر گل هاواضحا در سالون به مشام میرسید، بیانیه‌ای راجع به فعالیت های دفتــر وبخصوص خدمات سکرتر خاتمه یافت وبعداز آن نوبت انتقادات وپیشنهاد ها رسید گفتند :

ـ درست است‌که دفتر فعالیت خوبی میکند ولی بیشتر بیك چای خانه شباهت دارد تایك شعبه رسمی بهتر است شعبهٔ مذکور لغوشده تشکیلات جدیدی به میان بیایداین پیشنهاد تائید گردید وآن وقت موضوع دیگری عـر ض وجود کرد :

چه کسی باید آمر تشکیلات‌جدیدشودباید برای اداره جدید شخصی راانتخاب نــمود ، شخصی که درراس اداره قرار گیرد ایـــــن شخص باید تمام مسوولیت رابه عهده گرفته باجدیت وفعالیت بینظیری بکار آغاز کنـــد .

یکنفر صدا کرد: بنظر من بهتریـــن شخص برای این‌کارمیلان وافلسنکی می باشد .

دیگران هم به یك آواز گفتند :

ـ بلی میلان وافلنسکی مناسبترین شخصی برای به عهده گرفتن این مسوولیت است.

یکنفر دیگرراهم نام بردند ولی اوگفت :

ـ نخیر جائیکه میلان وافلنسکی باشد من چکاره هستم که خودرا کاندید کنم اولایق نر ازمن می باشد .

میلان آرام وخاموش نشسته بوددرین‌وقت یك نفربه نام (سونیو) ازبین جمعیت‌برخاسته همه رامخاطب قرار داد :

ـ میخواهم راجع به این شخص یعنی‌میلان وافلنسکی صحبت کنم .

اوپشت میکروفون قرار گرفته چنین بسخن ادامه داد :

ـ حضار محترم ... نمیدانم چرا چنیـــن شخص کم مقاومت وبی اراده ای رامی‌خواهید انتخاب کنید البته من حق دارم نظرخودرا به اوبگویم ، چون می شناسمش میلان آدمیست سست اراده که هیچنو ع مقـــررات رامحترم نشمرده به وظیفه علاقه ندارد .

حضار محترم ... این میلان وافلنسکی را من ازامروزنمی شناسم بلکه بدبختانه ازمدتها قبل می شناختم درفارم تربیه مرغ باعث ازبین رفتن هزاران چوچه مرغ شداوهمیشه مجالس اجتماعی راتمسخر نموده درین مجالس بخاطر آن اشتراك میکند که‌گرم است کونسومول به نظر اوحکم مرکز گرمی رادارد علاوه از آن وی بااشخاص مشکوك واجتماعات مشکوك وغیــره ارتباط دارد . اودایما درقهوه خانه هاوقـــت خودرابه خواندن آثارخارجی ممنوعه می‌گذارند.

گوپچوده دقیقه راجع به میلان وافلنسکی صحبت کرده پرده ازروی مجهولات اوبرداشت ودرضمن تذکر دادکه برای اینکار حداقل ده نفردیگردر بین جمعیت است که لیاقت‌واهلیت شان ازمیلان وافلنســـــی به مراتب بیشتر می باشد .

وافلنسکی خودش چنان بی خیال نشسته بودکه گویی اصلا درباره اوحرفی زده نشـــده درحالیکه زمزمه هاوتبصره ها بین دیگـــران جریان داشت بعداز گوپچونوبت سخنرانی به (تسی تسو) رسید اوباقیافهٔ عصبانی وبـــا برافروختگی به حرف زدن آغازکرد ، چه‌چیز هایی که درباره میلان نگفت اوسخنان خودرا بااین جمله که (میلان وافلنسکی نه تنهالیاقت این پست حتی لیاقت رفاقت راندارد . زیرا فوق العاده پرروحقه بازاست) ختم نمودحینیکه می خواست ازپشت میزدورشود اضافه نمود.

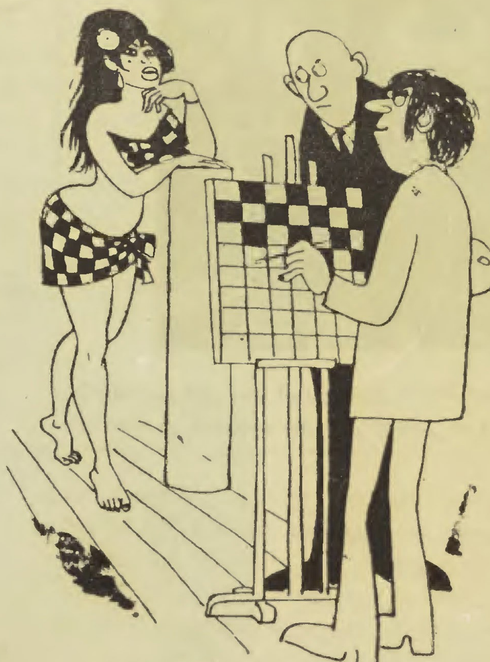
ـ رفقایك مطلب فکاهی راهم باید تذکـــر دادکه‌کاملا حقیقت دارد. یك روزمیلان‌وافلنسکی که حریص وپرخوراست درغیاب رفقا غـــذای آنها رایکجایی خورده بودبه اثراین پرخوردن شکمش چنان پندیده بودکه هرآن احتمال‌انفلاق نمودن اومیرفت حضاربه شدت خندید ولـــی میلان آرام بود. فقط جمله ای روی کاغذنوشت وآهسته بدست تسی تسو داد روی کـــاغذ نوشته شده بود. (آفرین فوق العاده بـــو د دعوت بزرگی برای هرسه تان ترتیب خواهم داد.) اصلا مطلب ازین قراربودکـــه آمریت شعبه کاری بودمشکل طاقت فرساوپرمسوولیت یك عالم‌دوندگی وجنجال‌لازم داشت وافلنسکی شنیده بودکه این مسوولیت رابه عهـــده او می گذارند اوابدا راضی نبود این قدر جنجال راتحمل کندبنابران سه نفر ازرفقای خود راکه عبارت بودند اوگوپچوـ تسی تسو وسونیـــو درخانهٔ خوددعوت کرده پلان خودرابا ایشان درمیان گذاشت باید تامیتوانید در مجلس از من بدگویی‌کنید تامن به این غم‌گرفتار نشـــده وظیفه آرام وراحت قبلی خوادراحفظ کنم ... باید دوستی ورفاقت خود رابه من ثابت‌کنید.

رفقاهم به او قول دادند وگفتندکه به‌خاطر رفاقت ودوستی ازهیچ کمکی دریغ نمی کنند همان بوددرمجلس سه‌نفرچنان نقشی را بازی کردندکه شایسته رفاقت بود .

فردای آن روزشخص دیگر انتخاب شد اما وقتیکه میلان ازعاقبت خودخبرشدکم مانده بود سکته‌کندبه اساس شهادت رفقایش اورا بکلی ازکارتردنموده دوسیه ای برایش ترتیب داده بودندکه عنقریب به محکمه محلی محـــو ل میشد .

بلی رفقایش ازحد درحق اودوستی کرده بودند . ونقشه هاهم بعضانتیجه معکـــو س میدهد .

پایان



ـ بلی طوریکه می بینید برای رسم‌کردن جدول به‌این‌مانکن ضرورت دارم.

پای صحبت شمع ریز

تاآثار ناگواری‌ازآنهادرنهاد ونحت‌شعورشاعر باقی نماند .

باید برای هیجانات وتب وتاب های درونی شاعر، فرارگاه سالم وسودمندی جستجوگردد، ورنه‌به‌اثر نیافتن منفذوفرارگاه خارجی،عقده های روحی خواهند ساخت . وناگواریهای‌عصبی وروانی راببار خواهند آورد .

اگراین هیجانات وشوریدگیهـــای نهانی ، فرارگاه طغیانی وناسالمی دریابندتبارزات زبان آور بیرونی راموجب خواهند شد. وناگواریهای دیگر فردی واجتماعی رابرای شاعر بمیا ن خواهند کشید، ولی شعر ، فرارگاه هنرمندانه وسالمی رابرای التهابات وهیجانات‌باطنی‌شاعر مهیا میسازد . وازتهیج روحـــــی وی، هنر می آفریند. چون غالبا، شاعران مردمان نهایت حساس، باریك بین وزودرنج هستند با شعر گویی ها، عقده های دل رامی گشایند وگـــره های روح‌راباز می‌کنند . از خیالها، احساس ها، عواطف وهیجانات خودرا از تاثرات وشور ها، پندارها واندیشه های خود، شعر هایی میسازند وبا جبیرهٔ هنرمندانه شعر، هیجـان های روحی خودرا آرامش می بخشند وتوسط شعر، تسکین باطنی می یابند به فکرمن این سودمندترین وظیفه فردی شعر میباشد، کـــه درمقابل گوینده خودبجامی آورد .

شعر، دراجتماع نیزوظایف مهم وارزشمندی رابه عهده دارد، که دربسیاری موارد ایـــن وظایف مستقیم بوده ودرمواقع زیاد دیگری غیرمستقیم میباشد . شعریکی ازنیاز هـــای ذوقی، روحی ومعنوی اجتماع است . اجتماع طوری که به موسیقی ضرورت دارد، به شعر نیزاحساس ضرورت میکند. شعر در راه رشد فکری وذهنی افراد جامعه نقش موثری راایفا میکند . احساسات عالیه وملکات فا ضلـــه بشری راتقویت می بخشد. به‌خیال‌ها پهنا ووسعت بیکران میدهد . اندیشه هارا رساتر میسازد . وخاطر هارا به اندیشه سازیهـــــا وامیدارد وفکرهارابه جـــولان درمی آورد . نیروی وقت وتمرکز ذهنی وفکری را تقویـــه مینماییـد . احساسات عاطفی وبشری رابیدارتر میسازد. محصوره های ذهنیت هاوقضاوتهای عندی رادرهم می شکنند . ساحه دید وپندار را وسعت وبزرگی خاصی می بخشد

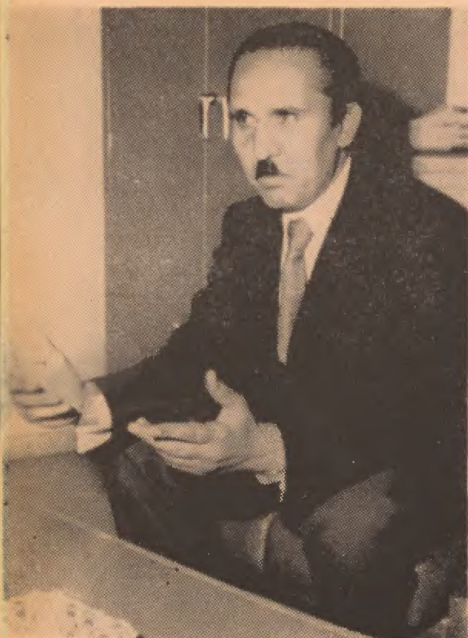
شعراحساسها ودل هارا باهم به نزدیکی می کشاند . وزمینه تفاهم رابین آنها بیشتر مهیا میگرداند . شعر امکانات بهم بستگی‌های روحی، احساسی، عاطفی وپیوند های انسانی وبشری رابین افراد اجتماع وهمچنان بین‌افراد جوامع مختلف تاحد زیادی فراهم میدارد . وبدینسان، شعر، وظایف عالی بشری، عاطفی، فکری ومعنوی رادر اجتماع ، طورغیر مستقیم انجام میدهد .

شعر همچنان درساحه موسیقی، تعلـــیم و تربیت، درساحه فرهنگ، درساحه نویسندگی نطاقی، درساحه وعظ وارشادودربرابر، انگیختن احساسات ملی، ودر بسیاری ساحه دیگر کم وبیش نقش مستقیمی راایفا مینماید . زندگی پیشرفته وپیچیده امروزی از بسیاری جهـــات آرامش روحی، مردم جهان رابه هم زده است. بناء مردم این (عصر سرعت ها) بیشتر بـــه آرامش روحی وباطنی نیاز دارند . شعر یکی ازوسایل نهایت موثر تأمین تمرکز حـــواس وآرامش فکری، عصبی وروحی انسان هیجان زده عصر کنونی، پنداشته میشود ومیتوانددر ساحه طب روحی وعصبی ، برای درمان‌بیماران عصبی وروحی بکار رود. چون شعر تمـــا س مستقیم با احساس وضمیر ونهاد انسا نـــی برقرار میسازد، میتوانددرمواقع لازم احساسات کتله های بزرگ بشری رابرانگیزاند وآنهارا بسوی اهداف عالی ،اجتماعی ، ملی‌وجهانی بکشاند .

ــ ازدکتور شمع ریز پرسیدم‌که شعر چه وقت وچگونه بمیان آمد؟ به نقطه ای خیره‌شده بعداز لحظه ای سکوت میگوید : پیدایش‌شعر باپیدایش کتله های بشری درزمین توأم‌بوده است . اولین‌گروههای انسانی ، ازخود سروده هاوشعرهایی داشتند که برای ابراز احساسات شاعرانه خویش آنهارابه شکل آواز ها ویـــا صدا های آهنگ دار اظهار میکردند .

پیش ازرویکار آمدن، زبان بیانی، همیـــن نداها، آواز های‌گنگ، بی مفهوم ولی باآهنگ که فاقد الفاظ وکلمات بامعنی بود، ترانه هـــا وسروده های شعری، انسانهـــای ابتدایی را تشکیل میداد . ومیتوان آنهارا (شعر هـــا ی وحشی) دانست ولی باایجاد (زبان بیانی و گفتگویی)، الفاظ وکلمات بامفهوم ونیمه‌مفهوم، باآواز های شاعرانه در آمیخت واز آن نخستین شعر ،های لفظی بشری بمیان آمد، با تکامـــل بیشتر جمعیت های بشری وباتوسعه ساحـــه آرزومندی های باطنی انسانی، شعـــــرنیز از محصوره های محدود ابتدایی بدر آمـد. ودر پهنای وسیعتری به جولان پرداخت . غنـــا ی ذهنی وفکری بشر، مفاهیم تازه ای راواردشعر ساخت . تازمان ایجاد خط وبمیان آمدن (زبان تحریری ونگارشی)، پیدایش شعرها، همـــا ن اصلیت بیانی وسرودی رانگهداشت. اماباظهور خط وتحریر، شعر ارقامی رویکار آمد، وتحریر شعر، شعررااجتماعی ترساخت ، فراهم شدن زمینه چاپ، شعرراهمگانی تر نمود . بااینسان شعر باآمیزش بیشتر ووسیمتر با فرهنگ‌های ملی، به حیث یك بخش بزرگ ومهم ثقافت ملت هادر آمد .

وسایل اطلا عـــات ونشرات عمـــومی، مانندرادیو، تلویزیون، سینما، تیاتر، نشریه‌ها مجلات وجراید... شعررابه همه گوشه ها و برای همه طبقات اجتماع رسانید . شعر بـــا آمیزش نزدیك باموسیقی درهمه محافـــــل راه یافت واجتماعات ادبی وشعری اجتماعیت شعر رابه مرحله تکامل تری رسانید . ترجمه شعر ازیك زبان به زبان دیگر، اگرچه کار نهایت دشواری است، جریان بین المللیت شعر را تسریع بخشید وشعررا درموارد زیادی‌ازآن جامعه بشری ساخت، وآنراجهانی تر گردانید. چون شعر به حیث یکی ازمظاهر روحی (فردی واجتماعی) بشرایط همیشگی ونزدیك باجمعیت های انسانی داشته است . بناء موجودیت خود رادرهرگونه جمعیت‌های انسانی حفظکرده‌است. طوریکه ابتدایی ترین کتله های بشری ازخود شعرهاوسروده هایی داشتند . پسمانده ترین قبایل امروزی نیزازخود ترانه ها وشعر هایی دارند . همچنان که‌کشور های عقب مانده و کشورهای درحال رشد وانکشاف ، شعر های خودرابه حیث بخش مهم وارزندهٔ فرهنگ ملی خودگرامی میدارند . کشور های پیشرفته و صنعتی جهانی نیز دارای شعر هایی میباشندو آنهاراارزشمند میدانند .



شمع‌ریز شاعر معا صرکشور

«باقیدارد



رئیس تحریر : محمد ابراهیم‌عباسی
مدیر مسؤل نجیب رحیق
معاون : پیغله راحله راسخ
مهتمم: علی محمد عثمان زاده .
تیلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵
تیلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹
تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹
تیلفون ارتباطی معاون ۱۰
تیلفون منزل معاو ن۴۰۷۶۰
مدیریت توزیع ۲۳۸۳۴
سوچبورد ۲۶۸۵۱
آدرس : انصاری وات
درداخل کشور ۵۰۰ افغا نی
وجه اشتراک :

ترجمه : انجنیر حبیب

ماجرای اختطاف آدولف هایشمن

در اثنا مشوره با اعضا گروپ عملیات عشت از من پرسید بعقیده شما هرگاه ما درین جا دستگیر شویم چند وقت زندانی خواهیم ماند من جواب دارم چند سال به احتمال قوی من اضافه کردم هرگاه ما ناکام گردیم بهتر است هر کدام ما شخصا بکوشد هر طوریکه لازم باشد خود را از ارجنتائن خارج بسازد .

روی بعضی دلایلیکه موجود بود ما مجبور گردیدیم اختطاف هایشمن را از روز ۱۰ می بروز ۱۱ می به تعویق به اندازیم بروز ۱۰ می افراد گروپ عملیات هوتل های خود را ترك گفته در منزلی که باید آدولف هایشمن در آن زندانی گردد گردهم جمع شدند اسم این منزل را ماتیر گذاشته بودیم .

درین روز هر کدام از افراد پاسپورت های جدید بدست آوردن پلان اختطاف یکبار دیگر مورد بحث قرار گرفت .

بروز ۱۱ می یوسف کیرن برای آدولف هایشمن زندان را آماده گردانید او اینکار را طوری ماهرانه عمل کرد که اگر تیرا از طرف پولیس تلاشی میگردید امکان پیدا کرن آدولف هایشمن کار ساده نبود .

در همین روز موتر های که چند روز قبل کرایه شده بود دوباره به مالکین آنها تحویل داده شد زیرا ما نمی خواستیم با موتر هائی اختطاف را انجام بدهیم که چند روز قبل در نزدیکی خانه آدولف هاشیمن دیده شده بودند .

یوسف کنت ، الیفیض و عشت سه موتر دیگر را کرایه میگیرند دو موتر برای اختطاف مد نظر بود وموتر سومی کارهای دیگر را انجام میداد .

بعد ازظهر گروپ عملیات تاجائیکه ممکن بود چهره ظاهری خودرا تغیر میدهند سامان و لوازم که در اثنا اختطاف به آنها ضرورت حس میشود کنترول میگردد .

ساعت ٦ و ٤٠ دقیقه اعضاء گروپ با دو موتر از تیرا خارج میشوند وبه طرف هدف روانه میگردند این دوموترازراه‌های مختلف خود را به سرك نمره ۱۹۷ میرسانند .

در موتر اول گابی ، یوفال ، کیرن و کنت موقع میگیرند و در موتر دوم ایفیض ، عشت و دوکتور موتر اول‌را یوسف کنت دریوری میکند و راننده موتردوم عشت‌است.

من خودم صبح وقت بکس‌خودرا جمع‌کرده از هوتل خود خارج شدم و قتیکه پول کرایه هوتل‌راپرداختم تکسی گرفته به استیشن قطارآهن بونیس آیرس رفتم .



ایستگاه سرویس

در آنجا بکس خودرادربین‌المارى قفل نموده در جاده ها مشغول قدم زدن شدم درین روز من از یك کافی به دیگر کافی میرفتم .

عملیات اختطاف باید ساعت ۷ و ٤٠ دقیقه صورت میگرفت و من باید ساعت ۸ و ٤٠ شب از جریان اطلاع حاصل میکردم اما چند ساعت از شب سپری گردید به من اطلاع نرسید در فکر من‌موضوعات‌مختلف خطور میکرد من قصد میکردم که عملیات موفقانه صورت نگرفته ممکن افرادما دستگیر شده باشند اصلا فکر میکردم که اینکار ممکن نیست اگر پولیس از جریان اطلاع حاصل کرده باشد باوجودآن‌نخواهد تمام افراد ما را دستگیر کرده باشد اقلایك ویا دو نفر آن میتوانست فرار کند و خودرا بمن برسانند .

ساعت ۱۲ شب بود و کافی مسدود میگردید من پول قهوهٔ خود را پرداخته میخواستم کافی راترك بگویم که ناگهان یوسف کنت و عشت داخل کافی گردیدند یوسف کنت بدون مقدمه بمن گفت‌عملیات موفقانه صورت گرفت و هویت آدولف هایشمن نیز تثبیت گردید.

ما کافی را ترك گفته به کافی دیگری رفتیم و یوسف‌کنت جریان اختطاف را بمن حکایه کرد ما ساعت ۷ و ۲۵ دقیقه خود را به محل اختطاف رسانیدیم .

موتر اول در خیابان گاری بلدی پارك شد روی موتر به طرف خانه آدولف هایشمن بود، موتر دوم‌در سرك ۲۰۲ به فاصله ٥٠ متردورتر از ما پارك کرد روی موتر دوم به طرف ایستگاه سرویس بود بانت موتر اول بلند بود کیرن در ماشین خودرا، طوری مشغول گردانیده بود که تصور شود نقص آنرا ترمیم میکند یوفال در قسمت راست ماشین نیز سر خودرا بالای ماشین پائین کرده بود من با اشترنگ‌بازی میکردم و گابی در سطح موتر خودرا پنهان کرده بود .

در موتر دوم عشت نیز بانت را بالا کرده وبا ماشین آن خود را مشغول ساخته بود .

ما هفت نفر چشم خود را به ایستگاه سرویس دوخته بودیم و منتظر آمدن ریکادو کلمنت بودیم سرویس آمد و نزدیك غرفه فروش توقف کرد اما ریکاردو در آن نبود چند دقیقه بعد سرویس دوم آمد ریکاردو کلمنت در آن نبود پوره ساعت ۸ شب بود که من از گابی پرسیدم بهتر نیست اینجا را ترك بگوئیم گابی گفت نه ما منتظر می‌مانیم من دیدم که عشت به طرف‌ما می‌آید درین اثنا سرویس سوم رسید در ایستگاه شخصی از آن پائین گردیده‌بطرف ماآمد هوا تاریك بود چهره او بخوبی معلوم‌نمیگردید



غرفه فروش







مودوفیشن

دونمونه از جدیدترین مود های جهان برای شما انتخاب
کردیم تاشما از پارچه های ساخت وطن برای خود
لباس زیبا تهیه کنید

مطبعه دولتی